H A F T - E - S O B H D A I L Y

هفت صبح

روزنامه فرهنگی، اجتماعی
شهری واقتصادی ایران
شنبه | ۱۷ خرداد ۱۴۰۴ | شماره ۴۰۶۸
۱۲ صفحه | قیمت ۱۰۰۰۰ تومان
www.7sobh.com
@haftsobh_news
@haftsobh

بررسی ابعاد ناامنی اجتماعی زنان و عملکرد رسانه‌ها پس از مرگ تلخ الهه حسین‌نژاد

سایه ترس روی شانه دختران

- جامعه‌شناسان معتقدند آمار دختران فراری نیز نگران کننده و مغفول مانده است
- اهالی روستا گفتند بهمن و برخی از اعضای خانواده‌اش همیشه درگیر دزدی و رفتارهای خشونت آمیز بودند

همین صفحه و صفحه‌های ۶ و ۷

گفت‌وگو با رسول رضوانی
کارآفرین ایرانی که با پروژه‌های بلاکچین توکن‌سازی و شهر متاورسی، مرزهای فناوری و آینده ایران را باز تعریف می‌کند

متاورس ایران کلید می‌خورد

نخستین شهر متاورسی ایران در استان چهارمحال و بختیاری در حال طراحی است

صفحه ۱۰

ماجرای هزینه‌های غیرقانونی کدرهگیری

کابوس مستاجران

- کد رهگیری به‌عنوان ابزار قانونی معاملات ملکی، به‌منبع هزینه‌های اضافه برای مستاجران و فرصتی برای سودجویی بنگاه‌ها تبدیل شده است
- ثبت قرارداد با کد رهگیری، شرط دریافت وام ودیعه مسکن است اما هزینه‌هایش قانونی نیست

صفحه ۲

درباره خزانه جواهرات ملی که جنگ، صلح و سیاست ایران را روایت می کنند

بازگشت نمادهای تاریخی ایران

- اغلب جواهرات این خزانه قابل قیمت گذاری نیستند و به‌عنوان پشتوانه پول ملی ایران شناخته می‌شوند
- از شاخص‌ترین آثار خزانه جواهرات ملی ایران می‌توان به الماس دریای نور، جقه نادری، تاج پهلوی، تاج کیانی، کره جواهرنشان، تخت طاووس و تخت نادری اشاره کرد

صفحه ۹

ورزش‌های الکترونیک، قدرتی تازه در دنیای رقابت دیجیتال

تمرکز، تفکر، پیروزی

قهرمان‌سازی در MOBA، نیازمند تمرین، شناخت شخصیت‌ها و هماهنگی با تیم است

صفحه ۸

تحلیل چالش‌ها، ظرفیت‌ها و آینده سینمای تجربی در ایران و نقش آن در نجات سینمای بدنه و فیلم کوتاه

سینمای تجربی در ایران مسیر مبهم یک جریان مهم

- رضا فهیمی: سینمای بلند داستانی ایران به بن‌بست رسیده است
- سهیلا پورمحمدی: مخاطب باید آمادگی رویارویی با سینمای تجربی را داشته باشد
- شهرام مکری: جریان‌سازی در سینما نتیجه آزمون و خطای سینمای تجربی است
- محمدرضا مرادی: سینمای تجربی به دور از روایت کلاسیک دریچه‌ای تازه به سینما باز می کند

صفحه ۵

بررسی انتقادی عملکرد سامانه‌های خدمات عمومی دولت در ایران و نقش تجربه کاربری در افزایش اعتماد و رضایت مردم

سامانه‌ها آنلاین اند اما مردم در صف انتظار

- مردم برای دریافت خدمات ساده، ساعت‌ها وقت در سامانه‌ها صرف می کنند و باز هم نتیجه نمی‌گیرند
- یکپارچگی بین سامانه‌ها هنوز به‌صورت مؤثر اجرا نشده و مشکلات ساختاری زیادی ایجاد کرده است

صفحه ۲

صالح رجایی از چگونگی بازآفرینی یک واقعه تاریخی با زبان و فرم نو در نمایش «میرزا مُخنث» می‌گوید

خشونت بی‌نقاب

میرزا مُخنث، مخاطب را با یک واقعه تاریخی فراموش‌شده و تأثیر آن بر امروز روبه‌رو می‌سازد

صفحه ۴

سایه سنگین معادن و بی‌توجهی مسئولان بر سر «تیمره»

سنگ‌نگاره‌های هزارساله را دریابید

تیمره با بیش از ۳۰۰ هزار سنگ‌نگاره، بزرگ‌ترین گنجینه هنر باستانی ایران است

صفحه ۹

بررسی تحلیلی و آماری عملکرد تیم ملی فوتبال ایران با هدایت امیر قلعه‌نویی در ۳۰ مسابقه اخیر

تیمی که می‌برد اما نمی‌درخشد

صعود ایران به جام جهانی قطعی شد، اما بازی برابر قطر نگران کننده بود

صفحه ۱۱

اسلحه‌خانه‌ای به وسعت ناتو

ناتو با تصویب بزرگ‌ترین برنامه تسلیحاتی خود از زمان جنگ سرد، خواستار اختصاص ۵ درصد تولید ناخالص داخلی اعضا به امور دفاعی شد

صفحه ۳

گفت‌وگو با نبی رضایی قهرمان قایقرانی ایران و آسیا

بایک قایق شکسته شروع شد

- امکانات ما در حد یک استان چین هم نیست
- تبعیض زیادی بین ما و فوتبال وجود دارد

صفحه ۱۱

یادداشت

روایتی از یک قتل تلخ و ضرورت آموزش همگانی برای مواجهه با خطر در خیابان‌های ناامن

الهه دیگر برنمی‌گردد، ما چه باید بکنیم؟

افشین امیرشاهی
سردبیر

قتل تلخ و دلخراش الهه حسین‌نژاد همه ما را متاثر کرد. دختر جوانی که در مسیر بازگشت به خانه با ضربات چاقوی یک مرد سابقه‌دار جان باخت. این مرگ دلخراش موضوع ناامنی در خیابان، خشونت علیه زنان و نبود آموزش کافی در مواجهه با موقعیت‌های پرخطر را دوباره برجسته کرد.

بهمن، قاتل این جنایت در اعترافاتش گفته است که وقتی چشمش به تلفن همراه الهه افتاده، وسوسه شده و قصد سرقت داشته است. الهه مقاومت کرده و او با چاقو به سینه‌اش ضربه زده است. متاسفانه ضربه‌ای که جان الهه را گرفت. این تنها یک نمونه از قتل‌هایی است که در سال‌های اخیر رخ داده است و قربانی آن‌ها اغلب زنان بوده‌اند. زنان در معابر شهری، تاکسی‌ها و فضاهای عمومی بیشتر از مردان در معرض تهدید و خشونت قرار دارند.

اینکه شهرهای بزرگ در معرض جرم و جنایت‌اند، مسئله تازه‌ای نیست. به قول یکی از فرماندهان پلیس جرم و جنایت همیشه در شهر وجود داشته است، اما این روزها به دلیل گسترش شبکه‌های اجتماعی مردم بیشتر از قبل در جریان آن قرار می‌گیرند. همین مسئله نگرانی‌ها را دوچندان کرده است. چون متوجه می‌شویم چه تعداد افراد خطرناک با سابقه کیفری در شهر حضور دارند و هر لحظه ممکن است یک جنایت دیگر را رقم بزنند. چه بسا هر روز بدون مانع و هشدار در کنار سایر شهروندان حضوری پررنگ دارند و به دلیل ضعف نظارت ممکن است دست به ارتکاب جرم بزنند.

بهمن، قاتل الهه یکی از این افراد بود. مجرمی با سابقه تهدید، سرقت و خشونت که حتی از تبعید قانونی هم فرار کرده بود. گفته می‌شود او مدتی به‌عنوان راننده در پلتفرم‌های حمل‌ونقل اینترنتی نیز فعالیت داشته است. البته که باید جزئیات بیشتری از پرونده این قتل دلخراش و قاتل بی‌رحم آن منتشر شود و یکی از آنها همین است که آیا او راننده اسنپ بوده یا خیر؟ با توجه به همین مسئله لازم است سامانه‌ای وجود داشته باشد که سوابق مجرمان خطرناک را در اختیار نهادهای امنیتی و خدماتی قرار دهد؟ چون مردم جامعه حق دارند از تهدیداتی که ممکن است در اطرافشان وجود داشته باشد آگاه باشند.

در پی این قتل تلخ، بسیاری از کاربران در شبکه‌های اجتماعی و کارشناسان در رسانه‌ها این پرسش را مطرح کرده‌اند که اگر یک زن یا مرد در چنین موقعیتی قرار گرفتند، چه باید بکنند؟ اگر در خیابان یا تاکسی کسی برای سرقت به آنها حمله کرد، باید مقاومت کنند یا خیر؟ جان مهم‌تر است یا مال؟ واقعیت این است که بسیاری از ما در تشخیص موقعیت‌های پرخطر ناتوان هستیم. آموزش‌های کاربردی برای مواجهه با خشونت و زورگیری و تهدید در مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌های عمومی صورت نمی‌گیرد.

بسیاری از ما وقتی ناگهان خودمان را مقابل سرقت همراه با خشونت ببینیم شاید در لحظه ندانیم که چه کاری باید انجام بدهیم. یک نفر با سلاح مقابل‌مان قرار دارد و شاید خشک‌مان بزند و حتی کاری انجام بدهیم که امنیت‌مان را به خطر بیندازد. طبیعی است که ندانیم چگونه باید پیشگیری کنیم؟ چون به اندازه کافی آموزش ندیده‌ایم.

زمانی که مواردی چون زورگیری، سرقت، خشونت خیابانی و دیگر جرایم روند صعودی پیدا می کنند، طبیعی است که نیاز به اقدامات جدی و همه‌جانبه برای پیشگیری بیش از پیش احساس شود. گرچه افزایش تعداد نیروهای پلیس و نصب دوربین‌های نظارتی می‌تواند به پیشگیری از جرم کمک کند، اما این اقدامات به‌تنهایی کافی نیستند.

چون در کنار این موارد یکی از موثرترین راه‌های پیشگیری، آموزش و آگاهی‌رسانی عمومی است. شهروندان باید بدانند در مواجهه با موقعیت‌های خطرناک چه رفتاری داشته باشند، چگونه از خودشان مراقبت کنند و چطور با هوشیاری از وقوع حادثه جلوگیری کنند. این موضوع برای زنان اهمیت مضاعف دارد. متاسفانه زنان به‌ویژه در فضاهای عمومی بیش از دیگران در معرض آسیب‌ها و تهدیدات خیابانی قرار دارند. در چنین شرایطی آموزش مهارت‌های رفتاری، آشنایی با حقوق فردی و راه‌های مقابله با خشونت، می‌تواند نقشی حیاتی در کاهش خطرها ایفا کند. چرا نباید «امنیت فردی» به برنامه درسی دانش‌آموزان اضافه شود؟

در کشورهای توسعه‌یافته، آموزش‌های مربوط به امنیت فردی از سنین پایین آغاز می‌شود. در ژاپن، آگاهی‌بخشی درباره نحوه برخورد با تهدیدهای خیابانی بخشی از برنامه درسی است. در آمریکا و اروپا، اپلیکیشن‌ها و کمپین‌های رسانه‌ای، مهارت‌های عملی در مقابله با خشونت را آموزش می‌دهند. اما در ایران هنوز حتی پوستر ساده‌ای درباره واکنش در زمان زورگیری در ایستگاه‌های مترو یا اتوبوس نصب نشده است.

پلیس گاهی توصیه‌هایی مطرح می‌کند. مانند اینکه در مکان‌های خلوت یا تاریک از موبایل استفاده نکنید، اگر احساس تعقیب داشتید، مسیرتان را عوض کرده یا وارد مکان‌های عمومی شوید. این توصیه‌ها اما نمی‌تواند کافی باشد. چون مسئله مهم ساختن یک ساختار آموزشی و اجتماعی برای مواجهه هوشمندانه با خطر است.

صد البته که نقش طراحی شهری را هم نباید نادیده گرفت. الهه در مسیر خانه‌اش گم شد. یعنی در یک مسیر کاملاً معمولی و تکراری. اما روشنایی کافی، نظارت شهری یا دوربین در آن منطقه وجود نداشت. بسیاری از معابر شهرهای بزرگ به‌ویژه تهران، هنوز نقاط کور امنیتی دارند.

خیابان‌هایی با نور کم، بدون گشت شهری یا دسترسی فوری به پلیس. در چنین فضاهایی، زنان بیشتر از همه در معرض آسیب‌اند.

متاسفانه الهه جان خودش را از دست داد. این مرگ تاسف‌بار و دلخراش یک هشدار است. مثل همه هشدارهای قبلی به دولت، آموزش و پرورش، شهرداری، نهادهای امنیتی و رسانه‌ها که باید با هم برای افزایش آگاهی، امنیت و آموزش شهروندی تلاش کنیم. چون حفظ امنیت شهروندان، یک مسئولیت است. آموزش، مهم‌ترین گام برای نجات جان‌ها از خشونت‌های تکرارشونده است. جان الهه دیگر برنمی‌گردد، اما شاید جان‌های دیگر با آموزش و پیشگیری و انجام وظیفه مسئولانه از سوی نهادهای مرتبط نجات پیدا کنند.

روایت

اعتراض دیجیتالی علیه خیابان‌های شلوغ

کمپین تصویری ساکنان مایورکا علیه گردشگری انبوه به الگویی برای اروپا تبدیل شد

در یکی از جزایر معروف اسپانیا، مردم راه تازه‌ای برای اعتراض به گردشگری انبوه پیدا کرده‌اند. راه تازه‌شان این است که با کمک هوش مصنوعی تصویرسازی می کنند بدون این که فریاد بزنند.

در مایورکا، ساکنان شهر توریستی سولر با کمک ابزارهای هوش مصنوعی کمپینی به‌نام «Welcome to Sollerland» راه انداختند. این کمپین با تصاویر ساختگی اما واقع‌گرایانه آینده‌ای تاریک از جزیره‌ای را به نمایش گذاشت که زیر فشار گردشگری انبوه در حال فروپاشی است. تصاویر مصنوعی نشان می‌دهد که در آینده مردم شاهد خیابان‌های شلوغ، آلودگی محیط زیست و ازهم گسیختگی فرهنگی خواهند بود.

این تصاویر به‌سرعت در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد و صدای مردم مایورکا را نه‌فقط به گوش دولت محلی، بلکه به پایتخت‌های اروپایی رساند. این کمپین تصویری به جنبشی فراگیر بدل شد و در ۲۵ مه ۲۰۲۵ بیش از ۲۰ هزار نفر را در خیابان‌های پالما، پایتخت مایورکا به اعتراض کشاند. خواسته مردم محدودیت در اجاره‌های کوتاه‌مدت، توقف فروش املاک به افراد غیرمقیم و بازنگری جدی در سیاست‌های گردشگری بود.

دولت محلی در واکنش به این اعتراض‌ها تصمیماتی اتخاذ کرد. از جمله افزایش مالیات گردشگری در بارسلونا، حذف ۶۵ هزار آگهی غیرقانونی از سایت Airbnb و اعمال محدودیت‌هایی برای فروش ملک به غیرمقیمان در مناطق خاص را آغاز کرد. در کنار این اقدامات، گروهی دیگر از ساکنان کمپینی به‌نام «We Love Tourism Mallorca» راه‌اندازی کردند تا روایتی معتدل‌تر از گردشگری ارائه دهند. این افراد خواستار تعادلی میان اقتصاد محلی و حفظ کیفیت زندگی بودند.

نکته جالب این که اعتراض‌ها در مایورکا به سرعت ابعاد ملی پیدا کرد و فعالان اجتماعی اکنون برای تجمعاتی سراسری در ۱۲ شهر اسپانیا از جمله ایبیزا، تنریف و بارسلونا در ۱۵ ژوئن برنامه‌ریزی کرده‌اند. البته تأثیر این حرکت به مرزهای اسپانیا محدود نمانده است. در شهر هال‌اشتات اتریش که به گردشگری سلفی‌محور مشهور است، مردم منظره معروف شهر را به‌طور نمادین مسدود کردند. در ونیز ایتالیا نیز از ابتدای ژوئن طرح ورودیه ۵ یورویی برای گردشگران اجرا شده و کشتی‌های کروز از ورود به برخی کانال‌ها منع شده‌اند. در آتن یونان هم پروژه‌ای برای ارزیابی ظرفیت گردشگری مناطق تاریخی آغاز شده است.

آنچه در مایورکا اتفاق افتاد یک نمونه قابل‌تأمل از به‌کارگیری فناوری برای بیان یک دغدغه اجتماعی است. مردم با بهره‌گیری از هوش مصنوعی نه‌تنها تصاویری هشداردهنده تولید کردند، بلکه توانستند توجه رسانه‌ها، دولت‌ها و افکار عمومی را جلب کنند.

اکنون بسیاری از شهرهای توریستی اروپا به‌دنبال یافتن تعادلی میان رفاه اقتصادی ناشی از گردشگری و کیفیت زندگی شهروندان هستند. تجربه مایورکا نشان داد که بدون برنامه‌ریزی پایدار، جذاب‌ترین مقصدهای گردشگری می‌توانند به نقطه بحران بدل شوند.

یادداشت

کالابرگ الکترونیکی وعده‌ای که هنوز صف طولانی دارد

حالا دیگر همه کم‌وبیش با «کالابرگ الکترونیکی» آشنا شدند؛ طرحی که قرار بود مثل نفس تازه‌ای باشد برای سفره‌های خالی و به اقشار ضعیف‌تر جامعه کمک کند تا از پس گرانی‌ها بربیایند. دولت هم در سال‌های گذشته چند مرحله سبد معیشتی و کالابرگ پرداخت کرده و خیلی‌ها به حساب این کمک‌ها دلگرم بودند. اما به نظر می‌رسد این بار شرایط کمی فرق کرده است.

چرا این مرحله جدید کالابرگ هنوز نیامده؟

حمید پورمحمدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، اخیراً درباره پرداخت کالابرگ جدید گفته که دولت دنبال منابع مطمئن است تا بتواند این طرح را اجرا کند، ولی به این ماه نمی‌رسد. یعنی همان وعده‌ای که خیلی‌ها منتظرش بودند، فعلاً عقب افتاده است.

چرا؟ اول اینکه دولت مثل همیشه با محدودیت مالی جدی روبه‌رو است و نمی‌خواهد با شتاب و بی‌برنامه وارد میدان شود. عامل دوم هم که مهم‌تر است، این که دولت می‌خواهد از بروز آثار تورمی جلوگیری کند؛ چون اگر همین الآن نقدینگی شدیدی به بازار تزریق شود، ممکن است قیمت‌ها دوباره سر به فلک بکشد و سفره‌ها را کوچکتر کند.

پیشینه پرداخت‌ها

قبلاً چند مرحله سبد معیشتی و کالابرگ پرداخت شده و این کمک‌ها برای خیلی‌ها گره‌گشا بود. اما این مرحله جدید با قبل فرق دارد. اولاً مبلغ و تعداد کالاهای مشمول ممکن است تغییر کند، دوماً به خاطر شرایط اقتصادی فعلی، دولت نمی‌خواهد به شکل ناگهانی بار مالی جدیدی روی دوش خودش بگذارد.

آیا مردم نباید ناامید شوند؟

شاید آری و شاید نه، به گفته مسئولان دولتی، این تأخیر به خاطر مدیریت بهتر است و دولت می‌خواهد از اینکه ناگهان پول زیادی به بازار بریزد جلوگیری کند. هدف این است که این کمک‌ها واقعی و پایدار باشند.

از طرف دیگر، رئیس‌جمهور هم تأکید دارد که حمایت از اقشار ضعیف فقط به کالابرگ خلاصه نمی‌شود. موضوع سلامت، بهداشت، مسکن و حمایت‌های معیشتی هم در دستور کار است و دولت سعی دارد همه این موارد را مدیریت کند تا در نهایت خانواده‌های کم‌درآمد کمتر تحت فشار قرار بگیرند. اما واقعیت این است که اقتصاد کشور حال خوبی ندارد. تحریم‌ها، نوسانات ارزی و محدودیت‌های بودجه‌ای کار را سخت کرده‌اند. این یعنی منابع مالی همیشه محدود است و دولت باید بین اولویت‌ها انتخاب کند.

نیاز به زمان و مدیریت دقیق

کالابرگ الکترونیکی البته هنوز هم می‌تواند ابزار خوبی برای حمایت از مردم باشد، اما برای رسیدن به مرحله عملیاتی پایدار و موثر، به زمان و مدیریت دقیق نیاز دارد. فعلاً باید منتظر ماند و این واقعیت را پذیرفت که پرداخت کالابرگ جدید به سادگی و سرعت مراحل قبلی نیست. اما با وجود این تأخیرها، امید هست که این طرح به کمک سفره‌های خالی بیاید و فشار معیشتی مردم را کم کند. شفافیت و دقت در اجرای این طرح از اتلاف منابع جلوگیری می‌کند تا این طرح به هدف واقعی خودش نزدیک شود؛ یعنی حمایت از کسانی که بیشتر از همه به آن نیاز دارند.

ماجرای هزینه‌های غیرقانونی کدرهگیری

کابوس مستاجران

- کدرهگیری به‌عنوان ابزار قانونی معاملات ملکی، به‌منبع هزینه‌های اضافه برای مستاجران و فرصتی برای سودجویی بنگاه‌ها تبدیل شده است
- ثبت قرارداد با کدرهگیری، شرط دریافت وام ودیعه مسکن است، اما هزینه‌هایش قانونی نیست

حمید بهشتی
هفت صبح

کدرهگیری؛ طلسم شفافیت در بازار مسکن یا بهانه‌ای برای جیب‌بری مضاعف؟ این پرسشی است که هر مستاجر یا خریدار ملک در سال‌های اخیر بارها از خود پرسیده است. کد رهگیری ۱۳ رقمی که قرار بود معاملات ملکی را قانونی و امن کند و دست واسطه‌های سودجو را کوتاه کند، امروز برای بسیاری تبدیل شده به منبع هزینه‌های اضافی و پیچیدگی‌های بی‌دلیل. آنچه در نگاه اول قرار بود نجات‌بخش بازار آشفته مسکن باشد، حالا به چالشی بزرگ برای مستاجران و حتی فروشندگان تبدیل شده است. کدی که باید رایگان باشد و صادر شدنش ساده، امروز به بهانه‌ای برای دریافت هزینه‌های اضافی بدل شده است.

کد رهگیری چیست و چرا اینقدر اهمیت دارد؟ پاسخ ساده است؛ این کد شناسه رسمی قراردادهای ملکی است که از حدود ۱۷ سال پیش برای ثبت قانونی معاملات مسکن در کشور ایجاد شده است. هر قرارداد خرید، فروش، رهن و اجاره‌ای که در سامانه‌های رسمی ثبت شود، یک کد رهگیری دریافت می‌کند. هدف اصلی این کد، جلوگیری از تخلفاتی مثل فروش یک ملک به چند نفر، کلاه‌برداری و جعل اسناد بود. اما شاید مهم‌ترین نکته فعلی، نقش این کد در دریافت وام ودیعه مسکن باشد که این روزها به یکی از پرتقاضاترین تسهیلات تبدیل شده است. اگر قرارداد اجاره شما کد رهگیری نداشته باشد، عملاً شانس گرفتن این وام چند صد میلیونی را از دست داده‌اید.

افزایش سقف وام ودیعه مسکن در تهران تا ۲۷۵ میلیون تومان و در مراکز استان‌ها تا ۲۰۰ میلیون تومان، باعث شده است که دریافت کد رهگیری بیش از پیش اهمیت پیدا کند. بانک‌ها اصرار دارند که کد رهگیری به عنوان پیش‌نیاز دریافت وام ارائه شود تا خیالشان از صحت قراردادها راحت باشد. اما این اصرار در شرایطی است که اجرای این قانون ساده به جایی رسیده که پای هزینه‌های اضافی و فشار مالی روی مستاجران باز شده است.

حق قانونی شما این است که دریافت کد رهگیری رایگان و بخشی از خدمات بنگاه‌های املاک باشد. داوود بیگی‌نژاد، نایب‌رئیس اتحادیه مشاوران املاک، تاکید کرده است که صدور کد رهگیری بخشی از فرایند قرارداد است و نباید بابت آن پول جداگانه‌ای گرفته شود. اما در میدان عمل چه می‌بینیم؟ بسیاری از بنگاه‌ها به بهانه‌های مختلف از جمله هزینه ثبت در سامانه یا خدمات ثبتی، چند میلیون تومان بیشتر از تعرفه قانونی دریافت می‌کنند. رقم‌هایی که گاه حتی دو تا سه برابر حد معمول است. این مبلغ اغلب از جیب مستاجران که قشر ضعیف‌تر جامعه هستند پرداخت می‌شود.

چرا چنین اتفاقی می‌افتد؟ بخشی از مشکل به کم‌اطلاعی مردم بازمی‌گردد؛ بسیاری نمی‌دانند صدور کد رهگیری باید رایگان باشد. بنگاه‌داران هم از این ناآگاهی استفاده می‌کنند و در قراردادها فقط به صورت کلی عبارت «بر اساس تعرفه» را می‌نویسند بدون اینکه رقم دقیق را مشخص کنند. وقتی پای وام ودیعه مسکن در میان است، این مبلغ اضافه به شکلی ناخواسته از جیب مردم خارج می‌شود و بسیاری احساس می‌کنند هیچ راهی برای فرار از این هزینه ندارند.

البته راه فرار وجود دارد. ثبت قراردادهای اجاره و فروش بدون مراجعه به بنگاه‌ها و به صورت مستقیم از طریق سامانه‌های آنلاین مانند سامانه خودنویس یکی از این راه‌هاست. این سامانه‌ها امکان ثبت قراردادهای رسمی را به طرفین معامله می‌دهند و در نهایت کد رهگیری قانونی صادر می‌شود بدون آنکه هزینه‌ای به مشتری تحمیل شود. اما این راه هنوز آنطور که باید شناخته شده نیست و کمتر کسی می‌داند چگونه از آن استفاده کند.

بسیاری از موجران تمایلی به ثبت قرارداد به این شیوه ندارند چون ترجیح می‌دهند قراردادهایشان خارج از دید نهادهای رسمی باقی بماند. ریشه مشکل، عدم تمایل برخی موجران به ثبت قرارداد و دریافت کد رهگیری است. آنها گاهی به دلایل مالی یا مشکلات دیگر، نمی‌خواهند قراردادشان ثبت شود و همین موضوع باعث شده بسیاری از بنگاه‌ها هم در صدور کد رهگیری به صورت شفاف همکاری نکنند یا برای صدور آن از مستاجران یا خریداران مبالغی خارج از عرف درخواست کنند.

در واقع آنچه امروز در بازار مسکن شاهد آن هستیم، تقابل قانون و واقعیت است؛ قانونی که صدور کد رهگیری را الزامی و رایگان اعلام کرده است اما در میدان عمل، نادیده گرفته می‌شود و تبدیل به بهانه‌ای برای درآمدزایی غیرقانونی عده‌ای شده است. این وضعیت به اعتبار نهادهای نظارتی لطمه می‌زند و باعث بی‌اعتمادی مردم به کل فرآیند ثبت معاملات ملکی شده است.

از سوی دیگر، با وجود اینکه سامانه‌های رسمی و قوانین مشخصی وجود دارد، نظارت بر دفاتر املاک و نحوه صدور کد رهگیری چندان قوی نیست و این خلأ باعث شده سودجویان بتوانند راحت‌تر دست به تخلف بزنند. آنچه لازم است، افزایش آگاهی عمومی، تقویت نظارت‌ها و برخورد قاطع با تخلفات است تا بازار مسکن رنگ شفافیت و عدالت به خود ببیند.

اگر مستاجر یا خریدار هستید و قصد ثبت قرارداد دارید، حتماً به این نکته توجه کنید که صدور کد رهگیری باید رایگان باشد. اگر بنگاهی بابت آن مبلغ اضافه طلب کرد، حتما پیگیری کنید یا از ثبت مستقیم قرارداد خود از طریق سامانه‌های آنلاین استفاده کنید.

این انتظار منطقی است که نهادهای نظارتی و اتحادیه مشاوران املاک، قوانین را سخت‌گیرانه‌تر اجرا کنند و شرایطی فراهم شود که کد رهگیری به جای یک ابزار پول‌ساز غیرقانونی برای بنگاه‌ها به هدف اولیه خود یعنی نشان شفافیت و امنیت در بازار پرچالش مسکن ایران بازگردد. روزی که همه معاملات ملکی با این کد ثبت شود و هیچ مستاجری برای دریافت آن مجبور به پرداخت هزینه‌های اضافه و بی‌مورد نباشد، شاید اولین قدم واقعی برای ساماندهی بازار مسکن برداشته شده باشد.

پروانه کسب دیگر سن نمی‌خواهد؟

تصمیم تازه دیوان عدالت اداری، یک تابوشکنی قانونی یا شروع یک چالش جدید؟

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، تبصره‌ای که حداقل سن دریافت پروانه کسب را ۱۸ سال تعیین کرده بود، به دلیل مغایرت با موازین شرعی ابطال کرد. این تصمیم جنجالی پس از اعلام نظر فقهای شورای نگهبان گرفته شد و راه را برای صدور پروانه کسب به افراد زیر ۱۸ سال دارای صلاحیت باز کرد؛ اتفاقی که می‌تواند قواعد بازار کار و کسب‌وکارهای کوچک را تغییر دهد. در تصمیمی که شاید در نگاه اول عجیب به‌نظر برسد اما پایه‌های شرعی و قانونی‌اش محکم است، هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تبصره‌ای از آیین‌نامه صدور پروانه کسب را باطل کرد؛ تبصره‌ای که می‌گفت: «حداقل سن برای دریافت پروانه کسب ۱۸ سال است.»

ماجرا از این قرار است که این تبصره (جزء ۶ بند «الف» ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی) سال ۹۵ با امضای وزیر وقت صنعت، معدن و تجارت به تمام اصناف ابلاغ شد تا خیال همه از بابت ورود زودهنگام نوجوان‌ها به بازار کسب‌وکار راحت باشد. اما حالا، ۸ سال بعد، دیوان عدالت اداری آن را «خلاف شرع» دانسته و از اساس باطل کرده است. شاکی این پرونده هم ماجرای جالبی را رقم زد. او با استناد به سه قاعده فقهی «معروف لاضرر»، «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» و «لا مسامحه فی التحدیدات» اعلام کرده که محدودیت سنی، هم ضرر به افراد می‌زند، هم تسلط انسان بر اموالش را نقض می‌کند و هم تعیین‌گرایی شرعی را زیر سوال می‌برد.

جالب‌تر از همه، ورود شورای نگهبان به این ماجراست. در نامه‌ای رسمی، قائم‌مقام دبیر شورا صراحتاً اعلام کرده: «اطلاق این تبصره نسبت به افرادی که صلاحیت دارند ولی فقط به خاطر سن از گرفتن پروانه محروم می‌شوند، ظلم است و خلاف موازین شرع.» خلاصه این که طبق نظر فقهای شورای نگهبان، نمی‌شود جلوی کسی که «صلاحیت» دارد ولی هنوز به ۱۸ سال نرسیده، سد قانونی گذاشت. حالا سوال اینجاست: چه می‌شود اگر نوجوانی ۱۶ ساله بخواهد مغازه بزند؟ یا در راسته‌های صنفی وارد شود؟ آیا این تصمیم دیوان، راه را برای حضور گسترده نوجوانان در بازار باز می‌کند؟ یا اینکه تشخیص «صلاحیت» هنوز همان قفل کلیدی است که درِ کسب‌وکار را باز یا بسته می‌کند؟

منتقدان می‌گویند این رای دیوان ممکن است مشکلاتی در آینده به‌وجود بیاورد؛ از جمله احتمال سوءاستفاده برخی از نوجوانان یا خانواده‌ها برای دور زدن قوانین کار، یا به خطر افتادن حقوق کودکان. اما طرفداران آن معتقدند این تصمیم گامی است به سمت آزادی بیشتر و احترام به توانمندی افراد، نه سن و سال آنها. در هر صورت، از این به بعد دیگر نمی‌شود به کسی گفت: «برو اول ۱۸ سالت بشود و بعد بیا دنبال پروانه کسب!» حالا کسب‌وکار مغازه داری هم مثل بعضی کارهای دیگر، بیشتر از اینکه سن بخواهد، صلاحیت می‌طلبد.

منتظر واکنش‌ها بمانیم.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره ثبت اسنلاد و املاک حوزه ثبت ملک همدان –ناحیه دو
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابررای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۲۶۰۳۴۰۰۲۲۳۶هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک همدان ناحیه دو تصرفات مالکلانه بلامعارض متقاضی شهین مومنی فرزند ناصر به ش ش ۴۲۹ صادره از ایران نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۳۶,۱۹ متر مربع به پلاک ۷۲ فرعی از ۳۳ اصلی واقع در حومه بخش ۴ واقع در قریه شمس آباد خریداری از مالک رسمی (مع الواسطه) زیاد علی قهرمانی محرز گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز اگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین اگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضاء مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد . م الف : ۶۰۵

تاریخ نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۲/۳۰
تاریخ نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۲/۱۷

علیرضا غلامی – رییس اسناد و املاک

بررسی انتقادی عملکرد سامانه‌های خدمات عمومی دولت در ایران و نقش تجربه کاربری در افزایش اعتماد و رضایت مردم

سامانه‌ها آنلاین‌اند؛ اما مردم در صف انتظار

- مردم برای دریافت خدمات ساده، ساعت‌ها وقت در سامانه‌ها صرف می‌کنند و باز هم نتیجه نمی‌گیرند
- یکپارچگی بین سامانه‌ها هنوز به‌صورت موثر اجرا نشده و مشکلات ساختاری زیادی ایجاد کرده است

مهدی خاکی فیروز
دبیر گروه اقتصاد

تحول دیجیتال در ساختار اداری ایران با مفهومی به نام دولت الکترونیک آغاز شد؛ طرحی که هدف اصلی آن، کاهش مراجعات حضوری، شفاف‌سازی فرایندها و افزایش سرعت و دقت خدمات‌دهی به مردم است. این رویکرد از اوایل دهه ۱۳۸۰ وارد ادبیات سیاست‌گذاری شد و امروز به شکلی فراگیر، در قالب ده‌ها سامانه و پورتال خدماتی، بخش بزرگی از مراجعات اداری شهروندان را پوشش می‌دهد. در شرایطی که شهروندان انتظار دارند همان‌طور که از یک فروشگاه آنلاین یا بانک دیجیتال خدمات می‌گیرند، از نهادهای حکومتی نیز ساده، سریع و بی‌دردسر خدمت دریافت کنند، مسئله کیفیت و تجربه کاربری (User Experience) در این سامانه‌ها اهمیتی دوچندان پیدا کرده است. اما پرسش اینجاست: زیرساخت‌های دولت الکترونیک در ایران اکنون چه وضعی دارند و چگونه باید کیفیت آنها را با شاخص‌های جهانی سنجید؟

بر اساس ارزیابی‌های فنی انجام‌شده، سامانه‌های مختلف خدمات الکترونیکی دولت ایران در شاخص‌های عملکرد، دسترسی‌پذیری و سازگاری با دستگاه‌های مختلف، عملکرد متفاوتی دارند. برخی از سامانه‌ها مانند my.gov.ir و salamat.gov.ir در شاخص‌های دسترسی‌پذیری و سازگاری با دستگاه‌ها عملکرد بهتری داشته‌اند، در حالی که سایر سامانه‌ها نیاز به بهبود در این زمینه‌ها دارند.

برای ارتقاء تجربه کاربری و بهبود عملکرد این سامانه‌ها، پیشنهاد می‌شود تمرکز بیشتری بر بهینه‌سازی سرعت بارگذاری، طراحی واکنش‌گرا و ارتقاء استانداردهای دسترسی‌پذیری صورت گیرد.

ارزیابی فنی سامانه‌های خدمات الکترونیکی دولت ایران

۱ پنجره ملی خدمات دولت هوشمند (my.gov.ir)

امتیاز عملکرد (Performance Score) متوسط (در حدود ۶۰از ۱۰۰)

زمان بارگذاری اولیه (First Contentful Paint - FCP) حدود ۲.۵ ثانیه

زمان بارگذاری بزرگ‌ترین محتوا (Largest Contentful Paint - LCP) حدود ۳.۵ ثانیه

تغییر چیدمان تجمعی (Cumulative Layout Shift - CLS) ۰.۰۵ (مطلوب)

دسترسی‌پذیری (Accessibility) بالا (امتیاز حدود ۹۰ از ۱۰۰)

سازگاری با دستگاه‌های مختلف. طراحی واکنش‌گرا به‌خوبی پیاده‌سازی شده است.

۲ سازمان ثبت احوال کشور (sabteahval.ir)

امتیاز عملکرد: پایین (در حدود ۴۵ از ۱۰۰)
FCP: حدود ۳.۸ ثانیه
LCP: حدود ۵.۲ ثانیه
CLS: ۰.۱۵ (نیاز به بهبود)

دسترسی‌پذیری: متوسط (امتیاز حدود ۷۵از ۱۰۰)

سازگاری با دستگاه‌های مختلف: در برخی دستگاه‌ها، به‌ویژه موبایل، مشکلاتی در نمایش صحیح محتوا مشاهده می‌شود. (jtt.ir)

۳ سازمان امور مالیاتی کشور (intamedia.ir)

امتیاز عملکرد: متوسط (در حدود ۵۵از ۱۰۰)
FCP: حدود ۳.۰ ثانیه
LCP: حدود ۴.۵ ثانیه
CLS: ۰.۱۰ (مرزی)

دسترسی‌پذیری: متوسط (امتیاز حدود ۸۰از ۱۰۰)

سازگاری با دستگاه‌های مختلف: طراحی واکنش‌گرا به‌طور نسبی پیاده‌سازی شده است. (triboon.net, jtt.ir)

۴ سامانه جامع تجارت ایران (ntsw.ir)

امتیاز عملکرد: پایین (در حدود ۴۰ از ۱۰۰)
FCP: حدود ۴.۵ ثانیه
LCP: حدود ۶.۰ ثانیه
CLS: ۰.۲۰ (نیاز به بهبود)

دسترسی‌پذیری: پایین (امتیاز حدود ۶۵از ۱۰۰)

سازگاری با دستگاه‌های مختلف: در برخی دستگاه‌ها، مشکلاتی در نمایش صحیح محتوا مشاهده می‌شود. (jtt.ir)

۵ سامانه سجام (sejam.ir)

امتیاز عملکرد: متوسط (در حدود ۵۰از ۱۰۰)
FCP: حدود ۳.۵ ثانیه
LCP: حدود ۵.۰ ثانیه
CLS: ۰.۱۲ (نیاز به بهبود)

دسترسی‌پذیری: متوسط (امتیاز حدود ۷۵از ۱۰۰)

سازگاری با دستگاه‌های مختلف: طراحی واکنش‌گرا به‌طور نسبی پیاده‌سازی شده است.

۶ سامانه عدل ایران (adliran.ir)

امتیاز عملکرد: پایین (در حدود ۴۵ از ۱۰۰)
FCP: حدود ۴.۰ ثانیه
LCP: حدود ۵.۵ ثانیه
CLS: ۰.۱۸ (نیاز به بهبود)

دسترسی‌پذیری: متوسط (امتیاز حدود ۷۰از ۱۰۰)

سازگاری با دستگاه‌های مختلف: در برخی دستگاه‌ها، مشکلاتی در نمایش صحیح محتوا مشاهده می‌شود. (jtt.ir)

۷ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور (ssaa.ir)

امتیاز عملکرد: پایین (در حدود ۴۰ از ۱۰۰)
FCP: حدود ۴.۸ ثانیه
LCP: حدود ۶.۲ ثانیه
CLS: ۰.۲۲ (نیاز به بهبود)

دسترسی‌پذیری: پایین (امتیاز حدود ۶۵از ۱۰۰)

سازگاری با دستگاه‌های مختلف: در برخی دستگاه‌ها، مشکلاتی در نمایش صحیح محتوا مشاهده می‌شود.

۸ سامانه سلامت وزارت بهداشت (salamat.gov.ir)

امتیاز عملکرد: متوسط (در حدود ۵۵از ۱۰۰)
FCP: حدود ۳.۲ ثانیه
LCP: حدود ۴.۸ ثانیه
CLS: ۰.۱۰ (مرزی)

دسترسی‌پذیری: بالا (امتیاز حدود ۸۵از ۱۰۰)

سازگاری با دستگاه‌های مختلف: طراحی واکنش‌گرا به‌خوبی پیاده‌سازی شده است.

جزیره‌های دور از هم

کیفیت اتصال و یکپارچگی سامانه‌های دولتی در ایران یکی از نقاط ضعف مهم است که باعث ایجاد مشکلات جدی در ارائه خدمات می‌شود. به‌عنوان مثال، سامانه ثبت اسناد و سازمان امور مالیاتی در اغلب استان‌ها، به‌صورت مستقیم به هم متصل نیستند و اطلاعات مرتبط باید به شکل دستی توسط دفاتر اسناد ثبت شود که این روند زمان‌بر و پرخطا است و بار اضافی زیادی بر دوش شهروندان و کارکنان ادارات می‌گذارد. همچنین، سامانه امور مالیاتی از مردم می‌خواهد اطلاعات متعددی را جداگانه بارگذاری کنند که اگر این اطلاعات به‌صورت خودکار و سیستماتیک بین سامانه‌ها رد و بدل شود، سرعت و دقت خدمات به‌شدت افزایش خواهد یافت. علاوه بر این، اغلب شهرداری‌ها نیز برای هر نوع درخواست یا پیگیری، شهروندان را ناچار به مراجعه حضوری و رفت و آمد مکرر به ساختمان‌های مختلف می‌کنند، که کاملاً مغایر با اهداف دولت الکترونیک برای کاهش مراجعات حضوری و ساده‌سازی فرایندها است. این ضعف‌ها نشان‌دهنده ضرورت توسعه زیرساخت‌های فناوری و بهبود ارتباطات بین سامانه‌ها برای خلق تجربه کاربری روان و موثر است.

معیارهای جهانی برای ارزیابی تجربه کاربری

شاخص	تعریف
سهولت استفاده (Usability)	آیا کاربران بدون آموزش قبلی، به راحتی خدمت مورد نظر را پیدا و دریافت می‌کنند؟
سرعت بارگذاری (Page Load Speed)	مدت‌زمانی که سایت یا خدمت دیجیتال برای کاربر به‌طور کامل در دسترس می‌شود
دسترسی‌پذیری (Accessibility)	توانایی استفاده از سامانه برای همه اقشار، از جمله افراد دارای معلولیت یا سالمندان
سازگاری با دستگاه‌های مختلف (Responsiveness)	نمایش صحیح و عملکرد روان سایت در موبایل، تبلت، یا رایانه رومیزی
امنیت اطلاعات (Data Security)	سطح اعتماد کاربر به حفظ حریم خصوصی، رمزگذاری اطلاعات و احراز هویت ایمن
وضوح فرآیند (Process Transparency)	مشخص بودن مراحل، زمان‌بندی‌ها و پیام‌های راهنما برای کاربر در طول دریافت خدمت
پشتیبانی و پاسخگویی (Support)	دسترسی به پاسخ سریع، پشتیبانی آنلاین، یا پیگیری مشکلات کاربران
رضایت کاربر (Customer Satisfaction / CSAT)	سنجش مستقیم میزان رضایت کاربران از طریق نظرسنجی، امتیازدهی یا بازخوردها

در جهان، سازمان‌ها و دولت‌ها برای سنجش کیفیت پلتفرم‌های دیجیتال خدمات عمومی از یک چارچوب مشخص بهره می‌برند.

روش تحقیق

از ابزارهای فنی مثل Lighthouse، GTmetrix استفاده شده ولی برای دقت بیشتر، تجربه‌های انسانی نیز به آن تلفیق شده است. زیرا احساس کاربر از پیچیدگی، خستگی یا سردرگمی، در این ابزارهای فنی بازتاب نمی‌یابند. این تلفیق، همان چیزی است که تصویر کامل و واقع‌گرایانه‌ای از عملکرد واقعی سامانه برای کاربر نهایی به ما می‌دهد.

اسلحه‌خانه‌ای به وسعت ناتو

ناتو با تصویب بزرگ‌ترین برنامه تسلیحاتی خود از زمان جنگ سرد، خواستار اختصاص ۵ درصد تولید ناخالص داخلی اعضا به امور دفاعی شد

پیمان دفاعی آتلانتیک شمالی یا همان ناتو، در واکنش به تهدیدات فزاینده روسیه و کاهش تعهدات امنیتی آمریکا، گام‌هایی بی‌سابقه برای بازسازی و تقویت توان بازدارندگی خود برداشته است. به گزارش دویچه‌وله، روز پنجشنبه، وزرای دفاع ۳۲ کشور عضو ناتو در بروکسل، تصویب برنامه‌ای تسلیحاتی را در دستور کار قرار دادند که از نظر وسعت و بلندپروازی، بزرگ‌ترین طرح نظامی این پیمان از زمان جنگ سرد تاکنون به‌شمار می‌رود. تمرکز اصلی این بسته بر افزایش ظرفیت سامانه‌های موشکی دوربرد، پدافند هوایی و گسترش نیروهای زمینی متحرک است؛ مجموعه‌ای که قرار است قابلیت واکنش سریع به تهدیدات روسیه را تضمین کند. مارک روته، دبیرکل تازه‌نفس ناتو، این برنامه را «تاریخی» خوانده و گفته است اعضا به‌زودی برای تخصیص بودجه‌ای تا سقف ۵ درصد تولید ناخالص داخلی آماده خواهند شد؛ هدفی که با فشار مستقیم دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، بر میز مذاکره آمده است.

از ۲ تا ۵ درصد؛ فشار ترامپ، ابهام اروپا

از زمان آغاز تهاجم نظامی روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، اعضای ناتو متعهد شده بودند دست‌کم ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف امور دفاعی کنند. این عدد امروز در حال جهش به ۵ درصد است: ۳.۵ درصد بودجه مستقیم نظامی و ۱.۵ درصد هزینه‌های غیرمستقیم دفاعی نظیر زیرساخت‌های لجستیکی. در حال حاضر، تنها ۲۲ کشور از ۳۲ عضو ناتو به آستانه ۲ درصد رسیده‌اند و افزایش ناگهانی سقف بودجه، با مخالفت برخی دولت‌ها و انتقادهای شدید اپوزیسیون‌ها در اروپا مواجه شده است.

ترامپ، تهدیدگر یا ناجی؟

دونالد ترامپ که خود را ناجی ناتو می‌داند، در نشست اخیر وزرای دفاع بار دیگر هشدار داد که اگر اروپا هزینه نکند، آمریکا نیز ممکن است تعهدات دفاعی‌اش را کاهش دهد. او در گذشته گفته بود اگر کشوری سهمش را نپردازد، ممکن است به روسیه اجازه دهد «هر غلطی دلش می‌خواهد» بکند. این سخنان، گرچه برای برخی در اروپا نگران‌کننده و خطرناک است اما به نظر می‌رسد نفوذ او در حال گسترش است؛ به‌ویژه با توجه به اینکه آمریکا همچنان بزرگ‌ترین تأمین‌کننده بودجه ناتوست، هرچند سهمش از تولید ناخالص داخلی در زمینه نظامی از ۳.۶۸ درصد در ۲۰۱۴ به ۳.۱۹ درصد در ۲۰۲۴ کاهش یافته است. وزیر دفاع ایالات متحده، پیت هگست، اعلام کرده که آمریکا ممکن است چیدمان نیروهای خود در اروپا را مورد بازبینی قرار دهد؛ مسئله‌ای که نگرانی‌ها در بروکسل را دوچندان کرده، به‌ویژه اگر قرار باشد از شمار ۸۴ هزار نیروی مستقر آمریکایی در اروپا کاسته شود. به گفته او، «آمریکا نمی‌تواند همه جا باشد» و این تصمیمات باید «در هماهنگی با متحدان» گرفته شود.

قلمروهای نو، مأموریت‌های نو

برنامه تازه ناتو نه فقط شامل بودجه و سرباز، بلکه شامل اهداف خرید تسلیحات و تجهیزات پیشرفته هم هست. طبق طرح تازه که محرمانه طبقه‌بندی شده، ناتو می‌خواهد تا تابستان آینده ظرفیت آماده‌باش ۳۰۰ هزار سرباز برای اعزام به شرق اروپا ظرف ۳۰ روز را فراهم کند؛ هدفی بلندپروازانه که به‌نظر کارشناسان با امکانات حاضر، دست‌نیافتنی است. تأمین انبارهای تسلیحاتی، خرید موشک‌های دوربرد، سامانه‌های پدافندی، پهپادها، هواپیماهای سوخت‌رسان و ناوگان حمل‌ونقل سنگین نیز بخشی از این اهداف است. همه این برنامه‌ها بر پایه نقشه‌ای است که ناتو در سال ۲۰۲۳، در پی تحولات جنگ اوکراین، به عنوان «بزرگ‌ترین بازنگری راهبردی پس از جنگ سرد» تصویب کرده بود.

ناتوی تازه، گرچه مسلح‌تر و آماده‌تر از همیشه به‌نظر می‌رسد اما بر دوش اقتصادهایی سنگینی می‌کند که خود درگیر تورم، رکود و نارضایتی اجتماعی‌اند. فشار برای افزایش بودجه‌های نظامی، آن هم در ابعادی بی‌سابقه از زمان جنگ سرد، شکاف‌های عمیق‌تری میان اولویت‌های داخلی و الزامات امنیتی ایجاد کرده است. از سوی دیگر، اگرچه دولت آمریکا با لحن قاطع‌تری خواستار ایفای نقش بیشتر از سوی هم‌پیمانان اروپایی‌ست اما تردیدها درباره میزان تعهد واقعی واشینگتن به دفاع جمعی رو به افزایش است.

ینگه دنیا

فروپاشی یک اتحاد بزرگ

جدال ایلان ماسک و دونالد ترامپ، در یک روز ۱۵۲ میلیارد دلار از ارزش تسلا را دود کرد

رامتین لطیفی
دبیر سرویس بین الملل

رابطه ایلان ماسک و دونالد ترامپ که روزگاری با شب‌نشینی‌های پرطمطراق کاخ سفید و حمایت‌های انتخاباتی گرم شده بود، اکنون به یکی از جنجالی‌ترین نزاع‌های سیاسی-اقتصادی آمریکا تبدیل شده است. این درگیری که ریشه در اختلافات سیاستی، منافع تجاری و خودبینی‌های شخصی دارد، نه‌تنها بازارهای مالی را متلاطم کرده، بلکه آینده حزب جمهوری‌خواه، برنامه‌های فضایی و حتی اعتماد عمومی را به مخاطره انداخته است.

حمایت انتخاباتی تا نفوذ در دولت

در سال ۲۰۲۴، ایلان ماسک، ثروتمندترین مرد جهان و مالک تسلا، اسپیس‌ایکس و شبکه اجتماعی ایکس، با حمایت مالی هنگفت و تبلیغ در پلتفرم ایکس، به یکی از ستون‌های پیروزی انتخاباتی دونالد ترامپ تبدیل شد. او حتی ادعا کرد که بدون حمایت او، دموکرات‌ها کنترل کنگره و سنا را به دست می‌گرفتند. پس از پیروزی، ماسک به‌عنوان رئیس «وزارت بهره‌وری دولت» (DOGE) منصوب شد، نقشی که به او نفوذ بی‌سابقه‌ای در سیاست‌های فدرال داد. این رابطه به حدی نزدیک و عمیق شد که ماسک در فوریه ۲۰۲۵ در ایکس نوشت: «من، دونالد ترامپ را به اندازه‌ای که یک مرد می‌تواند مرد دیگری را دوست داشته باشد، دوست دارم.» اما این دوستی شکننده بود. هر دو، با شخصیت‌هایی جاه‌طلب و تمایل به کنترل، زمینه‌ساز تنش‌های بعدی شدند. به گفته منابع نزدیک به کاخ سفید، ترامپ از نفوذ فزاینده و رفتار خودسرانه ماسک احساس خطر می‌کرد. نقل‌قولی از ترامپ که ماسک را به «فکر کردن به جای رئیس‌جمهور» متهم کرد، نشان‌دهنده نارضایتی او بود.

نقطه عطف: جرقه اختلافات

جرقه اصلی این درگیری در مارس ۲۰۲۵ زده شد، زمانی که فاش شد ماسک بدون هماهنگی با کاخ سفید، جلسات محرمانه‌ای درباره برنامه‌های پنتاگون برای درگیری احتمالی با چین برگزار کرده است. این اقدام، با توجه به منافع عظیم تسلا در بازار چین، به‌عنوان تعارض منافع آشکار تلقی شد. اما اختلافات زمانی علنی شد که ماسک، پس از استعفای ناگهانی از داج در می ۲۰۲۵، به لایحه بودجه پیشنهادی ترامپ، معروف به «لایحه بزرگ و زیبا»، حمله کرد. این لایحه که شامل تمدید معافیت‌های مالیاتی برای ثروتمندان، کاهش بیمه درمانی برای ۱۰ میلیون نفر، حذف مشوق‌های انرژی پاک و افزایش بودجه نظامی و مرزی بود، به گفته تحلیلگران می‌توانست ۲.۴ تریلیون دلار به کسری بودجه آمریکا در ۱۰ سال آینده اضافه کند. ماسک در ایکس نوشت: «این لایحه عظیم، ظالمانه و پر از هزینه‌های کنگره، یک عمل شنیع و نفرت‌انگیز است. شرم بر کسانی که به آن رأی دادند.» او حتی تهدید کرد که در انتخابات آینده از رقبای سیاستمدارانی که به این لایحه رأی دهند، حمایت مالی خواهد کرد.

تشدید درگیری

ترامپ در پاسخ، ماسک را «دیوانه» خواند و مدعی شد که او را اخراج کرده و تهدید کرد که قراردادهای دولتی با شرکت‌های ماسک، از جمله تسلا و اسپیس‌ایکس را لغو خواهد کرد. او در پلتفرم تروث سوشال نوشت: «ساده‌ترین راه برای صرفه‌جویی میلیاردها دلار، فسخ یارانه‌ها و قراردادهای دولتی ایلان است.» این تهدید به سقوط ۱۴ درصدی سهام تسلا در یک روز منجر شد که ۱۵۲ میلیارد دلار از ارزش بازار این شرکت را نابود کرد. ماسک نیز بیکار ننشست. او ادعاهای ترامپ را «دروغ آشکار» خواند و اتهامات سنگینی مطرح کرد، از جمله اینکه نام ترامپ در اسناد مهر و موم شده جفری اپستین، سرمایه‌دار بدنام که به قاچاق جنسی و تجاوز به کودکان زیر سن قانونی متهم شده بود، وجود دارد. این ادعا، بدون ارائه مدرک، جنجال بزرگی به پا کرد. اسناد منتشر شده نشان می‌دهند که ترامپ و اپستین در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در رویدادهای اجتماعی دیده شده‌اند و ترامپ بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷ دست‌کم هفت بار با هواپیمای خصوصی اپستین سفر کرده بود. ماسک در ایکس نوشت: «نام دونالد ترامپ در اسناد اپستین است. این دلیل واقعی عدم انتشار آن‌هاست.» ترامپ این اتهام را به طور مستقیم پاسخ نداد اما ماسک را به خاطر مخالفت با حذف یارانه ۷۵۰۰ دلاری خودروهای برقی که برای تسلا حیاتی بود، مورد تمسخر قرار داد. او حتی به کبودی چشم ماسک در کاخ سفید که به گمانه‌زنی درباره تشدید اعتیاد او منجر شد، اشاره کرد و گفت: «گفتم آرایشت کنیم اما او نپذیرفت!»

پیامدها: از بازار تا سیاست

سقوط سهام تسلا نشان‌دهنده نگرانی سرمایه‌گذاران از آینده این شرکت است. تسلا که با کاهش تقاضای خودروهای برقی و آسیب به برند ناشی از جنجال‌های ماسک دست‌وپنجه نرم می‌کرد، اکنون با خطر از دست دادن قراردادهای دولتی روبه‌روست. اسپیس‌ایکس نیز، با قراردادهای میلیارد دلاری با ناسا، در معرض تهدید مشابهی قرار دارد.

ارزش اسپیس‌ایکس در ماه‌های اخیر به ۳۵۰ میلیارد دلار رسیده بود، اما تهدیدات ترامپ می‌تواند این دستاوردها را به خطر بیندازد. توقف احتمالی فضاپیمای دراگون می‌تواند خلأ بزرگی در برنامه‌های فضایی آمریکا ایجاد کند، به‌ویژه در حالی که پروژه استارشپ هنوز عملیاتی نشده است. همچنین، این درگیری «شکافی عظیم در ائتلاف ماگا» ایجاد کرده است. ماسک با نظرسنجی در ایکس درباره تأسیس یک حزب سیاسی جدید که بیش از ۸۰ درصد از ۲۰۲ هزار رأی‌دهنده به آن پاسخ مثبت دادند، نشان داد که می‌تواند تعادل قدرت در انتخابات آینده را تغییر دهد. تهدید او به حمایت مالی از رقبای جمهوری‌خواهان حامی لایحه نیز زنگ خطری برای حزب است. استیو بنن، استراتژیست محافظه‌کار، پیشنهاد اخراج ماسک به آفریقای جنوبی را مطرح کرد. اروپایی‌ها، ماسک بگرام به کشور خود دعوت کردند. دموکرات‌ها نیز خواستار انتشار کامل اسناد اپستین شدند تا اتهامات ترامپ بررسی شود.

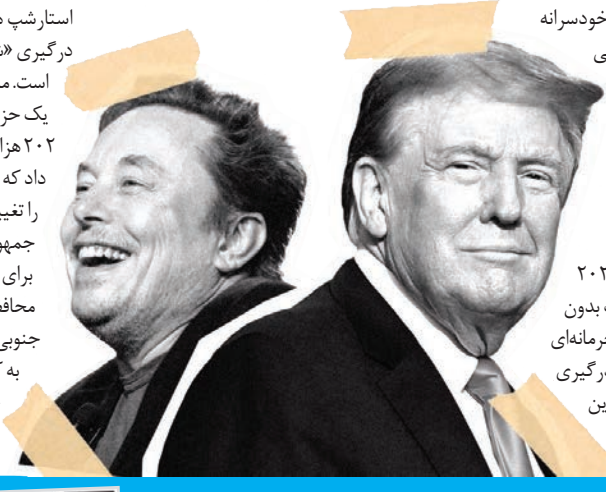

کیوسک

فایننشال تایمز در تیتر اصلی خود نوشت که دونالد ترامپ و شی جین‌پینگ، لفاظی را کنار گذاشته و برای دور جدیدی از گفت‌وگوهای تجاری به توافق رسیده‌اند.

نیویورک پست، تیتر و عکس اصلی خود را به اختلاف و جدایی دونالد ترامپ و ایلان ماسک اختصاص داد و آن را جدایی از یک رابطه عاشقانه خواند.

چهره روز

بیل گیتس، غول دنیای فناوری، با یک تصمیم بزرگ خبرساز شد. او اعلام کرد که بخش اعظم ثروت هنگفت خود، رقمی معادل ۲۰۰ میلیارد دلار از دارایی بنیاد خیریه‌اش در دو دهه آینده برای تحول آفریقا هزینه خواهد شد. گیتس در اتیوپی، با شور و اشتیاق از رهبران آفریقایی خواست تا با تمرکز بر سلامت و آموزش، آینده‌ای درخشان برای قاره‌شان بسازند. او که قصد دارد تا سال ۲۰۴۵ بنیادش را تعطیل کند، روی مراقبت‌های بهداشتی، تغذیه مادران و کودکان و مبارزه با بیماری‌هایی مثل مالاریا و ایدز سرمایه‌گذاری می‌کند. گیتس از اتیوپی، نیجریه و رواندا به‌عنوان ستاره‌ها و پیشگامان پیشرفت در قاره سیاه نام برد و ابراز امیدواری کرد که دیگر کشورها نیز به این مدار بپیوندند. اما در حالی که کاهش کمک‌های آمریکا نگرانی‌هایی درباره سلامت کودکان به وجود آورده، برخی منتقدان معتقدند این خیریه بر خلاف ادعاهای نیکوکارانه‌اش، ممکن است نفوذ اقتصادی و سیاسی گیتس در آفریقا را گسترش دهد و او را به بازیگر اصلی آینده این قاره بدل کند.

عکس روز

نامی که از دل دریا برخاست

در میان قحطی و ویرانی، یک کشتی بین‌المللی به نام مادلین که نام نخستین زن ماهیگیر غزه است، به‌سوی این بندر محصور رهسپار شده

در دل موج‌های بلند مدیترانه، یک کشتی به سوی غزه در حرکت است؛ با مأموریتی بشردوستانه و نامی که روی بدنه‌اش نوشته شده: «مادلین» نامی آشنا برای ساحل‌نشینان این سرزمین و حالا نشانه‌ای از مقاومت و همبستگی جهانی با مردم تحت محاصره غزه اما کمتر کسی از چهره‌ای که این کشتی به یاد او نام‌گذاری شده خبر دارد: مادلین کولاب، نخستین و تنها زن ماهیگیر غزه. سه سال پیش، الجزیره برای نخستین بار با مادلین کولاب، زن ۳۰ساله اهل شهر غزه، دیدار کرد. او آن زمان دو فرزند داشت و در انتظار تولد سومی بود. مادلین هر روز با قایق پدرش و تا جایی که قایق‌های توپ‌دار اسرائیل اجازه می‌دادند، به دریا می‌زد و در تور پربرکت خود، ماهی‌هایی را به ساحل می‌آورد تا در کنار تامین مایحتاج مردم، نانی هم برای خانواده‌اش فراهم کند. اما در مهر ۱۴۰۲ و با آغاز حمله اسرائیل، زندگی این زن و خانواده‌اش نیز دگرگون شد. به گزارش الجزیره، پدرش در بمبارانی هوایی کشته شد و او در حالی که ۹ ماهه باردار بود، همراه خانواده از خانه گریخت؛ از غزه تا خان‌یونس، سپس رفح، دیرالبلح و در نهایت اردوگاه النصیرات. سرانجام، در ژانویه، با اجازه ارتش اسرائیل، به بقایای خانه‌شان در شهر غزه بازگشتند. مادلین که حالا مادر چهار فرزند است، از شنیدن اینکه یک کشتی بشردوستانه به نام او در حال حرکت به سوی غزه است، بسیار متأثر شده. او می‌گوید «اندکی احساس غرور داشتم. این بالاترین شکل انسان‌دوستی است، وقتی کسی خانه و زندگی‌اش را رها می‌کند تا در کنار غزه بایستد.» کشتی «مادلین» حامل گروهی از فعالان بین‌المللی است که از جمله‌شان می‌توان به گرتا تونبرگ، فعال محیط‌زیست سوئدی و ریما حسن، نماینده پارلمان اروپا از فرانسه، اشاره کرد. همسر مادلین، خضر بکر، با نشان دادن عکسی از این کشتی در تلفن همراهش، از روزهایی می‌گوید که این زن از ۱۵سالگی با پدرش به دل دریا می‌رفت، ماهی صید می‌کرد و غذاهای دریایی مشهوری می‌پخت که مشتریان بسیاری در صف خریدشان بودند. اما حالا نه از قایق خبری هست، نه از تور ماهیگیری. جنگ همه‌چیز را نابود کرده؛ انبار ابزار ماهیگیری و قایق‌ها به تلی از خاک بدل شده‌اند. مادلین می‌گوید: «ما همه‌چیز را از دست دادیم، ثمره یک عمر تلاش را. این فقط از دست دادن درآمد نیست؛ انگار هویت‌مان را از دست دادیم. دریا خانه من بود.» او از روزهایی می‌گوید که هفته‌ای ۱۰ بار ماهی می‌خوردند، اما اکنون در میانه قحطی، همان ماهی‌ها به رؤیا بدل شده‌اند. «اگر هم پیدا شود، گران‌تر از توان ماست. آن چند ماهیگیری هم که باقی مانده‌اند، جان‌شان را کف دست گرفته‌اند تا چند تکه ماهی صید کنند.»

پس از بمباران خانه، اولین آوارگی خانواده، کوچ به خان‌یونس بود، جایی که مادلین بدون هیچ‌گونه امکانات پزشکی و دارویی، فرزندش را به دنیا آورد. بلافاصله پس از زایمان، بیمارستان را ترک کرد چون تختی برای او نبود. با نوزاد تازه متولد شده‌اش به پناهگاهی بازگشت که حتی پتویی برای خواب نداشتند. «روی زمین خوابیدم. با نوزادم در آغوش. این خستگی فقط جسمی نبود، روحم له شده بود.» او حالا به زندگی در شرایطی رسیده که حتی شیرخشک و پوشک هم پیدا نمی‌شود. جنگ، برداشت او از «سختی» را به‌کلی تغییر داده. «در گذشته فکر می‌کردم زندگی‌مان سخت است اما حالا دیگر کلمه‌ای به نام «سخت» معنا ندارد و رنگ باخته. آنچه دیده‌ایم، تحقیر و گرسنگی و وحشت، فراتر از تصور است.» با وجود همه این رنج‌ها، مادلین از ارتباطش با دوستان و فعالان همبستگی بین‌المللی می‌گوید؛ کسانی که طی سال‌ها با او آشنا شدند و از زبانش واقعیت غزه را شنیدند. آنها نه‌فقط دلگرمی عاطفی، بلکه کمک‌های مالی اندکی نیز فرستاده‌اند تا او بداند که غزه فراموش نشده است.

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل

تلوزن

غوغای تام کروز با چتر نجات مشتعل

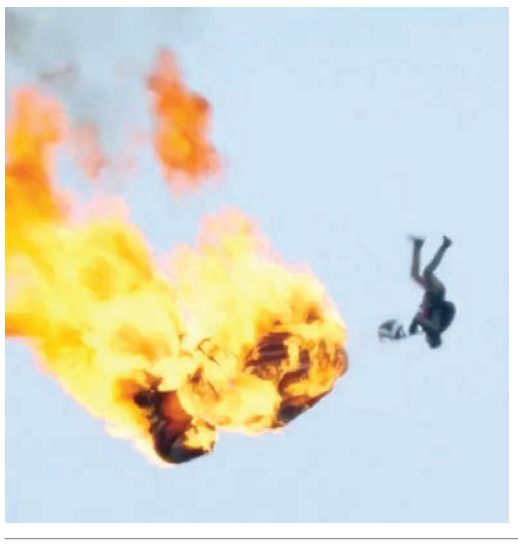

تام کروز، ستاره ۶۱ ساله هالیوود، باز هم همه را شوکه کرد. این بار در جریان فیلمبرداری «مأموریت غیرممکن ۸: حسابرسی نهایی»، با انجام ۱۶ پرش خطرناک با چتر نجات مشتعل، رکورد گینس را از آن خود کرد. کروز که به انجام بدلکاری‌های نفس‌گیر بدون بدلکار معروف است، این‌بار هم جانش را کف دستش گذاشت تا صحنه‌ای فراموش‌نشدنی برای طرفداران خلق کند. استودیو پارامونت ویدیویی از این سکانس هیجان‌انگیز را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده، ویدیوی که به سرعت در شبکه‌های اجتماعی جنجالی و پربیننده شده است. کروز قبل از یکی از پرش‌ها با خنده به تیمش گفت: «اگه چتر تو هوا بپیچه، منم می‌پیچم و می‌سوزم! باید تیز باشم و توی ۱۰ ثانیه شعله‌ور کنترل کنم. خطر؟ نه بابا، ما فقط هوشمندانه عمل می‌کنیم!» این روحیه ماجراجویانه کروز نه‌تنها منجر به رکوردشکنی شد، بلکه بار دیگر ثابت کرد چرا او یکی از بزرگ‌ترین ستاره‌های اکشن دنیاست. در «مأموریت غیرممکن ۸»، ایتان هانت و تیم وفادارش، از جمله شی ویگام، هیلی آتول، ونسا کربی و وینگ ریمز، برای جلوگیری از یک فاجعه جهانی به ماجراجویی‌های پرهیجان خود ادامه می‌دهند. این‌بار با حضور ستارگان جدید مثل نیک آفرمن و هانا وادینگهام، فیلم پر از چهره‌های آشنا و تازه است. با مدت زمان ۲ ساعت و ۴۹ دقیقه، این فیلم طولانی‌ترین قسمت این مجموعه ۲۹ ساله است و با بودجه سرسام‌آور ۴۰۰ میلیون دلاری ساخته شده. فروش جهانی فیلم تا حالا به ۳۶۰ میلیون دلار رسیده و افتتاحیه ۲۰۰ میلیونی‌اش رکوردی جدید برای این فرانچایز ثبت کرده است.

تحلیل چالش‌ها، ظرفیت‌ها و آینده سینمای تجربی در ایران و نقش آن در نجات سینمای بدنه و فیلم کوتاه

راه نجات سینمای بدنه در دستان سینمای تجربی است

- مکری: صنعت اکران ایران به دنبال سلیقه اکثریت جامعه و هنر عامه‌پسندتر است
- فهیمی: سینمای اکسپریمنتال پیشنهادات خلاقانه برای سینمای بدنه و مستند دارد
- مرادی: فیلم‌های تجربه‌ای شخصی، نماینده سینمای تجربی نمی‌شوند
- پورمحمدی: سینمای تجربی در دنیا تعریف مشخصی دارد در ایران ناقص ترجمه و اجرا شده

سمیه خاتونی
هفت صبح

سینمای تجربی یا اکسپریمنتال، حوزه‌ای است که همواره برای اهالی سینما و مخاطبان یک چالش جدی به شمار می‌رود. در جشنواره‌های معتبر مانند سینمای جوان، بخش‌های اختصاصی برای فیلم‌های تجربی وجود دارد که فرصت مناسبی برای نمایش این نوع آثار است. با این حال، هنوز تعریف و درک دقیقی از این نوع سینما در ایران شکل نگرفته است.

در شرایطی که سینمای تجربی می‌تواند به عنوان جریان مکمل و پیشنهادی تازه در سینمای ایران مطرح شود، عدم تعریف درست از این سینما، امکان استفاده از ظرفیت‌های آن را به محاق برده است. تعریفی که از معنای تحت‌اللفظی واژه «Experimental Cinema» آغاز شد تا تعریف این نوع سینما ادامه پیدا کرد. بسیاری از فیلمسازان در ایران هنوز سینمای تجربی را معادل تجربه سینمایی می‌دانند، تعریفی که از مفهوم و کارکرد این گونه سینمایی بسیار دور و کج افتاده است. برای بررسی سینمایی که هنوز در ایران به درستی تعریف نشده و نیازمند بازنگری در نگرش فیلمسازان و مخاطبان است، به گفت‌وگو با چهار نفر نشستیم. نخستین نفر شهرام مکری است، کسی که در تعریف این سینما و بازنمایی آن به صورت دقیق در سینمایش الگوی مناسبی است. با او و دیگران از چالش‌ها و فرصت‌های سینمای تجربی صحبت کردیم. از سینمایی که چون در ایران هنوز به درستی تعریف نشده، قابلیت استفاده از پتانسیل‌اش وجود ندارد. درحالی که همه کسانی که در این پرونده حضور داشتند این سینما را عنصر مهم و کلیدی‌ای برای سینمای بدنه می‌شناسند. سینمای تجربی که نیازمند بازنگری در نگرش فیلمسازان و مخاطبان برای درک و پذیرش است. در این گفت‌وگوها، به ویژگی‌های کلیدی سینمای تجربی از جمله حذف روایت خطی، آزادی فرم و ساختار، اهمیت تجربه مخاطب و چالش‌های مواجهه با زمان و مکان پرداخته شد و نقش این سینما در تحول فیلم کوتاه و سینمای بدنه ایران تحلیل گردید.

شهرام مکری: وابستگی مخاطب ایرانی با هنر یک وابستگی رشد نیافته است

جریان‌سازی در سینما نتیجه آزمون و خطای سینمای تجربی است

سینمای تجربه‌گرا می‌خواهد از فیلم استفاده جدیدی داشته باشد، تکنیک‌هایی که تا به حال انجام نشده

محمدرضا مرادی: سینمای تجربی، به دور از روایت کلاسیک دریچه‌ای تازه به سینما باز می‌کند

سینمای تجربی؛ زمین بازی تجربه‌های شخصی نیست

یک «تجربه شخصی» کافی نیست، باید دریچه‌ای نو به فرم و محتوای سینما باز کند

» آیا سینمای ایران توانسته به ذات و مفهوم واقعی سینمای تجربی دست یابد؟

واقعیت این است که بسیاری از آثاری که در این زمینه ساخته می‌شوند بیشتر به‌عنوان تجربه‌هایی پراکنده و گاه آشفته شناخته می‌شوند تا نمونه‌های واقعی سینمای تجربی. در تعریف دقیق‌تر، سینمای تجربی، فرم و ساختاری ...

فیلمسازان ما به اشتباه فکر کنند که صرفا انجام دادن یک «تجربه شخصی» کافی است. فیلم‌هایی که با تصور و براساس تجربه‌های شخصی ساخته می‌شوند، نمی‌توانند نماینده سینمای تجربی که برگرفته از تجربه جمعی و همگانی است، باشند. فیلمسازان تصور می‌کنند هر فیلمی که برای خودشان تجربه جدیدی باشد، سینمای تجربی ...

و فرهنگی مناسبی به دیدن این آثار بپردازند تا بتوانند پیچیدگی‌ها و زیبایی‌های این فرم هنری را درک کنند. چرا که سینمای تجربی بدون مخاطب زنده نمی‌ماند. در پایان، باید توجه داشت که جشنواره‌ها برای جذب مخاطب گسترده‌تر ناگزیر به افزایش تعداد آثار نمایش داده شده هستند، اما این نباید به کاهش کیفیت یا ورود آثار ...

... ویدیو آرت که در آن هیچ داستان مشخصی وجود ندارد، بلکه تمرکز بر فرم و احساسات است.

» از منظر آسیب شناسانه، چه عواملی سبب شده سینمای تجربی در ایران ناکام بماند؟

مشکل اصلی در سینمای تجربی ایران این است که ...

... سینمای تجربی را ترویج دهد.

» توصیه‌تان چیست؟

برای پیشرفت این شاخه از سینما در ایران لازم است که ابتدا تعریفی روشن، علمی و بومی از سینمای تجربی شکل بگیرد. همچنین مخاطبان نیز باید با سواد بصری ...

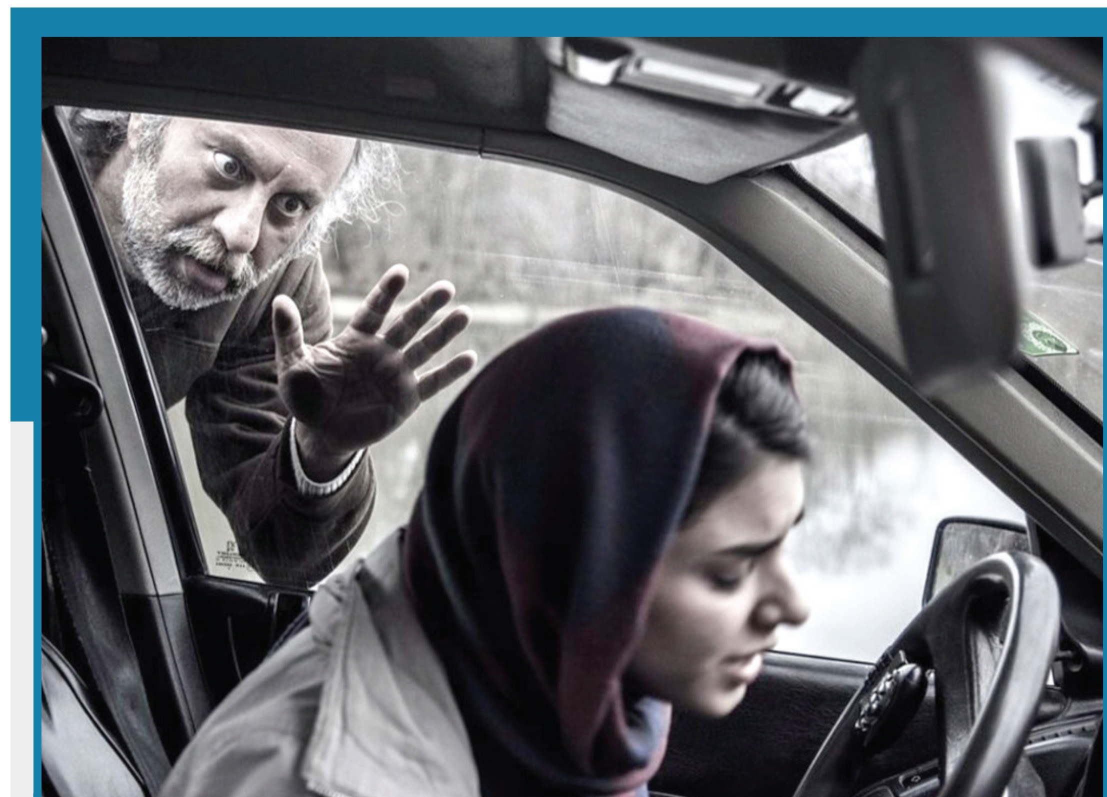

رضا فهیمی: آزادی در ساختار، یکی از مولفه‌های برجسته و جذاب سینمای تجربی است

سینمای بلند داستانی ایران به بن‌بست رسیده

سینمای تجربی توانایی دارد زمان و مکان قراردادی سینمای بدنه و داستانی را فرو بریزد

» از نظر شما چالش‌های اصلی تولید و داوری فیلم‌های تجربی در ایران چیست؟

چالش اصلی این است که بسیاری از فیلم‌هایی که به عنوان اکسپریمنتال عرضه ...

... بن‌بست رسیده و مخاطب دچار خستگی شده است. در این شرایط سینمای اکسپریمنتال می‌تواند راه‌حلی برای ایجاد تحرک و نوآوری باشد. گونه‌ای از سینما که می‌تواند به سینمای بدنه ...

فرو بریزد. به این معنا که دیگر محتوا وابسته به ساختار سنتی زمان و مکان نباشد. یعنی به جای یک سیر زمانی رئالیستی با روز و شب و تغییر مکان‌های منطقی، شخصیت‌ها ممکن است در یک لحظه در نقطه‌ای باشند و در ...

سهیلا پورمحمدی: مخاطب باید آمادگی رویارویی با فضای جدید سینما را داشته باشد

سینمای تجربی، نیازمند سواد بصری و حسی است

خلق تصاویر و فرم‌های پراکنده، باعث نرسیدن به جایگاه واقعی در سینمای بدنه می‌شود

» با توجه به تجربه و شناخت شما، سینمای تجربی در ایران چه وضعیتی دارد و چالش‌های اصلی آن کدامند؟

واقعیت این است که سینمای تجربی در دنیا تعریف و مولفه‌های مشخصی دارد که متأسفانه در ایران به شکلی ...

تعریف شفافی از سینمای تجربی نداشته باشیم و فقط به سمت خلق تصاویر و فرم‌های پراکنده برویم، این نوع سینما نمی‌تواند جایگاه واقعی خود را در سینمای بدنه پیدا کند. من خودم تجربه و تخصص اصلی‌ام در مستند است و به طور مستقیم در سینمای تجربی فعال نیستم. با این وجود به ...

... تجربه‌گرایی است که به دنبال مدل آزمایشگاهی آن می‌رود. اگر هدف ما این باشد که این سبک از سینما، تماشاگر را درگیر کند، چرا تماشاگر را به دیدن فیلم‌های داستانی و قصه‌گو دعوت نکنیم! از آغاز تاریخ سینما، سینمای تجربی به عنوان یک ...

... است. همین طور که در سینمای داستانی، مستند و سریال‌سازی هم پیشرفتی حاصل نشده است. به نظر من این مسئله نشان می‌دهد که این دو مقوله کاملا متوازن و هم‌راستا با هم هستند.

» آیا موفقیت در سینمای تجربی، می‌تواند

... منبع مطمئنی برای علاقه‌مندان سینما در این حوزه باشد. البته صرفا برای دیدن و آشنایی با فضای اثر تجربی نه برای تقلید. چرا که تقلید بدون بازآفرینی در ساحت سینمای تجربی کارکرد ندارد.

صالح رجایی از چگونگی بازآفرینی یک واقعه تاریخی با زبان و فرم نو در «میرزا مُخنث» می‌گوید

خشونت بی‌نقاب

- نگاه به تاریخ، انسان امروز را به بازگشت به هویت، گذشته و آگاهی از تاثیر تاریخ بر اکنون‌اش وامی‌دارد
- میرزا مُخنث، مخاطب را با یک واقعه تاریخی فراموش‌شده و تأثیر آن بر امروز روبه‌رو می‌سازد

کیارش وفائی
هفت صبح

پرداخت به رویدادهای تاریخی برای آگاهی و درک بهتر از روزگار گذشته و نحوه رویارویی مخاطبِ جهانِ اکنون با آنچه در تاریخ رخ داده و اکنون تبعات‌اش بر او موثر است، همیشه جزو مسائلی است که در مدیوم‌های نمایشی چون تئاتر و سینما مورد توجه قرار می‌گیرد. از سوی دیگر نوع مواجهه با این گونه پرداخت‌ها ایجاب می‌کند، مخاطب در گوناگونی سبک‌ها و پردازش‌ها به دستاوردی برسد که ترغیب به کشف و شهود شود. از همین رو با لزوم درک اهمیت وقایعی که هرگز آن‌ها را در زمان خود تجربه نکرده‌ایم به تماشای یک اثر که حرف‌هایی برای گفتن دارد می‌نشینیم. نمایش «میرزا مُخنث» یکی از همین نمونه‌هاست. صالح رجایی با بهره از واقعه‌ای تاریخی برای خلق و بروز اتفاق‌ها سراغ داستانی رفته که اگرچه آشنا نیست اما مخاطب را همراه خود می‌کند. داستان به زادگاه او برمی‌گردد، کرمان. رجایی به یک واقعه تاریخی در میدانی به نام مشتاقیه اشاره دارد. او برای اجرای نمایش از عناصر زیادی استفاده کرده، صور تک‌هایی که بازیگران بر چهره‌های خود می‌گذارند و فضای نمایش عروسکی با حضور عروسک‌گردان و نمایشی با حضور بازیگران را در هم می‌تند. نویسنده و کارگردان نمایش این بهره‌گیری از صورتک را دلیلی برای حرکت راحت در زمان می‌داند، «شخصیت‌ها بتوانند در اکنون و گذشته حاضر باشند». او علاوه بر این نوآوری، زبان اجرایش را محاوره انتخاب کرده است. زبانی که برای پرداخت به یک واقعه تاریخی دور عجیب به نظر می‌رسد، اما معتقد است که این قاعده زبانی، عنصری برای همراه کردن مخاطب امروزی است با تاریخی که از آن خبر ندارد و حتی نمی‌شناسدش. رجایی اهمیت نمایشی بر پایه یک اتفاق تاریخی را بازگشت به هویت و آگاهی از تأثیر تاریخ بر امروز می‌داند.

شنبه نویس

تلاقی: من، کافه ادایی، فرهنگ

عسل آذرپور
دبیر گروه فرهنگ و هنر

به وقت فوتبال ایران و قطر است. وسط یک کافه به ظاهر ادایی نشسته‌ام. اول باید در مورد واژه «ادایی» باهم به اشتراک برسیم. ادایی، همان کافه‌هایی است که باید بهترین لباس‌هایتان را برایشان بپوشید، با رفتار خشک و رسمی، شبیه مدیرعامل شرکتِ فلان که هیولایی در حوزه کاری خودش است، با قدم‌های پرقدرت به سمت میزی که برایتان مشخص شده بروید. جوری روی صندلی بنشینید که گویا مهم‌ترین جلسه دوران، با حضور شما به زودی اتفاق خواهد افتاد. شما همان‌طور که عصا قورت داده نشسته و اندک اخمی روی صورت‌تان هست، سفارش چای و کیک‌تان را در لیوانی غریب! و کف دست کیکی را در بزرگ‌ترین بشقابی که برای سرو سراغ دارید، مقابل‌تان می‌بینید.

من اما نه با لباس پلوخوری و نه شبیه مدیرعامل فلان شرکت با ابروی بالا، گوشه یک مبل چند نفره اینجا نشسته‌ام. همهمه زیاد است. وسط این همهمه هر چند دقیقه یک‌بار صدای موزیک بلند می‌شود انگار قرار است شوکی به مشتریان وارد شود تا کمی آرام بگیرند، اما با هر شوک، صداها بیشتر به سمت سقف می‌روند. وسط هیاهو که بیشتر از یک کافه ادایی، شبیه شنبه ظهر وسط بازار طلافروش‌هاست، انگار کسی یکهو به یاد فوتبال می‌افتد. صدای گزارشگر چنان پرهیبت در سالن می‌پیچد که برای دقیقه‌ای دیگر هیچ همهمه‌ای شنیده نمی‌شود. صدای گزارشگر را نمی‌شناسم، انگار همه صدایشان شبیه هم شده، همه از یک الگوی گزارشگری پیروی می‌کنند؛ این هم یکی از همان صداهای شبیه همدیگرست. به پشت سر نگاه می‌کنم، سالن بزرگی که یک ال‌سی‌دی بزرگ که ویژگی یک کافه ادایی است در انتهایش نصب شده و فوتبال ایران و قطر پخش می‌کند. طرفین بازی را هم از خبر ...

یادداشت

آنقدر بگوییم محیط‌بان کم داریم تا بشنوند

حمید ظهرابی
معاون محیط زیست طبیعی

معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط‌زیست «هدایت‌الله دیده‌بان» محیط‌بان شجاع، دلاور، دوست داشتنی و با درایت منطقه حفاظت شـــده خائیز، جانش را فدای آرمانش کرد و به دوســـتان شهیدش پیوست.

عروج خونینش در تنهایی با آن چهره آرام در لحظه شـــهادت برای جامعه محیط زیست حرمانی بی‌پایان به جای گذاشت، تنهایی هدایت‌الله بی‌شک در شـــهادتش اثرگذار بود، هر چند او بارها ثابت کرده بود به تنهایی هم از عهده قانون‌شکنان پلید بر می‌آید اما بی شک اگر تعداد کافی محیط‌بان در اختیارش بود، شاید هرگز چنین فاجعه‌ای رخ نمی‌داد.

سال‌هاست هدایت‌الله را می‌شناســـیم، از آن تصویر مقابله شجاعانه‌اش با شکارچی مســـلح با هیبتی ترســـناک، وقتی که رودررویش سلاح جنگی می‌کشد، تهدید می‌کند اما هدایت شجاعانه به سویش گام بر می‌دارد چنان که آن غول مسلح عقب می‌نشیند و نقش بر زمین می‌شود.

خاطرات تلاش‌ها، جدیـــت و توانمندی این مرد با غیـــرت هر لحظه تمام وجودمان را به آتش می‌کشـــد اما آنچه دردناک‌تر و ســـوزنده‌تر اســـت، ناتوانی‌هایمان در حل این معضل و داغ از دست دادن همکاران محیط‌بانمان در مسیر حفاظت است. داغی که بیش از همیشه بر شانه‌هایمان سنگینی می‌کند. هنوز چهل روز از شهادت یاسر مصدق نگذشته، هنوز چشم‌های نگران نارگل از خاطرمان نرفته که این مصیبت بر ســـرمان باریدن گرفته است.

درمان این درد را سال‌هاســـت می‌دانیم، مسیر روشن اســـت، باید تعداد محیط‌بانانمان بیشتر باشـــد، باید تجهیزاتمان به روز شـــود، باید قوانین حمایت از محیط‌بانان را تقویت کنیم، باید هزینه شکار غیرقانونی با سلاح در مناطق را هم اندازه سرقت مسلحانه کنیم، باید آموزش عمومی محیط زیســـت را جدی تر دنبال کنیم و در نهایت، باید راهی پیدا کنیم تا مردم حیات وحش را مال خودشـــان بدانند، باید منافع حفاظت با منافع مردم محلی همسو شود اما چرا نمی‌شـــود؛ بی شـــک اولینش این است که به قدر کافی در این راه نکوشیده‌ایم، از حرف و نقل این و آن ترسیده‌ایم.

عافیت‌طلبی کرده‌ایم، بهانه‌ای هم نداریم هر چه بگوییم عذر بدتر از گناه است. اما به یقین شرایط اقتصادی و فقر حاکم بر جامعه، اولویت نداشتن حفظ تنوع زیستی برای تصمیم‌گیران کلیدی و فقر فرهنگی در این زمینه، فانتزی دیدن و اندیشیدن به حفاظت، در برخی از حفاظت گرایان و اصحاب رسانه و بی توجهی به واقعیت‌های جامعه از دیگر دلایل اصلی این شکست است.

باید بیشتر بکوشیم، آگاهانه قدم برداریم، باید مطالبه عمومی ایجاد شود، باید بدانیم با شرایط کشور جهان ســـومی نمی شود توقعات فراتر از جهان اول را برآورده کرد، سال‌هاســـت دنیا از حفاظت با زور اسلحه عبور کرده و مکاتب دیگری بر حفاظت حاکم شـــده، سال‌هاست بهره برداری پایدار در کنار حفاظت می‌آید، سال‌هاست مناطق حفاظت شده خصوصی به کمک دولت‌ها آمده‌اند، سال‌هاست دیگر کشورها برای رسیدن به اهداف جهانی حفاظت تکیه و تمرکز را از توسعه مناطق حفاظت شده دولتی برداشته اند، دیگر عاقلانه نیست که منطقه حفاظت شده جدید دولتی درست کنیم تا همان محیط بان نداشته مان را بین مناطق جدید و قدیم تقسیم کنیم.

چنان که تا به امروز کرده‌ایم و قریب ۲۰۰ محیط‌بانی در کشـــور تعطیل شده‌اند. باید هر روز بگوییم محیط بان کم داریم، آنقدر بگوییم تا بشنوند، باید تجهیزات نوین حفاظتی را به کار بگیریم، توانمندی‌های داخلی کشور کم نیست، اگر تحریمیم از داخل و از خارج! باید شرکت‌های دانش بنیان را پای کار آورد. باید تجهیزات مدرن را مناسب شرایط کشور ساخت.

باید هزینه کرد، باید آنقدر خواست تا مجبور به تامین شوند! باید محیط زیست را رســـما در فهرست مســـئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها گذاشت تا این گونه نباشد که گاهی از ســـر اجبار یا دلسوزی کمکی هم به محیط زیست کنند. سال‌هاست تسهیم عادلانه منافع تنوع زیستی را بر در و دیوار می‌کوبیم، در کتاب و مقاله می‌نویسیم و عمل نمی‌کنیم.

نباید از انتقادات بی پایه و احساس زده ترسید، باید شجاعانه در مسیر تحول گام برداشت. باید از مردم خواســـت و کمک گرفت، باید مردم را مشارکت داد نه از آن مشارکت‌هایی که مرسوم است و می‌شناسیم باید به واقع مردم را شریک کرد. شـــریک به معنای واقعی، شـــریکی که در تصمیم گیری، برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و بردن منفعت شریک باشد. نه شریکی که وقتی آتش‌سوزی می‌شود، یادمان می‌آید.

بررسی ابعاد ناامنی اجتماعی زنان و عملکرد رسانه‌ها پس از مرگ تلخ الهه حسین‌نژاد

سایه ترس روی شانه دختران

- جامعه‌شناسان معتقدند آمار دختران فراری نیز نگران کننده و مغفول مانده است
- درخواست عمومی برای افزایش دوربین‌های نظارتی مطرح شده است اما نگرانی‌هایی درباره آزادی‌های اجتماعی نیز وجود دارد

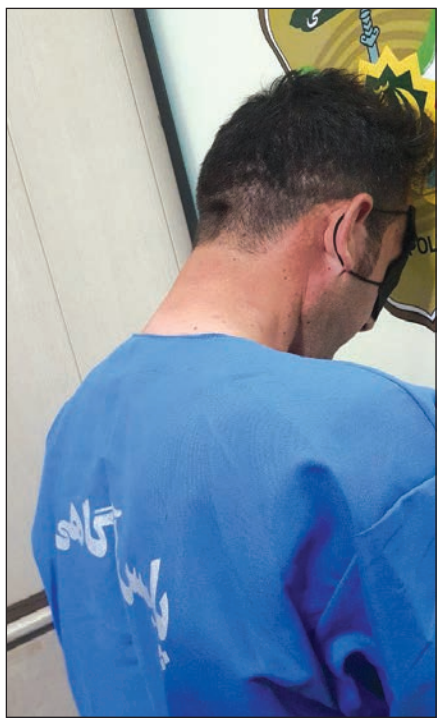

مریم ورشو
هفت صبح

رفت و دیگر برنگشت؛ ســـما را می‌گویم. همان دختر گمشده شیرازی که درســـت در یک روز گرم تابســـتانی ناپدید و مفقود شد. از تیرماه ۱۴۰۱ روزهای زیادی آمدند و رفتند، اما ســـمای این قصه تلخ نیامد که نیامد. چشمه‌های امید بسیاری خشکیدند ولی چشـــم‌های پدر این دختر گمشده هنوز از داغ فقدان و انتظار مداوم جاری است. سوگواری بی‌پایان خانواده سما ســـرجایش بود که چند روز پیش دختر دیگری به‌نام الهه حسین‌نژاد هنگام بازگشت به منزل از میدان آزادی، مفقود شـــد. تا اینکه با اعلام خبر قتل الهه و پیدا شدن پیکرش در بیابان‌های اطراف تهران، جامعه در بهت فرو برد. این موضوع به‌ســـرعت در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شـــد؛ حتی برخی خانواده‌ها برای امنیت دختران‌شـــان ابراز نگرانی و خودشان را جای الهه و خانواده‌اش تصور کردند.

تصور آســـانی نیســـت؛ دردناک اســـت جای الهه بودن! چشـــم‌هایم را می‌بندم و به گفته‌های عمـــوی الهه فکر و سکانس به سکانس، نقش الهه را در ذهنم تداعی می‌کنم. حالا من جای الهه‌ای هستم که یک ساعت زودتر از سرکار بیرون زده‌ام تا به خانـــه‌ام در اسلامشـــهر برگردم، چون مادرم به من سپرده است که باید خودم را به برادر معلولم برسانم. قبل از پیاده شدن در میدان آزادی، کرایه را کارت به کارت می‌کنم.

در ســـکانس بعدی ســـوار خودروی دیگری می‌شوم که ســـمندی نقره‌ای اســـت. در مســـیر با خواهرم صحبت می‌کنم و به او خبـــر می‌دهم چیزی نمانده تـــا به میدان نماز برسم. چشـــمهایم را باز میکنم چون دیگر نمیخواهم جای الهه باشـــم. الههای که به گفته رئیس پلیس آگاهی پایتخت قرار اســـت بهخاطر گوشـــی گران‌قیمتش برابر سرقت از سوی راننده مقاومت کند و با وارد شدن ضربات چاقو به سینه‌اش به قتل برسد.

آخرین ســـکانس مربوط به کشـــف پیکر بیجانی است در دل بیابانهای اطراف تهران؛ کات و تمـــام! بغض گلویم را می‌فشـــارد؛ پس جای الهه بودن آســـان نیست؛ حتی در گوشه امن خانه‌های‌مان.

بازتاب خبر مفقودی و قتل الهه در شبکه‌های مجازی

آدم‌های زیادی خودشـــان را جـــای الهه گذاشـــته‌اند و همذات‌پنـــداری کرده‌اند. مثـــلا قبل از اعـــلام خبر قتل الهه، کاربری در فضای مجازی نوشـــته: «از وقتی فهمیدم الهه گم شده از شدت غصه له شدم و اینکه کاری از دستم برنمیاد، داره منـــو له‌تر می‌کنه». یا کاربـــر دیگری گفته: «کاش پیدا بشی، کاش سالم باشی، کاش برگردی الهه». بعد از اعلام خبر پیدا شـــدن پیکر بیجـــان الهه هم مردم واکنشـــهای شـــدیدی از خود بروز دادند. مثـــلا کاربری نوشـــت: «بمیرم برای دل مادرش». یـــا دیگری که گفته: «خدا میداند روزانه چه تعداد زن و کودک دزدیده میشوند اما رسانهای نمیشود». یا کاربری که نوشت: «جون آدم از یه موبایل ارزونتر تموم میشه.»

همه این کامنت‌ها و کپشن‌ها نشان‌دهنده فضای ملتهب روحی و روانی و همچنین وضعیت ملتهب و اضطراب‌آلود پیش آمده برای این دختر ۲۴ ساله است.

نکته مهم که نگران کننده‌تر از این وضعیت اســـت، نبود تحلیل درســـت از حادثه پیش آمده است. فضای مجازی و رسانه‌های دیداری و شـــنیداری بیشتر در انتشار چنین خبرهایی از یکدیگر پیشی می‌گیرند بدون اینکه تحلیلی درست از ماجرا داشته باشـــند. عامه مردم هم چیزی جز چند خط خبر کپی شـــده و تکراری عایدشـــان نمی‌شود که آن هم بعد از گذشت مدتی با انتشار خبرهای دیگر به آرشیو حافظه‌شـــان منتقل یا حذف می‌شود. در حالی که در گذشته چنین نبود.

به‌عنوان نمونه به ماجرای خفاش شب می‌توان اشاره کرد؛ رسانه‌های مختلف از زوایای متفاوت درباره خفاش شب و ابعاد جنایاتی که مرتکب شده بود آنقدر تحلیل و گزارش ارائه داده بودند که هنوز در حافظه تاریخی مردم پررنگ و فراموش نشدنی است.

اما امروزه اگر چه سرعت انتشـــار یک خبر بسیار بالاتر از آن دوره اســـت اما تزریق یک خبر مشـــخص در رسانه‌ها و شـــبکه‌های اجتماعی برای جلب توجـــه عمومی بدون پشـــتوانه تحلیلی به مرور زمان از اهمیت حادثه می‌کاهد. کارشناســـان و جامعه‌شناســـان معتقدند نمونه الهه تنها مورد پیش آمده برای دختران نیســـت و ایـــن باید عاملی شود برای پیگیری مشـــکلات همه دخترانی که سرنوشت تلخشان رسانهای نشد.

بی‌توجهی نسبت به آمار دختران فراری

دکتر غفور شـــیخی، جامعه‌شـــناس به هفت‌صبح می‌گوید: بیشتر رسانه‌ها و شـــبکه‌های اجتماعی به جای تحلیل یک ماجرا فقط برای جـــذب بازدیدکننده یا دنبال‌کننده تصمیم می‌گیرند روی کدام خبر متمرکز شـــوند. برخی اخبار طبعا مخاطبان را به‌ســـرعت دچار اســـترس می‌کند. اما ســـوال اینجاســـت که چرا این اتفاق فقط در پی انتشـــار یک خبر خاص می‌افتد؟ مثلا عکس‌العمل و مسئولیت اجتماعی مردم در قبال مفقودی تا لحظه پیدا شـــدن پیکر الهه حسین‌نژاد قابل تحسین است اما آیا این مسئولیت‌پذیری در قبال دیگر مســـائل اجتماعی مثل آلودگی هوا، ســـطح رفاه اجتماعی، کاهش خط فقر و ... به همین سرعت انتقال پیدا می‌کند؟

این جامعه‌شناس به دختران فراری اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: آیا می‌دانستید که به‌طور میانگین هر شب چند دختر فراری فقط در تهران داریم؟ چرا ما نســـبت به این آمار عکس‌العملی جمعی نشان نمی‌دهیم؟ جوابش واضح است، چون این رسانه‌ها هستند که تصمیم می‌گیرند روی کدام خبر بیشـــتر مانور دهند. موضوع دختران فراری نیز به اندازه قتل الهه اهمیت دارد.

شـــیخی می‌گوید: درگذشـــته یک خبر دهـــان به دهان می‌گشـــت و به گوش همه افراد هم نمی‌رسید. اما امروزه شـــبکه‌های اجتماعـــی به‌ســـرعت اخبار را به اشـــتراک می‌گذارند. پس ما بـــا یک همبســـتگی اجتماعی روبه‌رو می‌شـــویم اما باید این را در نظر داشته باشیم که هر کسی می‌تواند یک سناریو بنویســـد و تصمیم بگیرد این سناریو را به همین راحتی در شـــبکه اجتماعـــی پرمخاطبش جا بیندازد و بهره‌برداری کند. این موضوع در همه جای دنیا دیده می‌شود.

این جامعه‌شـــناس با اشـــاره به درخواســـت مردم برای نظارت بیشتر می‌افزاید: در مورد مفقودی دختران اولین درخواســـت مردم افزایش دوربین‌های نظارتی بوده است. یعنی در واقع آنها معتقدند بـــرای معضل مفقودی به یک دیده‌بان اجتماعی نیاز دارند. یعنی همه جا را پر از دوربین می‌خواهند. بنابراین باید پشـــت این تقاضا مزایا و معایب آن را هم دید.

شـــیخی ادامه می‌دهد: از دیـــدگاه دولت‌هـــا در یک بعد جهانی این کار به نفع‌شـــان اســـت و مزیتی برای کنترل شهروندان به حســـاب می‌آید، اما باید این را هم بدانیم که مردم و جامعه نیازمند حریم خصوصی هستند و با این کار آزادی‌های شـــخصی هم کاهش می‌یابـــد. بنابراین وقتی یک موجی راه می‌افتد و تقاضایی در شبکه‌های اجتماعی فراگیر می‌شـــود این وظیفه رسانه‌هاســـت تـــا موضوع را تحلیل و همه ابعاد را باز کنند.

> **مفقودی دختران و همچنین فرار دختران و حتی دزدیدن کودکان موضوع تازه‌ای نیست. با انتشار هر خبری در این زمینه ناامنی روانی جامعه را فرا می‌گیرد. زیرا اثرات بدی که این دست اخبار روی والدین و خانواده‌ها می‌گذارد، حتی بازدهی کاری و اقتصادی را پایین می‌آورد. تصور کنید چگونه می‌توان نگرانی یک مادر را بعد از خواندن خبرهای ناگوار درک نکرد، وقتی دخترش به استقلال اقتصادی خود فکر می‌کند و برای رسیدن به این خواسته باید هر روز از خانه بیرون برود**

تهدید نهاد خانواده

دکتر امان‌الله قرایی مقدم، جامعه‌شناس و آسیب‌شناس اجتماعی هم می‌گوید: مفقودی دختران و همچنین فرار دختران و حتی دزدیدن کودکان موضوع تازه‌ای نیست. با انتشـــار هر خبری در این زمینه ناامنی روانی جامعه را فرا می‌گیرد. زیـــرا اثرات بدی که این دســـت اخبار روی والدین و خانواده‌هـــا می‌گذارد، حتـــی بازدهی کاری و اقتصادی را پایین می‌آورد. تصـــور کنید چگونه می‌توان نگرانی یک مادر را بعد از خوانـــدن خبرهای ناگوار درک نکرد، وقتی دخترش به اســـتقلال اقتصـــادی خود فکر می‌کند و برای رسیدن به این خواسته باید هر روز از خانه بیرون برود.

این آسیب‌شناس اجتماعی ادامه می‌دهد: نیروی انتظامی در ایجاد امنیـــت نقش پررنگی دارد. دختـــر در جامعه ما تقدس دارد. پس برخـــوردی که نیـــروی انتظامی با یک چاقوکش می‌کند مســـلما باید خیلی متفاوت‌تر نسبت به کسی باشد که به دختران آسیب می‌رســـاند. آمار چنین اتفاقاتی بـــا برخوردهای محکم و جـــدی نیروی انتظامی کاهـــش می‌یابد. مـــا در چنیـــن پرونده‌هایی با شـــعبان بی‌مخ‌های چاقوکش مواجه نیســـتیم. با کســـانی مواجه هستیم که نهاد خانواده و امنیت جامعه را نشانه گرفته‌اند.

قرایی مقدم می‌گوید: انتشار چنین اخباری در شبکه‌های اجتماعی ترس را به‌شـــدت گســـترش می‌دهد. از طرفی تبلیغات سویی در جهان نســـبت به امنیت کشور ما ایجاد می‌شـــود. دختران ما مشـــاغل زیادی را در اختیار دارند، بنابراین باید با آگاهی‌رسانی و آموزش و اعمال قانون این دست ناامنی‌ها را کاهش داد.

خاموش‌سازی آمارهای تکان‌دهنده

دکتر محمد گراوندنیا، روانشناس نیز می‌گوید: به صورت کلی در نظریه‌های رفتاری جدید موضوعی به نام تقویت جانشـــینی و تنبیه جانشینی داریم. یعنی الزاما نیاز نیســـت که ما مســـتقیم تنبیه شویم اما مشـــاهده‌گر تنبیه هستیم. مثلا اگر یک خودرویی کـــه جلوتر از همـــه خودروها در حال حرکت اســـت در جاده چپ کند، ناخودآگاه بقیه خودروهای پشتی با دیدن این صحنه تا چند متر آهسته حرکت می‌کنند.

این روانشناس ادامه می‌دهد: درباره خبر مفقودی و ســـپس قتل الهه هم با این موضـــوع مواجهیم. برخی والدین با دیدن چنین پیامد نامطلوبی برای فرزندان خود بازدارندگی ایجاب می‌کنند. در واقع ما با یادگیری مشاهده‌ای مواجه هستیم و بازداری می‌کنیم تا رفتاری برای خودمان تکرار نشود.

گراوندنیا می‌گوید: بیشتر ما تحت تاثیر رسانه‌ها قرار می‌گیریـــم. هر خبری می‌تواند به‌ســـرعت خوراک رسانه‌ها و شـــبکه‌های اجتماعی شود. اما باید دید این خبرها با چه هدفی تهیه می‌شـــوند و برداشت خانواده‌ها از اخبار هم بسته به آرمان‌هایی که دارند متفاوت است. مثلا کسی که معتقد است آزادی زنان برای استقلال و اشـــتغال لازم است با خواندن چنین خبری فرزنـــدان خود را محدود نمی‌کند و می‌گوید استقلال تاوان دارد، اما برخی شاید محدودیت‌هایی ایجاد کنند تا فرزندان‌شان از حاشیه امن‌شان خارج نشوند.

این روانشناس ادامه می‌دهد: برخی هم در پرونده مفقودی دختران به دنبـــال افزایش دوربین‌های نظارتی هستند که خود تیغ دولبه است. حتی اگر در خانه هم نظارت والدین بیش از اندازه باشـــد رشـــد کودک به تعویق می‌افتد. چه برسد در یک جامعه گســـترده‌تر از نهاد خانواده. بنابراین حل چنین موضوعاتی نیازمند تحلیل و بررسیهای همه جانبه است.

گراوندنیا می‌گوید: ما چرا فقط نسبت به یک خبر چنین واکنش گسترده‌ای داریم. دلیلش را پیشتر گفته‌ام. به‌دلیل تاثیر رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی اما واقعیت این است که ما آمار تکان‌دهنده‌ای در زمینه‌های دیگر هم داریم که با پرداختن انتخابی به یک خبر خاموش‌سازی می‌شوند. مثل آمار بالای ۸۰ درصد افسردگی در تهران یا موضوع خودکشی پزشکان.

در هرصورت امیدوارم روزی برسد که همه دختران حاشیه امنیت داشته باشند، هیچ دختری مفقود نشـــود، به قتل نرســـد، فرار نکند و تکلیف تمام پرونده‌های نیمه‌تمام مثل پرونده سماها و الهه‌ها روشن شود. دلم می‌خواد گزارشـــم را با یاد سما جهانباز که هنوز تکلیف پرونده‌اش روشن نیست این‌گونه به پایان برسانم: یوسف گم گشته باز آید به کنعان... اما دلم رضا نمی‌دهد. من هم پر از تشویش و نگرانی‌ام چون مثل همه همچنان ســـوالی دارم: سما کجاست؟

تکثیر

نقض حریم شخصی کودکان در اپلیکیشن‌های آموزشی

- شفاف‌سازی فعالیت‌های اپلیکیشن‌ها و بومی‌سازی تجربه موفق کشورهای دیگر گام‌هایی ضروری در مسیر تحقق عدالت دیجیتال برای کودکان است

محمدمهدی سیدناصری
حقوقدان و مدرس دانشگاه

در ســـپیده‌دم قرن بیســـت‌ویکم، کودکان نه‌تنها در کوچه‌ها و مدارس، بلکه در دل پلتفرم‌ها، کلاس‌های مجازی و بازی‌های آنلاین رشـــد می‌کنند. مرزهای سنتی «خانه» و «مدرســـه» دیگر نمی‌توانند حریم امن آنان را تضمین کنند؛ چراکه زیســـت دیجیتال، به جزئی ناگزیر از زندگی کودکی تبدیل شـــده است. اما در پس این تحول شـــتاب‌ناک، ســـوالی بنیادین ســـر برمی‌آورد: آیا کودکان در دنیای آنلاین از همان حریمی برخوردارند که قانون، اخلاق و عقل ســـلیم برای دنیای فیزیکی‌شان ترســـیم کرده است؟ حریم خصوصی کودک، مفهومی ژرف و چندلایه است که نه‌تنها از منظر قانونی، بلکه از منظر روان‌شـــناختی و اجتماعی نیـــز واجد اهمیت حیاتی اســـت. مطابق با ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک، هیچ کودکی نباید در زندگی خصوصی، خانـــواده، مکاتبات یا حیثیتش مورد مداخله دل‌بخواه قرار گیـــرد. با این حال، جهان دیجیتال به‌ویژه در قالب اپلیکیشـــن‌های آموزشی و بازی‌های آنلاین، عرصه‌ای اســـت که در آن داده‌های شـــخصی کودکان بی‌محابا گردآوری، تحلیل و بعضاً برای مقاصد تجاری یا سیاســـی اســـتفاده می‌شود، بی‌آنکه کودک یا خانواده‌اش از این فرایندهای پنهان آگاه باشند یا توان مقابله‌ای واقعی داشته باشند.

سیاست‌گذاری روشنی در ایران نداریم

مســـئله در ایـــران پیچیده‌تـــر اســـت. بـــا وجود راه‌اندازی پلتفرم‌هایی همچون «شـــاد» و گسترش اپلیکیشن‌های بومی و خارجی در آموزش و سرگرمی کودکان، هنوز سیاســـت‌گذاری روشـــنی در حوزه حفاظت داده‌های کودکان وجود ندارد. فقدان قانون خاص، ضعف در نهادهای نظارتی و ناآگاهی والدین و کودکان، همه و همه به ایجاد وضعیتی انجامیده‌اند که در آن کودک ایرانی در معرض نقض حریم خصوصی دیجیتال قرار دارد، بی‌آنکه سازوکار موثری برای دفاع از حق خود در اختیار داشته باشد.

مطالعات در ایالات متحده آمریکا نشـــان می‌دهد که ۹۶ درصد اپلیکیشـــن‌های آموزشـــی مورد استفاده در مـــدارس K–۱۲ داده‌های دانش‌آمـــوزان را بدون اطلاع کافی با شـــبکه‌های تبلیغات یـــا آنالیتیکس اشتراک می‌کنند. همچنین گزارش CyberScoop تائید می‌کند که بسیاری از اپ‌ها از تبلیغات هدفمند (retargeting) اســـتفاده می‌کننـــد، در حالی کـــه قانون فـــدرال (FERPA و COPPA) صراحتاً چنین اســـتفاده‌ای را ممنوع می‌کند. مطالعـــه روی ۲۳۰ اپلیکیشـــن از Google Play در ۲۰۲۳ نشـــان داد که ۴/۴۷ درصـــد برنامه‌ها بدون رضایـــت، موقعیت مکانی کـــودک را می‌گیرند و ۸۱/۲۵ درصـــد آنها از ردیاب تبلیغاتی استفاده می‌کنند، امری که با قوانین فروشـــگاه مغایرت دارد. در جریان آموزش از راه دور کرونا، دولت‌هـــا از جمله ایران بـــا اپ‌هایی همچون «شاد» شناسه‌های دستگاه (AAID) را جمع‌آوری و در برخی موارد با پلتفرم‌هایی مانند گوگل و فیسبوک به اشتراک گذاشته شد. این امر بدون تفهیم شفاف به والدین و نهاد خانواده موجب نقض حق کودک برای کنترل اطلاعات شخصی‌اش شده است. مطابق ماده ۱۶ این کنوانسیون، کشورهای عضو باید از «زندگی خصوصی کودک» حفاظت کنند. جمع‌آوری داده‌ها بدون رضایت آگاهانـــه والدین یا کـــودکان (در حد ظرفیت‌شان) نقض آشـــکار این ماده اســـت. قانون حفاظت از اطلاعات شـــخصی کودکان زیر ۱۳ سال در وب‌ســـایت‌ها و خدمات آنلاین در ایالات متحده که در ســـال ۲۰۰۰ میـــلادی به اجـــرا درآمد و طی پیشنهادات اخیر کمیســـیون فدرال تجارت (FTC)، تبلیغات هدفمند برای افراد زیر ۱۳ ســـال به‌صورت پیش‌فرض مســـدود شده و اســـتفاده از شناسه‌های تبلیغاتی نیازمند رضایت جداگانه است. این قانون از سپتامبر ۲۰۲۰ میلادی اجرایی شده و ویژگی‌هایی مانند محافظت حریـــم خصوصی به‌طور پیش‌فرض، تنها جمـــع‌آوری داده‌های ضـــروری و جلوگیری از الگوهای طراحی فریبنده (dark patterns) را برای سرویس‌های اینترنتی کودکان الزامی می‌داند.

چند پیشنهاد راهگشا

آن‌گونه که در ســـیر تحلیلی این نوشتار آشکار شد، نقض حریم خصوصی کودکان در اپلیکیشـــن‌های آموزشـــی و بازی‌های آنلاین، نه صرفاً یک مســـئله فنی یـــا تکنولوژیک، بلکه معضلـــی عمیقاً حقوقی، اجتماعی و روان‌شـــناختی اســـت. ایـــن پدیده، در ســـطوح مختلف، از تضعیف اعتماد میـــان کودک و محیط پیرامون گرفتـــه تا تهدید ســـلامت روانی و هویتی نسل نو، پیامدهایی بلندمدت و نگران‌کننده به‌دنبـــال دارد. داده‌هایی که امروز بـــدون رضایت و آگاهی از کودکان جمع‌آوری می‌شـــوند، فردای آنان را در معرض پایش مســـتمر، تبلیغـــات هدفمند و حتی تبعیض‌های دیجیتال قـــرار می‌دهند. از منظر حقوق بین‌الملل، اصولی نظیـــر «حداقل گرایی در جمـــع‌آوری داده»، «رضایـــت آگاهانـــه»، «حـــق فراموشی» و «حریم پیش‌فرض محافظت‌شده» در اسنادی چون کنوانســـیون حقوق کودک، مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها در اروپا (GDPR)، و قانون حفاظت از اطلاعات شـــخصی کودکان زیر ۱۳ سال در وب‌ســـایت‌ها و خدمات آنلاین در ایالات متحده، چارچوب‌هایی روشن برای حمایت از کودکان ترسیم کرده‌اند. با این حـــال، ایران هنوز فاقـــد یک قانون جامع در این زمینه اســـت و سند حمایت از کودکان در فضای مجـــازی نیز با وجود برخی پیشـــرفت‌ها، نتوانسته پاســـخگوی کامل تهدیدات نوپدید باشد.

پیشـــنهادات این یادداشـــت کوتاه این اســـت که: ۱-تدوین قانون جامع حفاظت از داده‌های کودکان، ۲-ایجاد نهاد نظارتی مستقل، ۳-آموزش سواد داده به والدین و کودکان، ۴-شفاف‌ســـازی فعالیت‌های اپلیکیشن‌ها و بومی‌سازی تجربه موفق کشورهایی چون بریتانیا، گام‌هایی ضروری در مسیر تحقق عدالت دیجیتال برای کودکان اســـت. در جهانـــی کـــه کـــودکان بی‌محابا با فناوری آمیخته‌اند، اگر حق حریم خصوصی آنان تضمین نشـــود، هیچ‌یک از حقـــوق دیگر –از جمله حق بر آموزش، بازی، امنیت، ســـلامت روانی و کرامت انسانی – نیز در بستری پایدار قابل تحقق نخواهد بود. کودک امروز، شهروند دیجیتال فرداســـت، و بی‌تردید، جامعه‌ای که به کودکانش اجازه مراقبت از حریم خود را ندهد، از ساختن آینده‌ای ســـالم بازخواهد ماند. بنابراین، اکنون وقت آن است که حق حریم خصوصی کودکان را نه‌تنها به‌مثابه یک مصلحت، بلکـــه به‌عنوان یک الزام قانونی و اخلاقی در کانون سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و دیجیتال بنشانیم.

گزارش میدانی هفت‌صبح از قتل دلخراش الهه حسین‌نژاد، دستگیری قاتل و اسرار جنایت از زبان خانواده‌ها

جنایت امروز، نتیجه گذشته تاریک قاتل

- روایت هولناک جنایات بهمن در گفت‌وگوی اختصاصی هفت‌صبح با خانواده قاتل
- اهالی روستا گفتند بهمن و برخی از اعضای خانواده‌اش همیشه درگیر دزدی و درگیری‌های خشن بوده‌اند و سابقه داشته‌اند

فاطمه شیخ علیزاده
دبیر سرویس حوادث

ساعت حدود ۹ صبح روز پنجشنبه پانزدهم خرداد ماه است که جلوی پلیس آگاهی تهران بزرگ می‌رسیم.خانواده الهه حسین‌نژاد بهت‌زده و مضطرب پشت در هستند. همین یک ساعت قبل بود که خبر پیدا شدن جسد الهه، دختر ۲۴ ساله‌ای که از ۱۱روز قبل گم شده بود، به نقل از رئیس پلیس آگاهی استان تهران منتشر شد.

احتمالا خانواده الهه هم این خبر را شنیده‌اند و خودشان را خیلی سریع به اینجا رسانده‌اند اما باور اینکه الهه، دختر زیبا و مهربان خانواده ناگهان به قتل رسیده باشد، برای آنها سخت است.

نگاهی به گم شدن الهه

چهارم خرداد ماه امسال بود که آگهی گم شدن دختر جوانی به نام الهه حسین‌نژاد منتشر شد.الهه به همراه خواهر بزرگترش در یک سالن زیبایی در غرب تهران کار می‌کرد. او هر روز مسیر خانه‌شان واقع در اسلامشهر تا محل کارش را به همراه خواهرش با ماشین شخصی او طی می‌کردند.خواهر متاهل الهه حدودا هفت سالی بود که در آن سالن زیبایی کار می‌کرد و الهه از دو سال قبل بعد از اینکه لیسانس حسابداری‌اش را از دانشگاه اسلامشهر گرفت، در همان سالن مشغول کار شده بود. روز حادثه الهه قرار بود برای مراقبت از برادر معلول خود زودتر از همیشه به خانه برود.او بعد از خروج از محل کارش با خواهرش تلفنی حرف زده و گفته بود نزدیک خانه است اما درست همان موقع بود که گوشی تلفن همراهش خاموش شده و او غیبش زده بود.

تا اینکه صبح روز پنجشنبه خبر پیدا شدن جسد الهه در بیابان‌های حاشیه فرودگاه امام خمینی منتشر و دقایقی بعد مشخص شد با تلاش کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ قاتل نیز شناسایی و دستگیر شده است.

ساعت ۱۰ صبح؛ پلیس آگاهی تهران

پله‌های مرکز عملیات پلیس آگاهی تهران را دو تا یکی بالا می‌رویم تا با قاتلی روبه‌رو شویم که امید یک ملت را برای پیدا شدن الهه ناامید کرده است.

معمای قتل الهه برملا می‌شود.او آن روز سوار خودروی سمند نقره‌ای رنگی می‌شود که بهمن راننده آن بود.خودرو متعلق به برادر بهمن است و به‌همین دلیل ماموران صاحب ماشین را نیز بازداشت کرده‌اند تا نقش او در این ماجرا مشخص شود.

بهمن ادعا می‌کند وقتی چشمش به گوشی آیفون الهه می‌افتد، وسوسه می‌شود تا گوشی را سرقت کند.او خیلی کوتاه در مورد قتل الهه توضیح می‌دهد:«چشمم به گوشی‌اش افتاد و با او درگیر شدم تا گوشی را بگیرم.وقتی مقاومت کرد، او را با چاقو زدم و بعد جسدش را در بیابان رها کردم.»

وقتی خانواده باخبر شدند

گفت‌وگو با قاتل الهه تمام می‌شود و وارد اداره چهارم پلیس آگاهی تهران می‌شویم. صدای شیون و زاری می‌آید.حدس موضوع سخت نیست: خانواده الهه وارد پلیس آگاهی شده‌اند و ماموران آنها را از فاجعه هولناکی که رخ داده، باخبر کرده‌اند.

حالا آنها می‌دانند که الهه دیگر برنمی‌گردد و چشم انتظاری آنها بعد از ۱۱ روز رنگ مصیبت به خود گرفته است. مادر داغدار الهه انگار که در اتمسفری دور از پلیس آگاهی دخترش را در آغوش گرفته. با دستانش سینه خودش را می‌فشرد و تمام دلتنگی این روزهایش را فریاد می‌زند.او امید داشت الهه برگردد اما حالا دلتنگی او ابدی شد: «الهه... دختر زحمت‌کش من.»

ماموران پلیس کمک می‌کنند تا خانواده الهه کمی آرام شوند و آنها را راهی خانه‌شان می‌کنند.اقوام دور و نزدیک الهه جلوی در پلیس آگاهی آمده‌اند.چند نفری از دوستان و همکاران الهه هم با چشمان اشکبار حاضر شده‌اند. هیچ کس باور ندارد امیدها برای بازگشت الهه به خانه رنگ باخته و مرد و زن در سوگ از دست رفتن مظلومانه این دختر اشک می‌ریزند.

سرقت و اسلحه کشی قاتل الهه

خانواده همسر سابق بهمن در روستای همجوار زادگاه او زندگی می‌کنند.همسر سابق بهمن، الهام ۲۹ ساله است که عموی او هنوز هم در همان روستای آبا و اجدادی‌شان زندگی می‌کند.

عموی الهام در مورد بهمن می‌گوید:«بهمن داماد برادرم بود اما حالا سه سالی می‌شود که دختر برادرم از او طلاق گرفته است. برادرم برای دامادش خانه ساخت و خیلی به او خوبی کرد اما بهمن خلافکار بود و اینقدر خانواده برادرم را آزار و اذیت کرد که وقتی امروز برادرم شنید بهمن قاتل الهه حسین‌نژاد است، آرزو کرد اشد مجازات در انتظار بهمن باشد.»

عموی الهام در ادامه گفت: «بهمن و برادرهایش خرید و فروش مواد مخدر می‌کردند. حتی یکی از برادرهایش یک بار حکم اعدام گرفته بود که تخفیف گرفت. یکی دیگر از برادرهایش هم تبعیدی است.آنها افراد خلافکار و خطرناکی هستند و یک بار بعد از اینکه الهام طلاق گرفت، بهمن با اسلحه و قمه به خانه برادرم رفت و آنها را تهدید و از خانه‌شان سرقت کرد.»

عموی الهام در ادامه در مورد زندگی برادرزاده خود با بهمن گفت:«بهمن به الهام می‌گفت حق ندارد از خانه بیرون برود و او را در خانه حبس می‌کرد.او بارها الهام را زیر باد کتک گرفته و حتی چند بار روی سر الهام آب‌جوش ریخته بود.وقتی به خواستگاری الهام آمد، ما نمی‌دانستیم چطور آدمی است و در موردش تحقیق کردیم.اهالی روستای‌شان گفتند که او خلافکار است و وقتی حرف‌های خوبی راجع به او نشنیدیم، به او جواب رد دادیم اما بهمن با حیله و فریب الهام را از خانه فراری داد و ما برای حفظ آبرو مجبور شدیم که به ازدواج او با الهام رضایت دهیم.»

ماجرای یک فیلم سیاه

عموی الهام ادامه داد: «بالاخره الهام طلاقش را از بهمن گرفت اما او دست‌بردار نبود و برای خانواده برادرم دردسر درست می‌کرد. حتی یک بار به خانه خاله الهام رفته و زیر گلوی او قمه گذاشته و گفته بود اگر الهام را راضی نکنی به زندگی برگردد، تو را می‌کشم.آن روز از سر و صدای داخل خانه، همسایه‌ها متوجه موضوع شدند و بهمن فرار کرد اما گوشی‌اش را داخل خانه جا گذاشت. ما داخل گوشی او فیلمی از رابطه او با یک زن غریبه پیدا کردیم که معلوم بود با هم دوست بودند اما احتمالا برای تهدید آن زن فیلم را تهیه کرده بود چون او با هر روشی آدم‌ها را تهدید می‌کرد. ما فیلم را به پلیس دادیم. بالاخره اینقدر آزار و اذیت‌های او برای خانواده برادرم زیاد شد که الهام به همراه پدر و مادر و خواهر و برادرش به خرم‌آباد مهاجرت کردند اما بهمن آنجا هم آنها را پیدا و با کلت کمری تهدیدشان کرد.او در زمان زندگی با الهام هم بارها می‌گفت خانواده‌تان را می‌کشم.می‌گفت پدربزرگم اوایل انقلاب همسرش را به درخت آویزان کرده، من هم می‌توانم شما را بکشم. او بارها دختر برادرم را به اسیدپاشی و آتش‌افروزی تهدید کرده بود.»

دومین متهم پرونده الهه کیست؟

عموی الهام در مورد برادر بهمن که دومین متهم پرونده الهه است، می‌گوید:«اکبر برادر بهمن یک بار در تهران ازدواج کرد و او هم اینقدر همسرش را آزار داد که فقط حدود شش ماه با هم زندگی کردند و بعد خانواده آن زن زندگی‌شان را فروختند و به منطقه نامعلومی مهاجرت کردند.»

قاتل الهه گوش پسرعمویش را برید!

عموی الهام در آخر گفت:«همه ما به خاطر الهه خیلی ناراحتیم اما وقتی فهمیدیم بهمن به دام افتاده، در روستای آنها جشن برپا شد.او و برادرانش به خاطر اختلاف ملکی برسر یک زمین ارثی، گوش پسرعموی‌شان را هم بریده بودند!»

روایت هولناک نزدیکان قاتل از جنایت‌های او در روستای محل زندگی‌شان

قاتل الهه که بود؟

«بهمن» نام قاتل حدودا ۳۵ ساله است. او اهل یکی از روستاهای مشگین‌شهر اردبیل است. روستایی که اهالی آن بهمن را به نیکنامی نمی‌شناسند. یکی از اهالی روستا بعد از فاش شدن راز قتل الهه حسین‌نژاد در گفت‌وگو با خبرنگار هفت‌صبح حقایقی را در مورد بهمن فاش می‌کند اما او علاقه‌ای به فاش شدن نامش ندارد: «بهمن را از بچگی می‌شناسم.

او ۵ برادر و ۳ خواهر دارد. بهمن و چند برادرش بارها به خاطر دزدی و موادفروشی و خلاف به زندان افتاده‌اند. انگار زندان خانه دوم آنهاست. من ندیده بودم که او در روستا شغلی داشته باشد. من آخرین بار یک ماه قبل او را در روستا دیده بودم. او اهل آزار و اذیت بود و بارها در روستا درگیری ایجاد کرده بود و به اموال مردم دست‌درازی می‌کرد.»

شوهر سابقم را قصاص کنید

همسر سابق قاتل الهه در گفت‌وگو با هفت‌صبح از زندگی پر تلاطم با شوهر خلافکارش گفت

» چند سال با بهمن زندگی کردی؟

۱۲ سال زندگی مشترک داشتیم.خانواده من با ازدواج‌مان مخالف بودند اما او من را فریب داد و ربود. بعد هم همیشه آزارم می‌داد و به خاطر فحاشی و کتک‌ها و تهدیدهایش اینقدر استرس داشتم که هرگز بچه‌دار نشدم.او گاهی تا سرحد مرگ کتکم می‌زد و اجازه نمی‌داد خانواده‌ام را ببینم و در خانه حبسم می‌کرد.سه سال قبل جدا شدم.

» شغل او چه بود؟

کار خلاف زیاد می‌کرد.سابقه حمل مواد مخدر و حمل سلاح داشت. اخیرا هم به خاطر ضرب و جرح پسرعمویش برسر اختلاف ملکی، پرونده شرارت دارد. پسرعمویش به کما رفته بود! اما با ماشین هم کار می‌کرد.ما ساکن تهران شده بودیم و او مسافرکشی می‌کرد.

» سابقه سرقت از خانم‌ها را داشت؟

یک بار یک کیف زنانه خانه آورد و گفت یک خانم به او داده اما مدتی بعد صاحب کیف از او شکایت کرد.نمی‌دانم با زن چه کار کرده بود که کیفش را داخل ماشین گذاشته و پا به فرار گذاشته بود. ما در اردبیل بودیم که بهمن به خاطر شکایت آن زن دستگیر شد.بعد ما مبلغی پول به آن خانم دادیم تا رضایت داد.الان هم در آخرین حکم دادگاه به دلیل یکی از اتهاماتش تبعید شده بود اما از محل تبعیدش فرار کرده بود.

» چرا به خرم‌آباد مهاجرت کردی؟

به خاطر آزار و تهدیدهای شوهر سابقم! او از خانه پدرم دزدی کرده بود و چهار صبح برای‌مان آزار و اذیت ایجاد و تهدیدمان می‌کرد.

» آگهی گم شدن الهه را دیده بودی؟

بله! خیلی در فکرش بودم.چند روزی بود در فضای مجازی خبرهایش را دنبال می‌کردم. تا اینکه فهمیدم جسدش پیدا شده و کنجکاو شدم بفهمم قاتل او کیست که فهمیدم شوهر سابق خودم او را کشته است!

» به عنوان کسی که با بهمن ۱۲ سال زندگی مشترک داشتی، حاضری از اولیای دم برای او طلب رضایت کنی؟

نه! دلم می‌خواهد قصاص شود!

جدول و سرگرمی

طراح: حمیدرضا محمدرضایی

پاسخ‌های شماره قبل

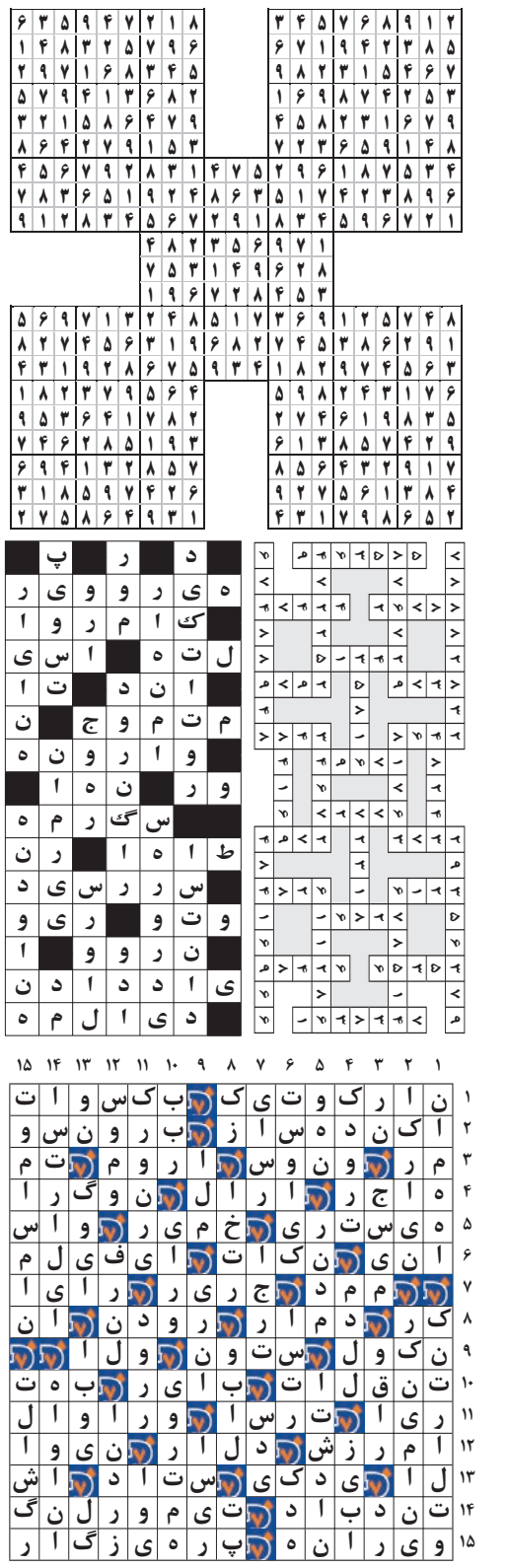

عددیابی

توضیح
اعدادی که بر اساس تعداد رقم دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای اعداد را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

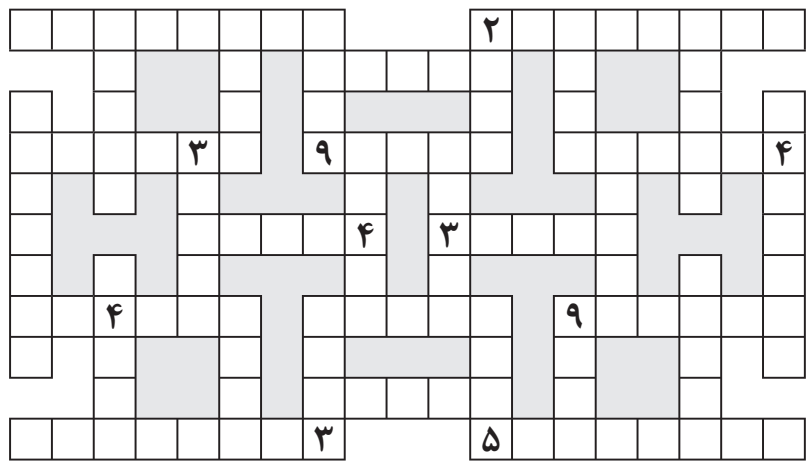

۴ رقمی:
۱۳۴۴
۲۲۶۷
۳۶۱۳
۵۲۴۵
۶۲۸۹
۸۳۸۲
۸۶۵۳
۹۶۵۲

۵ رقمی:
۱۶۴۱۷
۲۲۱۱۲
۲۴۷۷۶
۲۵۴۷۵
۳۶۷۸۸
۳۸۳۸۴
۴۸۳۸۳
۵۵۹۷۵
۵۷۲۸۴

۷۷۶۳۴
۸۵۶۳۵
۸۷۵۸۶
۹۲۸۴۷
۹۸۷۹۷

۶ رقمی:
۲۱۹۷۷۱
۵۳۴۶۸۳
۶۳۹۵۳۴
۹۷۸۷۶۱

۷ رقمی:
۷۱۴۶۴۱۹
۹۶۱۲۱۵۳

۸ رقمی:
۱۸۶۸۴۳۹۳
۲۲۸۷۲۵۹۷
۵۸۲۹۳۶۹۵
۹۱۹۱۴۱۳۶

سودوکو

- سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است
- در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.
- هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.
- برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.
- قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

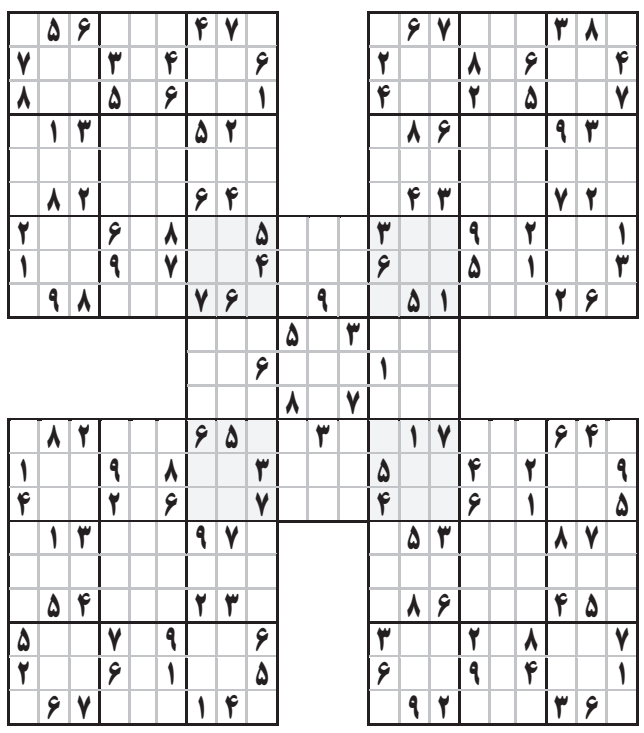

جدول شرح در متن

کلمات راهنما: کاریبو،داکرون، هیتال، لارناکا، گاستریت، فرانکلین،راتب

جدول کلمات متقاطع

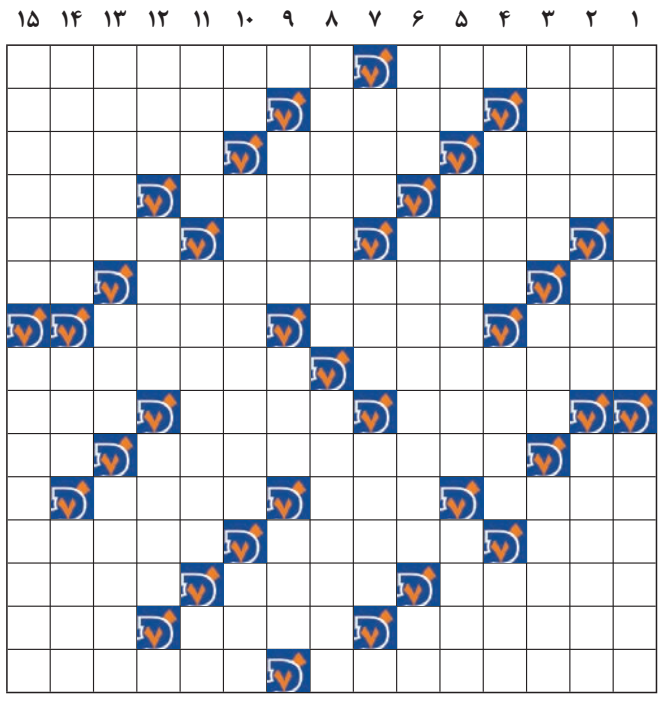

افقی

۱- باغ افلاطون- فیلمی از آدام شانکمن
۲- از بنشن ها- نرگس- از رنگ های هم خانواده زرد
۳- دریاچه ای در کانادا- نیرنگ و حقه- بندری در اوکراین
۴- شهری در اتیوپی- نوشتن- تاج در زبان عبری
۵- شخصیتی کارتونی- خودپسندی و غرور- دیگ دهان گشاد
۶- طاقچه قدیمی- مکتب و سبکی هنری- گذرگاه خون
۷- ارزش و ارج- استخوان لگن انسان- برای تحریک اشتها با غذا خورده میشود
۸- شعر معروفی از رهی معیری- از غذاهای شمالی
۹- تزریق ژل- خودرویی ایرانی- کامل و تمام
۱۰- چربی- کارگردان هالیوود- از غلات
۱۱- فدراسیون جهانی بوکس- مغازه کوچک- گاز آلی دوکربنی
۱۲- نژاد و تبار- درخت بید- وسیله نقلیه ویژه
۱۳- اثری از فرانسوا شاتوبریان- رهبر انقلاب ۱۹۱۷ روسیه- از ورزش ها
۱۴- حیله گر و حقه باز- پرخون- توانایی
۱۵- معادل فارسی فوتوریسم- رنده کردن

عمودی

۱- اثری از رویا خسرونجدی- کانالی بین دو اقیانوس آرام و اطلس
۲- نوعی ماهی- سربها- آزردگی روانی
۳- ثلاثه آن در مصر است- تابع- گیاه دارویی ضد تشنج دارای آتروپین
۴- گل عاشقان- اپرای جوزپه وردی ایتالیایی- ته‌نشین مایعات
۵- گداخته شدن- از بیماری‌های ارثی- از شهرهای استان کردستان
۶- خشک- از شاعران نوپرداز معاصر- نژادی از سگ
۷- ضربه ای در بوکس- سوره ۳۰ قرآن مجید- بی ریا و متحد
۸- صادق- طبقه بندی جانوران
۹- نوعی تلسکوپ فضایی- پارچه‌ای ابریشمین- نصف
۱۰- فرمان خودرو- کشور پادشاهی متحد- روشنایی
۱۱- نشانه های الهی- خالق دن کیشوت- واحد پول ژاپن
۱۲- رشد- پیاده روی- یک چهارم من
۱۳- سراینده بوی جوی مولیان- بخشی از اوستا- نقاره چی
۱۴- از خدایان سومری و بابلی- درخت کریسمس- ترکیب ید و عنصر دیگر در آن
۱۵- پاکیزه- لایه حساس فیلم عکاسی

ورزش‌های الکترونیک، قدرتی تازه در دنیای رقابت دیجیتال

تمرکز، تفکر، پیروزی

MOBA

- تحلیلی بر محبوبیت جهانی بازی‌های سبک MOBA، جایگاه آن در ورزش‌های الکترونیک و نقش استراتژی و همکاری در آن
- در این بازی‌ها، همکاری و استراتژی بیشتر از قدرت فردی اهمیت دارد
- قهرمان‌سازی در MOBA، نیازمند تمرین، شناخت شخصیت‌ها و هماهنگی با تیم است

ملک میر مهدی
هفت صبح

آیا تا به حال وسط میدان نبردی قرار گرفته‌اید که تصمیمات شما سرنوشت تیمی را عوض کند؟ دنیای بازی‌های MOBA جایی است که میلیون‌ها نفر، از سراسر جهان، هر روز به امید پیروزی و تجربه هیجان ناب، به آن قدم می‌گذارند. اینجا فقط قدرت اهمیت ندارد؛ هوش، همکاری و استراتژی حرف اول را می‌زنند. همراه ما باشید تا با شش نمونه از برترین‌های این ژانر پرشور آشنا شوید؛ بازی‌هایی که دیگر سرگرمی نیستند، یک سبک زندگی‌اند!

MOBA؛ ترکیبی از هیجان، فکر و نبرد تیمی

واژه MOBA مخفف Multiplayer Online Battle Arena است؛ یا به زبان ساده‌تر: میدان نبرد چندنفره آنلاین. اگر بخواهیم خیلی خلاصه و شفاف بگوییم، MOBA نوعی بازی ویدیویی تیمی است که در آن بازیکنان کنترل قهرمانانی با توانایی‌ها و قدرت‌های منحصربه‌فرد را در دست می‌گیرند. هر بازیکن یک نقش دارد و هر تصمیمش می‌تواند سرنوشت کل تیم را عوض کند.

اما راز جذابیت MOBA در کجاست؟

در این بازی‌ها، هیچ‌کس به تنهایی قهرمان نمی‌شود. موفقیت یا شکست، نتیجه مستقیم همکاری، هوشمندی و هماهنگی اعضای تیم است. اینجا جایی نیست که فقط تیراندازی سریع یا حرکات آکروباتیک پیروزت کند؛ باید فکر کنی، با یارانت مشورت کنی، زمان مناسب را پیدا کنی و حتی گاهی فداکاری کنی تا پیروزی از آن تیم تو شود.

نقشه‌ها اغلب سه مسیر اصلی (Lane) دارند و در هر طرف نقشه، پایگاه تیم‌ها قرار گرفته است. هدف اصلی، تخریب مقر تیم حریف است؛ اما مسیر رسیدن به این هدف، پر از پیچیدگی‌ها و جزئیات است. از انتخاب قهرمان مناسب گرفته تا هماهنگی در حمله و دفاع، گرفتن منابع، مدیریت زمان و حتی روانشناسی رقبا... همه و همه اهمیت دارد. شاید برای همین است که MOBA فقط یک بازی ساده نیست؛ بیشتر شبیه یک شطرنج مدرن است که در آن هر حرکت، می‌تواند آغازگر داستانی تازه و پرهیجان باشد.

محبوبیتی فراتر از مرزها

شاید ۱۰ سال پیش، کمتر کسی فکرش را می‌کرد که بازی‌هایی مثل Dota یا League of Legends، روزی به یکی از ستون‌های اصلی دنیای ورزش‌های الکترونیک تبدیل شوند اما امروز، مسابقات جهانی این بازی‌ها با میلیون‌ها تماشاگر زنده و آنلاین برگزار می‌شود. قهرمان‌های دنیای MOBA شهرتی جهانی پیدا کرده‌اند و حتی نقل قول‌های‌شان در شبکه‌های اجتماعی ترند می‌شود. بعضی بازیکنان حرفه‌ای این سبک، حالا خودشان برند و الگو برای نسل جدید گیمرها هستند. اما MOBA فقط برای حرفه‌ای‌ها نیست. این بازی‌ها همان‌قدر که برای رقابت‌های سطح بالا مناسب‌اند، برای تفریح دوستانه و تجربه گروهی هم فوق‌العاده‌اند. هر کس با هر سطح مهارت و هر سلیقه‌ای، می‌تواند در این میدان بزرگ جایی برای خودش پیدا کند.

DOTA 2

اسطوره‌ای که جهان را تکان داد

در دنیای بازی‌های رایانه‌ای، بعضی نام‌ها فقط یک بازی نیستند، یک فرهنگ‌اند؛ یک موج که سراسر جهان را با خود همراه می‌کند. **Dota ۲** یکی از آن نام‌هاست. اگر قرار باشد یک شاهکار در سبک MOBA را به جهان معرفی کنیم، بدون شک Dota ۲ یکی از اولین انتخاب‌هاست.

از یک ماد کوچک تا میدانی جهانی

داستان Dota ۲ از جایی شروع شد که شاید کمتر کسی انتظارش را داشت: یک ماد (Mod) ساده برای بازی Warcraft III. چند نفر عاشق بازی‌های استراتژی، دور هم جمع شدند و با خلاقیت و عشق به بازی، ماد معروف «Defense of the Ancients» یا همان Dota را ساختند. همین ماد کوچک، بعدها به بستری برای ظهور یکی از بزرگ‌ترین و تاثیرگذارترین بازی‌های تاریخ بدل شد.

در سال ۲۰۱۳، شرکت Valve تصمیم گرفت این جواهر را به شکل یک بازی مستقل بازسازی کند و نتیجه، Dota ۲ بود. خیلی زود Dota ۲ به یک پدیده جهانی بدل شد و میلیون‌ها بازیکن در سراسر دنیا را مجذوب خود کرد.

جادوی گیم‌پلی و استراتژی بی‌پایان

در قلب Dota ۲، همان روح نبرد تیمی و استراتژی عمیق موج می‌زند. هر بازی، یک ماجراجویی جدید است. بازیکنان میان بیش از ۱۰۰ قهرمان با توانایی‌های منحصربه‌فرد یکی را انتخاب می‌کنند و با تیم خود به دل نبردی می‌روند که هیچ‌وقت دو بار شبیه هم نیست. قوانین ساده‌اند: دو تیم پنج نفره، سه مسیر اصلی (Lane)، نقشه‌ای پر از رمز و راز و هدف نهایی، نابودی پایگاه حریف اما ساده بودن ظاهر قضیه، فریبنده است؛ Dota ۲ یک بازی آسان برای یادگیری اما فوق‌العاده دشوار برای استادی است.

در Dota ۲، هیچ استراتژی برنده همیشگی وجود ندارد. همه چیز به هماهنگی تیم، خلاقیت بازیکنان و واکنش به تصمیمات لحظه‌ای حریف بستگی دارد. کوچک‌ترین اشتباه می‌تواند جریان بازی را زیر و رو کند. از نبردهای تیمی چشمگیر گرفته تا مبارزه برای گرفتن آخرین ضربه (Last Hit) روی مینیون‌ها، همه چیز نیاز به تمرکز، سرعت عمل و درک عمیق از بازی دارد.

مسابقات جهانی و میلیون‌ها چشم مشتاق

یکی از عواملی که Dota ۲ را به سطحی فراتر از یک بازی عادی رسانده، مسابقات جهانی معروف آن با نام **The International** است. هر ساله، بهترین تیم‌های دنیا در این رقابت شرکت می‌کنند و جایزه‌ها بعضی سال‌ها حتی از ده‌ها میلیون دلار فراتر می‌رود. تصور کنید صدها هزار تماشاگر زنده، میلیون‌ها نفر پای پخش اینترنتی و نبردی که سرنوشتش تا آخرین لحظه غیرقابل پیش‌بینی است؛ این فقط یک بازی نیست، یک جشنواره هیجان و رقابت جهانی است.

فراتر از یک بازی؛ یک جامعه زنده

Dota ۲ فقط برای حرفه‌ای‌ها نیست. هزاران نفر، فقط برای تفریح و دوستی، عصرها و شب‌ها پای این بازی جمع می‌شوند. انجمن Dota ۲ یکی از فعال‌ترین جوامع اینترنتی است؛ از بحث‌های فنی و آموزش گرفته تا ساختن محتوای خلاقانه، طرفداران این بازی مرز خلاقیت را بارها جابه‌جا کرده‌اند.

LEAGUE OF LEGENDS

پادشاه میدان‌های نبرد

اگر قرار باشد برای MOBA یک نماد جهانی انتخاب کنیم، بی‌تردید League of Legends (یا به اختصار LoL) در میان گزینه‌ها می‌درخشد. LoL علاوه بر اینکه یکی از محبوب‌ترین بازی‌های تاریخ است همچنین موجی عظیم در دنیای ورزش‌های الکترونیک به راه انداخت و میلیون‌ها گیمر را به خود جذب کرد.

تولد یک افسانه

در سال ۲۰۰۹، شرکت Riot Games بازی‌ای روانه بازار کرد که خیلی‌ها در ابتدا به آن امید چندانی نداشتند. اما خیلی زود، League of Legends به یک پدیده اجتماعی بدل شد. محیط کاربرپسند، گرافیک جذاب، شخصیت‌پردازی عالی قهرمان‌ها و گیم‌پلی پویا، این بازی را به سرعت به صدر جدول محبوب‌ترین بازی‌ها رساند.

نبردها، قهرمانان و داستان‌های بی‌پایان

در LoL، بازیکنان در قالب دو تیم پنج نفره وارد میدان می‌شوند. هر بازیکن یک Champion با قابلیت‌ها و شخصیت منحصربه‌فرد انتخاب می‌کند. اما چیزی که LoL را از دیگر بازی‌ها متمایز می‌کند، توجه وسواس‌گونه سازندگان به طراحی شخصیت‌ها و دنیای بازی است. هر Champion داستان خاص خودش را دارد؛ از قهرمانان شجاع تا شخصیت‌های مرموز و حتی شرور. Riot Games به‌گونه‌ای دنیای Runeterra را ساخته که مخاطب احساس می‌کند بخشی از یک افسانه بزرگ‌تر است.

ورزش الکترونیک؛ میدان شهرت و افتخار

League of Legends یکی از اصلی‌ترین موتورهای رشد ورزش‌های الکترونیک در دنیا بود. مسابقات قهرمانی جهان (Worlds) هر سال با جایزه‌های میلیونی و میلیون‌ها بیننده برگزار می‌شود. صحنه‌های پرهیجان، هواداران پرشور و لحظاتی که در حافظه هر گیمری حک می‌شود، از ویژگی‌های لیگ جهانی LoL است. امروزه بسیاری از بازیکنان حرفه‌ای این بازی، به چهره‌های مشهور در شبکه‌های اجتماعی تبدیل شده‌اند و حتی بعضی تیم‌ها، طرفدارانی هم‌تراز باشگاه‌های فوتبال بزرگ دنیا دارند.

بازی برای همه

یکی از نقاط قوت League of Legends، دسترسی آسان و امکان بازی برای همه است. Riot Games با به‌روزرسانی‌های مداوم، اضافه کردن قهرمان‌های جدید و توجه به نیازهای بازیکنان، کاری کرده که LoL همیشه تازه و جذاب بماند. مهم نیست تازه‌کار هستید یا حرفه‌ای، در این میدان نبرد همیشه جایی برای یاد گرفتن و پیشرفت هست.

MOBILE LEGENDS BANG BANG

میدان نبرد در جیب شما

دنیای MOBA با سرعت پیشرفت تکنولوژی، خودش را با همه پلتفرم‌ها هماهنگ کرده است. یکی از نمونه‌های بارز، بازی محبوب **Mobile Legends: Bang Bang** است؛ یک تجربه MOBA تمام‌عیار، این بار روی صفحه‌نمایش کوچک تلفن همراه شما.

آغاز یک انقلاب موبایلی

Mobile Legends: Bang Bang، یا به اختصار MLBB، توسط شرکت Moonton در سال ۲۰۱۶ منتشر شد و به سرعت به یکی از پرطرفدارترین بازی‌های موبایلی جهان بدل شد. دلیل موفقیت ساده بود: لذت MOBA، بدون نیاز به سیستم‌های قدرتمند یا اینترنت فوق‌سریع؛ کافی است یک گوشی هوشمند داشته باشید و ماجراجویی را آغاز کنید.

گیم‌پلی سریع، هیجان بی‌وقفه

قواعد بازی شبیه نمونه‌های بزرگ رایانه‌ای است: دو تیم پنج نفره، نقشه‌ای با سه مسیر اصلی، قهرمانان با قابلیت‌های منحصر به فرد و هدف نهایی، نابودی پایگاه تیم حریف. اما MLBB طوری طراحی شده که هر مسابقه نهایتا ۱۵-۲۰ دقیقه طول می‌کشد؛ مناسب برای زندگی پرسرعت امروز.

بازیکنان می‌توانند از میان ده‌ها قهرمان با سبک‌ها و مهارت‌های مختلف، انتخاب کنند و با ترکیب مناسب تیمی، شانس برد خود را بالا ببرند. بازی دارای سیستم رتبه‌بندی، جوایز متنوع و جامعه‌ای فعال و پرشور است.

صحنه‌های جهانی؛ از جیب تا قهرمانی

Mobile Legends، خیلی زود از یک بازی موبایلی ساده فراتر رفت. امروزه مسابقات بین‌المللی این بازی با میلیون‌ها جایزه و بیننده برگزار می‌شود. تیم‌هایی از کشورهای مختلف آسیا، اروپا و حتی خاورمیانه، در این رقابت‌ها شرکت می‌کنند و Mobile Legends حالا به یک قطب جدی در دنیای ورزش‌های الکترونیک موبایلی بدل شده است.

سادگی در عین عمق

یکی از نکات جذاب MLBB، سادگی یادگیری و عمق استراتژیک آن است. چه برای تفریح کوتاه، چه برای رقابت جدی، این بازی می‌تواند ساعت‌ها شما را سرگرم کند؛ آن هم فقط با یک گوشی و اتصال اینترنت!

ARENA OF VALOR

شکوه شرق، هیجان جهانی

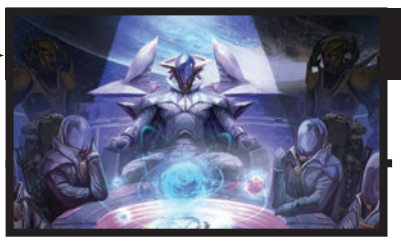

در جهانی که هر روز بیش از پیش به سمت موبایل حرکت می‌کند، Arena of Valor یا به اختصار AoV نمونه‌ای عالی از تطبیق سبک MOBA با سلیقه‌های متنوع جهانی است؛ مخصوصا در آسیا که محبوبیت این بازی سر به فلک کشیده است.

تولدی دوباره از قلب آسیا

Arena of Valor توسط شرکت Tencent Games و استودیوی TiMi Studios ساخته شد و ابتدا با نام Honor of Kings در چین عرضه شد. استقبال بی‌نظیر کاربران چینی باعث شد سازندگان نسخه جهانی آن را با نام Arena of Valor منتشر کنند. نتیجه، موجی از علاقه در کشورهای آسیایی و حتی اروپا و آمریکا بود.

تجربه MOBA در قالبی نو

در AoV، همه عناصر کلیدی MOBA حفظ شده است: قهرمانان با توانایی‌های متنوع، نقشه سه لاینه، نبردهای تیمی و هدف نهایی تخریب پایگاه حریف اما آنچه Arena of Valor را متمایز می‌کند، طراحی بصری چشمگیر، صداگذاری حرفه‌ای و داستان‌سرایی جذاب هر قهرمان است. گیم‌پلی سریع و مسابقات ۱۵ دقیقه‌ای، این بازی را برای کاربران موبایل ایده‌آل می‌کند.

ورزش الکترونیک، این بار به سبک شرقی

Arena of Valor خیلی زود به صحنه رقابت‌های جهانی راه یافت. مسابقات بزرگ با جایزه‌های هنگفت، تیم‌های حرفه‌ای و پشتیبانی جدی رسانه‌ها، AoV را به یکی از ارکان ورزش الکترونیک مخصوصا در شرق آسیا تبدیل کرده است.

SMITE

نبرد خدایان از نمای سوم‌شخص

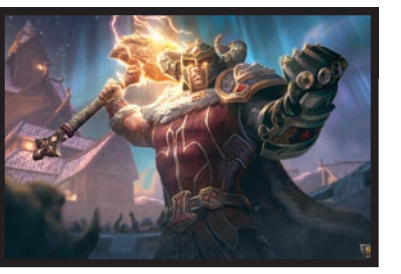

تا اینجا بیشتر بازی‌های MOBA از نمای بالا (Top-Down) بودند. اما اگر دنبال تجربه‌ای متفاوت و هیجان‌انگیز هستید، **Smite** دقیقا همان چیزی است که دنبالش می‌گردید؛ یک MOBA که دنیای اسطوره‌ها را با زاویه دید سوم‌شخص و اکشنی نفس‌گیر ترکیب کرده است.

MOBA با چاشنی اسطوره و اکشن

Smite توسط Hi-Rez Studios ساخته شده و اولین بار در سال ۲۰۱۴ عرضه شد. این بازی، بازیکنان را به دنیای خدایان، اسطوره‌ها و قهرمانان افسانه‌ای از فرهنگ‌های مختلف می‌برد؛ از زئوس یونانی تا ثور نورسی، از هوروس مصری تا شیوا هندی.

آنچه Smite را منحصربه‌فرد می‌کند، زاویه دید سوم‌شخص (Third-Person) است. برخلاف دیگر MOBAها، شما درست پشت سر قهرمان‌تان بازی می‌کنید؛ گویی در وسط میدان نبرد هستید و هر ضربه، پرتاب و جادویی را از نزدیک لمس می‌کنید.

نبردی متفاوت، تاکتیکی عمیق

در Smite، مثل همیشه دو تیم پنج نفره مقابل هم قرار می‌گیرند اما مکانیک‌های حرکتی، دقت هدف‌گیری و واکنش‌های لحظه‌ای، بسیار متفاوت است و بازی بیشتر به یک اکشن تاکتیکی شباهت دارد. هر خدا یا اسطوره، مهارت‌های منحصربه‌فردی دارد و ترکیب تیم‌ها نقش مهمی در پیروزی ایفا می‌کند.

HEROES OF THE STORM

جشن قهرمانان بلیزارد

تصور کنید شخصیت‌های محبوب دنیای بازی‌های Blizzard - از وارکرفت و دیابلو تا استارکرفت و اورواچ - همه در یک میدان نبرد گرد هم بیایند. این ایده جذاب، پایه‌گذار **Heroes of the Storm** شد؛ یک MOBA منحصربه‌فرد و متفاوت که روح بلیزارد را به دنیای میدان‌های نبرد چندنفره آورد.

همه قهرمانان زیر یک سقف

در این بازی، بازیکنان می‌توانند کنترل قهرمانان معروف دنیای بلیزارد را به دست بگیرند؛ از Thrall و Kerrigan تا Tracer و Diablo. همین موضوع باعث شد هواداران این بازی‌ها، با شور و شوق بیشتری سراغ تجربه یک MOBA متفاوت بروند.

گیم‌پلی تیمی و نوآوری

Heroes of the Storm تفاوت‌هایی کلیدی با دیگر MOBAها دارد. تمرکز بازی بیشتر روی کار تیمی است تا رقابت فردی. برخلاف دیگر بازی‌ها که هر بازیکن جداگانه سطح (Level) می‌گیرد، در اینجا کل تیم با هم ارتقا پیدا می‌کند. ماموریت‌های جانبی، نقشه‌های متنوع و رویدادهای خاص باعث شده هر مسابقه متفاوت و تازه باشد.

درباره خزانه جواهرات ملی که جنگ، صلح و سیاست ایران را روایت می کنند

اسرار گنج زیرزمینی

- اغلب جواهرات این خزانه قابل قیمت گذاری نیستند و به‌عنوان پشتوانه پول ملی ایران شناخته می‌شوند
- از شاخص‌ترین آثار خزانه جواهرات ملی ایران می‌توان به الماس دریای نور، جقه نادری، تاج پهلوی، تاج کیانی، کره جواهرنشان، تخت طاووس و تخت نادری اشاره کرد

مرضیه موسوی
هفت صبح

بالاخره و پس از پنج سال درهای عجیب‌ترین و گران‌ترین گنجینه ایران به روی دوستداران طلا و جواهر باز شد. خزانه جواهرات ملی ایران، از اسفند ۱۳۹۸و همزمان با شیوع ویروس کرونا تعطیل شد و این دوری تا شنبه هفته گذشته طول کشید. آنهایی که گذرشان به این موزه افتاده باشد می‌دانند که رفتن به موزه جواهرات ملی ایران هیچ‌گاه مخاطبان خود را خسته نمی کند. در این موزه که در خیابان فردوسی و مقابل سفارت ترکیه قرار دارد جذابیت های چشم نواز زیبایی منتظر ورود شما هستند. مجموعه ای از جواهرات ملی که از دوره صفوی تا دوره پهلوی جمع آوری شده اند در این مجموعه نگهداری می شوند و در معرض بازدید قرار دارند. الماس دریای نور که بزرگترین و زیباترین الماس ایران است یکی از این دیدنی‌هاست. در گنجینه جواهرات ملی مجموعه‌ای از فلزها و سنگ‌های گران‌قیمت که به شکل زیبایی تزئین شده‌اند به چشم می‌خورد. اهمیت جواهرات موجود در موزه جواهرات ملی به ارزش اقتصادی آن محدود نمی‌شود. بلکه، نمایانگر ذوق و سلیقه صنعتگران و هنرمندان ایران در دوره‌های مختلف تاریخ است.

تاریخچه جمع‌آوری و نگهداری جواهرات در موزه جواهرات ملی ایران، از دوره حکومت صفویه شروع می‌شود. تا پیش از صفویه، جواهرات گران‌بهایی در خزانه دولتی وجود نداشته و پادشاهان صفوی بیش از دو قرن به جمع آوری جواهرات پرداختند. حتی کارشناسان دولت صفوی، جواهرات را از بازارهای هند و عثمانی و کشورهایی مثل فرانسه و ایتالیا خریداری می‌کردند و به اصفهان، پایتخت حکومت، می‌آوردند. نادرشاه افشار برای بازگرداندن جواهرات ایران که دولت هند در یکی از حمله‌ها از کشور غنیمت گرفته بود، به هند لشکرکشی کرد و توانست مقدار زیادی از این جواهرات را به ایران برگرداند.

چه ساعتی موزه برویم؟

بازدید از خزانه جواهرات ملی از روز شنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۴ برای عموم امکان‌پذیر شده است. علاقه‌مندان می‌توانند در روزهای شنبه تا سه‌شنبه هر هفته (به‌استثنای روزهای تعطیل) از ساعت ۱۰ تا ۱۲ از این مجموعه بازدید کنند. فروش بلیت در روزهای بازدید به صورت حضوری تا ساعت ۱۱:۳۰ ادامه دارد.

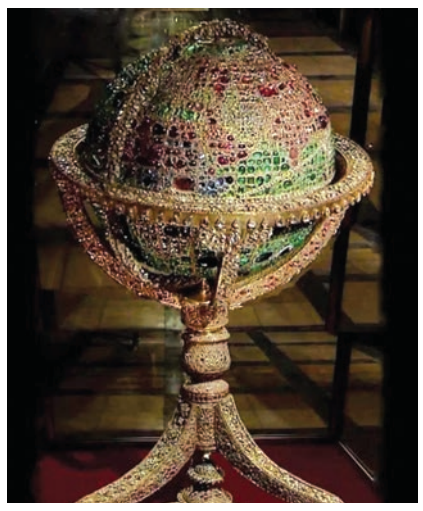

کره جواهرنشان

اغلب جواهراتی که در این موزه به چشم می‌خورند، سنگ‌های قیمتی‌ای بودند که وسایل تزئینی چندانی با آن‌ها ساخته نشده بود. این سنگ‌ها به دستور شاهان قاجار و پهلوی برای نگهداری بهتر به اشیایی کاربردی‌تر تبدیل شدند؛ از تاج و عصا گرفته تا زیورآلاتی مثل گردنبند و ... یکی از این آثار، کره جواهرنشان است. روی این کره که پایه‌ای از طلا دارد، بیش از ۵۱ هزار قطعه جواهر سوار شده است. اقیانوس‌ها و دریاهای زمردنشان و آسیا مرصع به یاقوت و لعل، ایران مرصع به الماس، اروپا مرصع به یاقوت، آفریقا مرصع به یاقوت سرخ و کبود و آمریکای شمالی و جنوبی و استرالیا مرصع به یاقوت و لعل است و خط استوا توسط الماس نشان داده شده و دو حلقه زرین ساده که در روی آنها گل‌های الماس نشان نصب شده، به‌طور متقاطع کره را در میان گرفته است.

تخت طاووس

تخت‌طاووس که به دستور فتحعلی شاه قاجار ساخته شد، تختی مجلل ساخته شده از طلاها و جواهرات قیمتی است. البته این تخت به تخت خورشید هم معروف است و علت آن هم تصویر خورشیدی است که در بالای این تخت قرار دارد. این تخت تا سال ۱۳۶۰ در کاخ گلستان بود ولی از آن سال به بعد به خزانه جواهرات بانک ملی منتقل شد.

چشمه‌ای از این دریا

تاج فتحعلی شاه، معروف به تاج کیانی، از دیگر اشیاء ارزشمند این موزه است. این تاج آراسته به الماس، زمرد، یاقوت و مروارید است و اولین تاجی است که پس از دوران شاهنشاهی ساسانی به این صورت ساخته شده.
جقه نادری، آراسته به الماس و زمرد، لباسی است که در وسط آن یک زمرد درشت خوشرنگ نصب شده است. زیبایی‌ها و جزئیات به کار رفته در این بالاپوش خیره‌کننده است و مثل دیگر آثار موجود در گنجینه، با دقت بسیار دوخته و تزئین شده است. در گوشه و کنار این گنجینه می‌توان جواهرات مختلفی را دید که روی اشیایی مثل ظروف و کوزه‌های قلیان و عصاهای پادشاهان و ... جا گرفته‌اند. بخشی از این جواهرات هم در دوره پهلوی روی پایه‌هایی از طلا جا گرفته‌اند. مثل تاج فرح پهلوی که مخصوص او ساخته شد و جواهرات آن در دوره قاجار خریداری و به کشور وارد شده بود. اغلب این جواهرات به دلیل زیبایی در پرداخت و کیفیت سنگ‌ها و آلیاژها و همچنین ارزش تاریخی‌ای که دارند، قابل قیمت گذاری نیستند و پشتوانه پول کشور به شمار می‌روند.

سایه سنگین معادن و بی‌توجهی مسئولان بر سر «تیمره»

سنگ‌نگاره‌های هزار ساله را دریابید

تیمره با بیش از ۳۰۰ هزار سنگ‌نگاره، بزرگ‌ترین گنجینه هنر باستانی ایران است

گروه اجتماعی| در دل کوه‌های خاموش و صخره‌های سخت تیمره، هزاران نقش و نگار حک شده بر سنگ‌ها، روایتگر تاریخ و فرهنگ مردمانی هستند که هزاران سال پیش در این سرزمین زیسته‌اند. این سنگ‌نگاره‌ها که برخی قدمتی بیش از ۹ هزار سال دارند، نه تنها گنجینه‌ای ارزشمند از هنر و اندیشه‌های انسان‌های نخستین محسوب می‌شوند، بلکه سندی زنده از تاریخ و تحولات اجتماعی و فرهنگی ایران به شمار می‌روند. با این حال، این میراث بی‌نظیر در سایه بی‌توجهی و فعالیت‌های مخرب انسانی از جمله استخراج معادن، در معرض نابودی قرار گرفته است. اخیرا مدیرعامل انجمن دوستداران تیمره با اشاره به اینکه این منطقه باستانی که نظیرش در دنیا وجود ندارد، رها شده، تاکید کرده مسئولان هیچ کمکی برای نگهداری از سنگ‌نگاره‌های آن نمی‌کنند.

فقط می‌گویند بودجه نداریم

تیمره، منطقه‌ای در حد فاصل گلپایگان و خمین، با مساحتی بالغ بر ۴۰۰ کیلومتر مربع، میزبان بیش از ۳۰۰ هزار تخته سنگ حکاکی شده است. این سنگ‌نگاره‌ها شامل تصاویری از حیوانات، انسان‌ها، نمادهای آیینی و صحنه‌های شکار هستند که بازتابی از زندگی و باورهای مردمان باستانی این منطقه‌اند.
با وجود اهمیت تاریخی و فرهنگی این آثار، تیمره در سال‌های اخیر به جای تبدیل شدن به یک مرکز گردشگری، به محل فعالیت معادن سیلیس بدل شده است. استخراج بی‌رویه این معادن، تخریب گسترده‌ای را در منطقه به دنبال داشته و بسیاری از سنگ‌نگاره‌ها را نابود کرده است. علاوه بر فعالیت‌های معدنی، نبود نظارت کافی، عدم ثبت جهانی این آثار و بی‌توجهی مسئولان میراث فرهنگی، از دیگر عواملی هستند که بقای این میراث ارزشمند را تهدید می‌کنند.
رسول مجیدی، فعال حوزه میراث فرهنگی و گردشگری معتقد است معادن تهدیدی جدی برای سنگ‌نگاره‌های تیمره هستند: سنگ‌نگاره‌های تیمره صد هزار گونه سنگی دارد که نظیرش در جهان نیست. ۱۶سال است خودم یکی یکی آنها را ثبت می‌کنم؛ بیشترین مجموعه سنگ‌نگاره‌های تیمره در گلپایگان است، در این منطقه وقتی از ماشین که پیاده می‌شوید، سنگ‌نگاره است اما هیچ توجهی از سوی مسئولان میراث فرهنگی استان اصفهان به این خطه بی‌نظیر نمی‌شود.
او توضیح می‌دهد: سال پیش با هزینه شخصی نقشه‌برداری کردم و از پژوهشکده پیگیری کردیم تا آثار سنگ‌نگاره‌های تیمره را ثبت کنیم ولی از میراث فرهنگی اصفهان هیچ کاری حرکتی ندیدیم. فقط می‌گویند بودجه نداریم.
مجیدی ادامه داد: دو سال است که با مدیرکل و معاون سرمایه‌گذاری اداره کل میراث فرهنگی اصفهان نامه‌نگاری کردیم و درخواست پایگاه ملی برای تیمره دادیم. گفتند زمین نداریم؛ خودم ۴۰۰ متر زمین از بنیاد مسکن گرفتم که پایگاه بزنند بعد گفتند بودجه ساخت نداریم.

گفتیم از خیران کمک می‌گیریم، شما فقط مجوز بدهید و جالب این است زمانی که به وزارتخانه میراث فرهنگی برای پیگیری رفتیم از اصفهان هیچ حرکتی برای پایگاه ملی تیمره نشده بود؛ اصفهان فقط به شهر خودش اهمیت می‌دهد، شهرستان‌ها رها شده‌اند.

پایگاه حفاظت؛ اولین گام برای تیمره

عضو شورای بین‌المللی بناها و محوطه‌های تاریخی (ایکوموس) هم اخیرا با تأکید بر اینکه تیمره ظرفیت ثبت جهانی دارد، زیرا هم دست نخورده است و هم مشکل تملک ندارد، این سوال را مطرح کرده بود که چرا از این فرصت استفاده نکنیم؟ نکته جالب سنگ‌نگاره‌های تیمره این است که مانند بسیاری از آثار تاریخی به‌دستور یا با اشاره حکام محلی ساخته یا حجاری نشده و آثاری است که مردم عادی ایجاد کرده‌اند و به خاطر همین از زندگی مردم عادی در دوره‌های مختلف اطلاعات جالبی به ما می‌دهد. «علی عصار» با بیان اینکه در منطقه تیمره سنگ‌نگاره‌هایی مربوط به هفت هزار سال پیش تا دوره اسلامی وجود دارد، گفته: این سنگ‌نگاره‌ها در یک پهنه ۴۰ کیلومتری قرار دارند و نکات جالبی در آن‌ها وجود دارد که منحصربه‌فردشان می‌کند.
او با تاکید بر اینکه ما وارث هفت هزار سال مدنیت هستیم یادآور شده: ما مسئول حفظ این تمدنی که به ما رسیده هستیم و فکر می‌کنم در حسن نیت وزارت نیرو که سد را تأسیس کرد یا آن‌هایی که پروژه معدن را پیش می‌برند، شکی نیست، اما گاهی موضوع بر سر ندانستن و نبودن آگاهی و همچنین حریم ثبتی است. وقتی حریم ثبتی نداشته باشیم و نقشه‌برداری دقیقی از آثار تاریخی صورت نگرفته باشد، پیوست باستان‌شناسی پروژه‌های عمرانی بر چه اساسی باید تدوین شود؟
به گفته او، مرحله اول برای حفاظت از منطقه باید ایجاد پایگاه باشد: این پایگاه در مرحله اول باید نقشه‌برداری دقیقی انجام دهد، تحدید حریم کند تا پروژه‌هایی که در حال اجرا هستند یا در آینده اجرا خواهند شد، بدانند در چه محدوده‌ای و در حریم چه آثاری هستند. در واقع ما در گام اول باید محافظت از منطقه را با یک پیوست باستان‌شناسی انجام دهیم.

میراثی ارزشمند از تاریخ و فرهنگ ایران

سنگ‌نگاره‌های تیمره، میراثی ارزشمند از تاریخ و فرهنگ ایران، در معرض خطر نابودی قرار دارند. بی‌توجهی مسئولان، فعالیت‌های معدنی و نبود برنامه‌های حفاظتی، این آثار را به مرز نابودی کشانده است. با این حال، تلاش‌های مردمی نشان می‌دهد که هنوز امیدی برای حفظ این میراث وجود دارد. اگر اقدامات لازم برای حفاظت از تیمره صورت نگیرد، این منطقه، که روزگاری پایتخت سنگ‌نگاره‌های ایران بود، به زودی به خاطره‌ای محو شده در تاریخ تبدیل خواهد شد.

جنجالی روز

خشکاندن عمدی باغ‌های بم برای تغییر کاربری آینده ثبت جهانی این باغ‌شهر تاریخی را با تهدید جدی مواجه کرده است

سودجویان، سایه از بم ربوده‌اند

۶۰۰ هکتار از باغ‌های ثبت جهانی بم در سال‌های اخیر نابود شده‌اند

ارگ بم و منظر فرهنگی آن در ۱۷ تیر سال ۸۲ و چند ماه قبل از وقوع زلزله در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید و آنطور که گفته می‌شود، سه هزار و ۲۰۰ هکتار از باغ‌های شهر بم و بروات ثبت جهانی شده‌اند یا در زمان ثبت جهانی و منظر این شهر، این میزان وسعت داشته‌اند که سال‌های گذشته حدود ۶۰۰ هکتار آنها از بین رفته‌اند.

لزوم ارزیابی هوایی از باغ‌شهر جهانی بم

حالا مدیر مرکز بم‌شناسی، زیرمجموعه بنیاد ایران‌شناسی، با اشاره به ضرورت‌ها و اهمیت ثبت جهانی، همچنین آمارهای اعلام شده خشکیدگی باغات خرما در این شهرستان تاکید کرد: برخی افراد سودجو راهی که برای تغییر کاربری باغات در بم پیدا کردند، خشک کردن درخت‌هاست و نخل‌ها را خشک می‌کنند تا با تغییر کاربری به مسکونی تبدیل شود. آرش شکیبایی‌مجد با اشاره به لزوم پایش مستمر باغ‌شهر جهانی بم به ایرنا گفت: در شهر کرمان و پیکر شهرها، شهرداری با استفاده از نقشه هوایی و سامانه ویژه از باغات دارد که هر چند وقت یک بار ارزیابی می‌کنند، تا اگر کسی درخت‌ها را قطع کرده یا تغییر کاربری داده باشد، طبق قانون جریمه سنگین اعمال و این کار باید در بم هم انجام شود.

خطر خارج شدن بم از ثبت جهانی در آینده

مدیر مرکز بم‌شناسی اظهار داشت: بم باغ‌شهر و ثبت جهانی شده و بحث آن از جاهای دیگر جداست، اگر این موضوع پیگیری نشود ممکن است در آینده منظر فرهنگی بم از ثبت جهانی خارج شود، لذا باید مراقبت‌ها و پیشگیری را شدت بخشید.

راهکارهای مبارزه با خشکاندن عمدی باغات بم

وی با اشاره به راهکارها برای جلوگیری از خشکاندن و تخریب باغات بم افزود: اسکن هوایی باغات، ارزیابی و اعمال جریمه سنگین بیش از ارزش ملک مسکونی، اعمال گشت‌های منابع طبیعی و جهاد کشاورزی و خودداری از صدور مجوز برای چنین درخواست‌هایی از راهکارهای جلوگیری از اقدامات غیر قانونی است. شکیبایی مجد خاطرنشان کرد: در سال‌های گذشته نیز مسئولان وقت بم نسبت به خشکیدگی باغات تذکر داده‌اند اما جدی گرفته نشده و لازم است دستگاه‌های متولی و ناظر با این پدیده مخرب بیش از پیش مقابله کنند. مرکز بم‌شناسی زیر مجموعه مرکز کرمان‌شناسی و متعلق به بنیاد ایرانشناسی است که از سال ۱۴۰۳ فعالیت خود را آغاز کرده. ارگ بم با قدمت ۲ هزار و ۵۰۰ سال و به مساحت تقریبی ۲۰۰ هزار متر مربع در نزدیکی شهر بم و در جنوب شرقی ایران در حاشیه کویر لوت واقع شده که از آن به عنوان بزرگ‌ترین بنای خشتی جهان نام می‌برند و این بنای شگفت‌انگیز و ارزشمند تا حدود ۹۰ سال قبل دارای سکنه بوده است. بم در فاصله ۱۸۰ کیلومتری شرق مرکز استان کرمان قرار دارد و به جز ارگ تاریخی بم میزبان سه اثر جهانی دیگر شامل قنات‌های قاسم‌آباد و اکبرآباد و بخشی از بیابان لوت است. خانه تاریخی عامری‌ها، کارخانه حناسابی، روستای ییلاقی دِهبَکری، قلعه برج معاذ، قیصریه زردشتیان، پناهگاه حیات‌وحش زریاب و غیره از جمله مهمترین جاذبه‌های تاریخی و گردشگری بم محسوب می‌شود.

ذره بین

خطر بیخ گوش عتیق؟

میراث فرهنگی پیگیر پرونده عبور مترو از حریم مسجد عتیق اصفهان است

مسجد جامع اصفهان که در بافت تاریخی این شهر قرار دارد، یکی از کهن‌ترین و مهم‌ترین مساجد ایران است که سیر تحول معماری اسلامی را طی حدود ۱۳۰۰ سال به نمایش می‌گذارد. ساخت این مسجد به سال ۸۴۱ میلادی بازمی‌گردد و نخستین بنای اسلامی است که الگوی چهار ایوانی کاخ‌های ساسانی را وارد معماری مذهبی کرد. گنبدهای دوجداره آن نیز نوآوری مهمی در مهندسی معماری اسلامی هستند. این مسجد نمونه‌ای ارزشمند از ترکیب سبک‌های مختلف معماری اسلامی از دوره‌های عباسی، آل بویه، سلجوقی، ایلخانی، تیموری و صفوی است که با وجود مرمت‌های متعدد صورت گرفته بر بنا، اصالت آن در نوع مصالح به کار رفته، طراحی و کاربری مذهبی حفظ شده است.
علی دارابی، قائم مقام وزیر میراث فرهنگی، گردشگری، صنایع دستی و معاون میراث فرهنگی کشور در گفت‌وگو با ایلنا درباره وضعیت رسیدگی به پرونده عبور مترو از کنار مسجد جامع عتیق اصفهان که سال ۱۳۹۰ در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده است، اعلام کرد: موضوع عبور مترو اصفهان از کنار مسجد ثبت جهانی شده عتیق اصفهان در شورای تامین و وزارت میراث فرهنگی در حال بررسی و رسیدگی به آن در دستور کار است. هیأتی متشکل از کارشناسان میراث فرهنگی و متخصصین بافت‌های تاریخی به اصفهان اعزام شدند و با دکتر جمالی نژاد، استاندار اصفهان هم درباره این موضوع صحبت کرده‌ایم.
معاون میراث فرهنگی با تاکید بر این موضوع که رسیدگی به وضعیت مترو اصفهان و عبور آن از ۲۰ متری مسجد ثبت جهانی شده عتیق اصفهان در دستور کار وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی است تاکید کرد: وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در دو هفته آینده نظر نهایی خود درباره عبور مترو اصفهان از ۲۰ متری مسجد ثبت جهانی شده عتیق را به‌طور رسمی اعلام می‌کند. مسجد جامع اصفهان در سال ۱۳۱۰ به شماره ثبت ۹۵ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شد و در سال ۱۳۹۰ نیز در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت جهانی شد. پیش‌تر سید مهدی موسوی موحد، مدیر پایگاه میراث ملی و جهانی استان اصفهان گفته بود: خط مترو هنوز از کنار مسجد عبور نکرده و حدود ۲ کیلومتر با این میراث جهانی فاصله دارد. وزارت میراث فرهنگی نیز طی نامه‌ای در حال اطلاع‌رسانی به یونسکو در مورد عبور این خط از ۲۰ متری مسجد جامع اصفهان است تا اظهارنظر کارشناسان یونسکو در این زمینه ارسال شود.
موسوی موحد تاکید کرد: مکاتبات زیادی با شهرداری و قطار شهری اصفهان از طریق وزارت خانه و اداره کل میراث فرهنگی استان اصفهان صورت گرفته و در تمام این مکاتبات مخالفت میراث فرهنگی با این اقدام مطرح شده است.
مدیر پایگاه میراث ملی و جهانی اصفهان با تاکید بر این که خط مترو از حریم درجه یک مسجد عتیق اصفهان عبور می‌کند، افزود: پنج سال است جلسات متعدد برای تعیین تکلیف این پروژه حتی در این سطح که منجر به دلخوری بین ارگان‌های مرتبط شده و به مجامع مختلف و استانداری اصفهان هم کشید، برگزار شد. ولی در نهایت قرار شد وزارت میراث فرهنگی گزارشات مرتبط و مطالعات صورت گرفته را برای یونسکو ارسال و توضیح دهد که مترو به چه دلیل از ۲۰ متری مسجد عتیق اصفهان عبور می‌کند و بحث مطالعات علمی و مقاوم سازی و ارتعاشات و پیوست علمی طرح را نیز به آن‌ها ارایه کند و در نهایت یونسکو درباره این طرح تصمیم بگیرد. حالا علی دارابی، قائم مقام وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در پاسخ به این سوال که پاسخ وزارت میراث فرهنگی درباره عبور مترو از کنار مسجد ثبت جهانی شده اصفهان چه خواهد بود؟ افزود: براساس بحث‌های قبلی صورت گرفته همچنان بر حفظ حریم آثار تاریخی به‌ویژه آثار ثبت جهانی شده کشور تاکید داریم و معتقدیم باید حریم آثار ملی و جهانی رعایت شود.

خبرخوانی

۱.۰۵ میلیارد

آسوشیتدپرس: Circle در عرضه اولیه سهام خود، ۱.۰۵ میلیارد دلار سرمایه جذب کرد. این رویداد یکی از بزرگ‌ترین عرضه‌های عمومی در حوزه رمزارزها از سال ۲۰۲۱ تاکنون است.

۲۵ میلیارد

مارکت‌واچ: Circle از زمان راه‌اندازی USDC، بیش از ۲۵ میلیارد دلار درآمد از طریق بهره ذخایر کسب کرده است.

۲۵ تریلیون

مارکت‌واچ: USDC از زمان راه‌اندازی در سال ۲۰۱۸، بیش از ۲۵ تریلیون دلار تراکنش زنجیره‌ای را تسهیل کرده است که نشان‌دهنده نقش مهم آن در اقتصاد دیجیتال است.

۱۱.۵ میلیارد

بیت‌گت نیوز: از زمان انتخابات ایالات متحده، محصولات سرمایه‌گذاری بیت‌کوین مجموعاً ۱۱.۵ میلیارد دلار جذب کرده‌اند.

۳.۷ میلیارد

بیت‌گت نیوز: اتریوم برای هفتمین هفته متوالی با جذب سرمایه مواجه شد که مجموع جذب سرمایه در این دوره به ۳.۷ میلیارد دلار رسید.

۱۴.۵ میلیون

بیت‌گت نیوز: توکن XRP در هفته گذشته ۱۴.۵ میلیون دلار سرمایه جذب کرد.

۲۲۰ نفر

بیزینس‌اینسایدر: در مراسمی، ۲۲۰ نفر از دارندگان برتر توکن $Trump توسط دونالد ترامپ تقدیر شدند که نشان‌دهنده تعامل نزدیک سیاست و رمزارزها است.

۷۹۲ نفر

بیت‌گت نیوز: مقامات نیجریه در عملیات مبارزه با کلاهبرداری رمزارزی، ۷۹۲ نفر را دستگیر کردند، که شامل ۱۴۸ شهروند چینی و ۴۰ فیلیپینی می‌شود.

۲۵۰ بیت‌کوین

کوین‌رایز: شرکت Riot Blockchain در ماه مه ۲۵۰ بیت‌کوین استخراج کرد و با فروش آنها، سود خالص ۷.۵ میلیون دلار کسب کرد.

۵۰۰ میلیون

کوین‌رایز: inance Labs، بازوی سرمایه‌گذاری Binance، صندوقی ۵۰۰ میلیون دلاری برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های Web۳ راه‌اندازی کرد.

۱۰ درصد

کوین‌رایز: صرافی Gemini اعلام کرد که ۱۰ درصد از نیروی کار خود را کاهش می‌دهد که نشان‌دهنده چالش‌های جاری در صنعت رمزارزها است.

۹.۵ میلیون

کوین‌رایز: شرکت Merge ارائه‌دهنده زیرساخت‌های پرداخت Web۳، در دور سرمایه‌گذاری اولیه خود ۹.۵ میلیون دلار جذب کرد.

۴۴.۴ درصد

دیجیتال‌مارکت‌نیوز: تحلیل‌گران Derive احتمال رسیدن قیمت بیت‌کوین به ۱۲۵.۰۰۰ دلار تا پایان ژوئن را ۴۴.۴ درصد برآورد کردند.

۳۵ میلیون

کریپتوادونچر: بازی مبتنی بر تلگرام Notcoin با ۳۵ میلیون کاربر، پس از لیست شدن بیش از ۸۵ درصد از ارزش خود را از دست داد.

۳۵۳ میلیون

کوین‌پدیا: صندوق بازنشستگی معلمان ایالت کالیفرنیا با سرمایه‌گذاری ۳۵۳ میلیون دلاری در سهام MicroStrategy، به بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار نهادی این شرکت تبدیل شد.

۱۱ ماه

کوین‌دو: در طول ۱۱ ماه گذشته، ارزش بازار استیبل‌کوین‌ها به‌طور پیوسته رشد کرده و به رکورد جدیدی رسیده است.

۸۰ درصد

کریپتوادونچر: ۸۰ درصد از توکن‌هایی که در شش ماه گذشته در Binance لیست شده‌اند، ارزش خود را از دست داده‌اند، که سوالاتی درباره تأثیر VCها و صرافی‌ها بر ارزش‌گذاری توکن‌ها ایجاد کرده است.

۷۰ میلیون

ردیت: شرکت Bitwise با جذب ۷۰ میلیون دلار سرمایه، برنامه‌های توسعه‌ای خود را در پی افزایش علاقه موسسات به سرمایه‌گذاری در این بخش، رونمایی کرد.

۸۵ درصد

سی‌ان‌ان: توکن LIBRA که توسط خاویر میلی رئیس‌جمهور آرژانتین تبلیغ شده بود، پس از برداشت ۹۹ میلیون دلار از نقدینگی، با سقوط ۸۵ درصدی ارزش مواجه شد.

۱۲۴ هزار

ایندیا تایم: پلیس سایبری پانول در ناوی بمبئی مردی را به اتهام کلاهبرداری رمزارزی به مبلغ ۱.۰۳ کرور روپیه (حدود ۱۲۴ هزار دلار) از یک زن خانه‌دار دستگیر کرد. این فرد با وعده سودهای کلان از طریق سرمایه‌گذاری در رمزارزها، قربانی را فریب داده بود.

گفت‌وگو با رسول رضوانی، کارآفرین ایرانی که با پروژه‌های بلاکچین، توکن‌سازی و شهر متاورسی مرزهای فناوری و آینده ایران را باز تعریف می‌کند

متاورس ایران کلید می‌خورد

نخستین شهر متاورسی ایران در استان چهارمحال و بختیاری در حال طراحی است

منبع: اینترنشنال بیزنس تایمز
مترجم: امیر آرام

زیر آسمان دوبی یک ایرانی تبار به نام رسول رضوانی که با نام «آر.زد» شناخته می‌شود، رویاهای بزرگی درسر دارد. او زاده اصفهان است، شهری که تاریخ در کوچه‌هایش جاری است و زیبایی در هر گوشه‌اش نفس می‌کشد. حالا در قلب یکی از مهم‌ترین مراکز اقتصادی جهان ایستاده و به آینده‌ای متفاوت فکر می‌کند. ششم خرداد ۱۴۰۴، نشریه معتبر اقتصادی اینترنشنال بیزنس تایمز او را در فهرست برترین کارآفرینان رمزارز سال ۲۰۲۵ قرار داد. خبری که نه فقط در دوبی که در فضای جهانی رمزارز بازتاب گسترده‌ای پیدا کرد. رضوانی در گفت‌وگویی با تی‌وی پلاس از طرحی تازه خبر داد. ساخت نخستین شهر متاورسی ایران. شهری به وسعت یک میلیون مترمربع که قرار است تصویر ما از آینده را دگرگون کند. او می‌گوید این پروژه فقط یک حرکت فناورانه نیست. فرصتی است برای تجربه زیست دیجیتال، برای ساختن دنیایی که مرزهای فیزیکی در آن کمرنگ شده‌اند. داستان او دعوتی است برای همراه شدن با نسلی که به جای ایستادن در گذشته، به ساختن آینده فکر می‌کند.

فرزند ایران، پیشگام جهانی

رسول رضوانی پس از سال‌ها اقامت در امارات، به ایران بازگشت تا از آنچه «معدن طلای ۲۴ عیار» استعدادهای این سرزمین می‌نامد، بهره ببرد. او با غرور و افتخار به تی‌وی‌پلاس می‌گوید: «ما در ایران در هر محله‌مان یک لیونل مسی داریم.» رضوانی که نمی‌خواهد سرمایه‌های انسانی ایرانی با این همه درخشش به خارج صادر شوند، عهد بست کنار این معدن غنی کارخانه‌ای بسازد، مأموریتی برای پرورش جوانان کشور با فناوری. او حالا در سوییس کسب‌وکاری جهانی ساخته که ریشه در فرهنگ ایران دارد و توجه بازارهای محلی و شرکت‌های بزرگ بین‌المللی را به خود جلب کرده است.

پلتفرم پلی‌ورک، انقلابی دیجیتال

در اکوسیستم رضوانی جهانی خیره‌کننده قرار دارد که در آن بازی‌سازی، توکن‌سازی، مالی غیرمتمرکز (دی‌فای)، فناوری‌های مبتنی بر بلاکچین و نسل سوم اینترنت به هم می‌رسند. جهانی را تصور کن که در آن نه‌فقط کاربر، که بازیگر هستی و با هر حرکتی که انجام می‌دهی، درآمد و ارزشی هم به دست می‌آوری. هفت سال است که رضوانی پلتفرم پلی‌ورک را ساخته، فضایی پیشگام که در آن کاربران در بازی‌های فیزیکی و آنلاین مثل رقابت شطرنج با هم‌محله‌ای‌ها یا در سطح استان پول در می‌آورند. پلتفرم‌هایی مثل رنکینگ دات گیم که کاربر را به رقابت، رتبه‌بندی و کسب درآمد دعوت می‌کند، در حالی که کوین‌ماینینگ با تبدیل فعالیت‌های کاربر به درآمد دیجیتال، ارزشی نو می‌آفریند. شبکه اجتماعی گیمرها، محفل دیگری در این مجموعه است که بازیکنان را به آفرینندگان بدل می‌کند و جامعه‌ای می‌سازد که درآمد از مشارکت به دست می‌آید.

توکن‌سازی جهان، صنعت به صنعت

رسول رضوانی در واقع سنت را با جهان دیجیتال پیوند می‌دهد. او بیش از ۲۰ کسب‌وکار را توکن‌سازی کرده، بلاکچین را به کالاهای لوکس، سهام جهانی، بازی، مد، بیمه، انرژی و خدمات مالی بافته است. توکن‌هایی را تصور کن که ارزش ساعتی نادر، سبد سهام، یا شمشیری در بازی مجازی را باز می‌کنند که هر یک کلیدی دیجیتال به دوره‌ای جدید است. این پروژه‌ها تجربه‌هایی گذرا نیستند؛ سیستم‌هایی پایدار و مقیاس‌پذیرند که صنایع دیرین را به راه‌حل‌های پیشرفته پیوند می‌دهند. رضوانی بلاکچین را نه‌فقط فناوری که صحنه‌ای برای نمایش گنجینه‌های ایران می‌بیند. او ان‌اف‌تی‌های جعلی و توکن‌های غیرقابل‌معاوضه بی‌ارزش را رد می‌کند و در عوض بازاری جهانی برای هنر پارسی، صنایع دستی و محصولات دانش‌بنیان متصور است که از طریق شفافیت بلاکچین فروخته می‌شوند و آن را بستری برای هنر و نوآوری ایران می‌داند.

نخستین شهر متاورسی ایران: جهشی به پیش

جسورانه‌ترین حرکت رسول رضوانی، نخستین شهر متاورسی ایران است، شگفتی یک میلیون مترمربعی در جنوب سد زاینده‌رود در استان چهارمحال و بختیاری. ۴۰۰ ویلا، هتل، دفاتر و مناطق تفریحی را تصور کن، زنده با سمینارها و نمایشگاه‌های فناوری‌محور.

هوش مصنوعی این شگفتی را اداره می‌کند، با ربات‌ها و خودروهای بدون راننده که به ساکنان خدمت می‌کنند و بیمارستانی پیشرفته که پزشکان از سراسر جهان در آن از راه دور درمان می‌کنند و رضوانی آن را هدیه‌ای به ایران می‌داند. رضوانی با تکیه بر نخبگان ایران می‌گوید. « عربستانی ها میلیاردها خرج می‌کنند تا گیمرها را جذب کنند؛ ما با سه میلیارد این کار را می‌کنیم.»

دعوتی به صفحه شطرنج

از شن‌های دوبی تا قلب ایران، رسول رضوانی گویی شطرنج بازی می‌کند. شهر متاورسی، اکوسیستم، و چشم‌انداز او حرکت‌هایی در شطرنجی برای آینده‌اند. او نه‌فقط بلاکچین را شکل می‌دهد که استعدادهای ایران را بالا می‌برد، هنرش را به نمایش می‌گذارد و سرنوشتی دیجیتال می‌سازد. داستان او دعوتی است به صفحه شطرنج، برای ساخت آینده‌ای که ایران در آن پیشتاز است.

چهره خبر

از دوران کودکی در کالیفرنیا تا تسلط بر وال‌استریت و دنیای رمزارزها

ملکه رمزارزها

کاترین وود با جسارت، دیوارهای مردانه اقتصاد را شکست و قله‌های رمزارز را فتح کرد

ایمان برین
هفت صبح

سال ۱۹۵۵ برای لس‌آنجلس، سالی پرهیاهو و پر از تحولات بزرگ بود؛ درست همان سالی که زن سیاه‌پوستی به نام رز پارکر حاضر نشد صندلی‌اش در اتوبوس را به یک سفیدپوست تعارف کند و جرقه‌های مقاومت اجتماعی در دل میلیون‌ها آمریکایی شعله‌ور شد. در همین سال، خانواده «وود» در گوشه‌ای از کالیفرنیا، شاهد تولد دختری بودند که روزی ملکه دنیای رمزارزها خواهد شد؛ دختری به نام کاترین.

کاترین از همان کودکی دنیایی پر از سوال و کنجکاوی در ذهنش می‌پروراند. او که در خانواده‌ای معمولی و پرتلاش رشد کرده بود، از همان دوران مدرسه علاقه‌ای ویژه به ریاضیات و اقتصاد نشان داد. کاترین برخلاف بسیاری از هم‌سن و سالانش که رویاهای کودکانه داشتند، به دنبال فهمیدن سازوکارهای جهان بود؛ جهان پیچیده‌ای که حتی بزرگ‌ترها هم اغلب نمی‌توانستند رازهایش را باز کنند.

وقتی به دانشگاه کالیفرنیا در برکلی رفت، فهمید که دانش تنها بخشی از راه است. آنجا در کنار آموختن علم اقتصاد، چالش‌های پیش‌رو به‌عنوان یک زن جوان در دنیایی مردانه را هم احساس کرد. آیا او می‌توانست جایی در این دنیای سخت مالی پیدا کند؟ آن هم جایی که مردان قدرتمند با تجربه سال‌های مدید بود که بر بازارها سلطه داشتند؟

شروع کار در وال‌استریت برای کاترین، مانند ورود به یک میدان مین بود. بارها نظراتش رد می‌شد، گاهی حتی به تمسخر گرفته می‌شد. اما او در برابر این موانع کوتاه نیامد. پشت هر شکست، درسی بود که او را قوی‌تر و هوشمندتر می‌کرد. کم‌کم با نشان دادن مهارت‌های تحلیلی بی‌نظیر و اراده‌ای پولادین، در بین سرمایه‌گذاران شناخته شد.

موفقیت‌های شغلی، هیچ‌گاه کاترین را از چالش‌های زندگی شخصی رها نکردند. او که همزمان با طی کردن مسیر حرفه‌ای‌اش مادر شد، بار سنگین مسئولیت‌های خانوادگی را نیز به دوش کشید. چگونه می‌شد مادر بود و در عین حال مدیری مقتدر؟ چگونه می‌شد به خانه و به محل کار، هر دو به یک اندازه متعهد بود؟ این سوال‌ها، همیشه در ذهن او بودند.

اما راز کاترین در این بود که هرگز نخواست بین این دو انتخاب کند. او یاد گرفت که چگونه با برنامه‌ریزی دقیق و تقسیم وظایف، در هر دو حوزه بدرخشد. گاهی شب‌ها بیدار می‌ماند و برنامه‌ریزی می‌کرد، اما امیدش را از دست نداد. چرا که برای او، موفقیت، علاوه بر رسیدن به ثروت، ساختن زندگی‌ای متعادل و الهام‌بخش بود. با شروع دهه ۹۰ و ظهور اینترنت، جهان به سرعت به سوی عصر جدیدی حرکت می‌کرد. بسیاری این تغییرات را فقط مد گذرا می‌دیدند، اما کاترین آن را فرصتی تاریخی برای تحول دانست. با جسارتی که در خونش بود، شروع به سرمایه‌گذاری در شرکت‌های تکنولوژیکی کرد که دیگران از آنها می‌ترسیدند. ریسک کرد، چرا که می‌دانست آینده متعلق به کسانی است که جرأت تغییر دارند.

و سپس فصل نوینی از زندگی‌اش آغاز شد؛ ورود به دنیای رمزارزها. برای بسیاری، این دنیای ناشناخته پر از پیچیدگی و خطر بود. آیا ارزهای دیجیتال فقط یک حباب زودگذر بودند یا نشانه‌ای از انقلاب اقتصادی جدید؟ کاترین بدون شک دومی را انتخاب کرد. او باور داشت که بلاک‌چین و رمزارزها فراتر از یک فناوری جدید، تحولی بنیادین در نحوه اداره اقتصاد جهان به دنبال دارند.

این تصمیم، بارها مورد شک و تردید قرار گرفت. رسانه‌ها و تحلیلگران سنتی به او حمله کردند، اما او با اعتماد به نفس و دانش خود، راهش را ادامه داد. صندوق سرمایه‌گذاری او موسوم به ARK Invest توانست با سودهای چشمگیر، نظر همه را تغییر دهد و نام کاترین را به عنوان یکی از تاثیرگذارترین سرمایه‌گذاران جهان تثبیت کند.

اما شاید بزرگ‌ترین نبرد کاترین، نه در بازارهای مالی، بلکه در میدان نابرابر جنسیتی بود. او که همیشه یک زن در محیط مردانه سرمایه‌گذاری بود، معتقد بود که اقتصاد دیجیتال می‌تواند فرصتی برای برابری باشد. او به شدت در حمایت از زنان جوان برای ورود به این عرصه فعالیت می‌کرد و می‌دانست که تنها راه رسیدن به تغییر واقعی، افزایش حضور زنان در همه سطوح تصمیم‌گیری است.

کاترین در مصاحبه‌هایش چنین سوال‌هایی را مطرح می‌کرد: «چرا هنوز هم در دنیایی که فناوری ما را به هم نزدیک‌تر کرده، زنان در اقتصاد و فناوری کم‌رنگ‌تر هستند؟» او بر این باور بود که پاسخ به این سوال، کلید آینده اقتصاد جهانی است. و خودش با عمل، این مسیر را نشان داد. مسیری که پر از تلاش، شکست، یادگیری و بالاخره پیروزی بود.

نگاه به آینده از دریچه نوآوری

کاترین وود فلسفه‌ای منحصر به فرد در سرمایه‌گذاری داشت. او باور داشت که بازارهای مالی، موتور محرکه نوآوری و تغییرات بنیادی در زندگی انسان‌ها هستند. در این دیدگاه، شرکت‌هایی که در خط مقدم فناوری‌های تحول‌آفرین قرار دارند، سرمایه‌گذاری روی آینده انسان‌ها محسوب می‌شوند.

به همین دلیل بود که او بر شرکت‌هایی مانند تسلا، پلتفرم‌های بلاک‌چین و حوزه‌های زیست‌فناوری تمرکز کرد. جایی که تکنولوژی ریشه‌ای‌ترین مشکلات بشر را هدف می‌گیرد. کاترین معتقد بود موفقیت اقتصادی وقتی واقعی است که همراه با تحول اجتماعی و زیست‌محیطی باشد. او هیچ‌گاه سرمایه‌گذاری صرفاً برای سود لحظه‌ای را نپذیرفت و همواره به دنبال پروژه‌هایی بود که به قول خودش، بتوانند «جهان را به جای بهتری تبدیل کنند.»

این رویکرد فلسفی، در برابر موج‌های تند و کوتاه‌مدت بازارها ایستاد و باعث شد صندوق او، ARK Invest، به نمادی از سرمایه‌گذاری آینده‌نگر تبدیل شود.

تاثیر بر نسل جوان و زنان

کاترین می‌دانست که یکی از بزرگ‌ترین موانع پیشرفت فناوری و اقتصاد، کمبود تنوع جنسیتی و فکری است. او خود مسیر سختی را طی کرده بود تا به جایگاه فعلی برسد و درک می‌کرد که موفقیت او چراغ راهی برای بسیاری از دختران و زنان جوان خواهد بود. او با سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و برنامه‌های حمایتی، تلاش کرد صدای زنانی باشد که در عرصه‌های مالی و فناوری کمتر شنیده می‌شوند. از نگاه او وقتی گروهی متشکل از افراد با پیشینه‌ها و دیدگاه‌های متفاوت کنار هم قرار می‌گیرند، می‌توانند مشکلات پیچیده را بهتر حل کنند و ایده‌های نوآورانه‌تری خلق کنند. فعالیت‌های آموزشی و مشاوره‌ای او در حوزه‌های STEM (علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات) باعث شد هزاران زن جوان الهام بگیرند و وارد دنیای فناوری شوند. این مسیری بود که نفع اقتصاد جهانی و آینده را تضمین می‌کرد.

الهام‌بخشی برای نسل‌های بعدی

زندگی کاترین داستانی است از مقاومت و نوآوری، از خانواده و حرفه، از ترس و جرأت. او ثابت کرد که هیچ مانعی نمی‌تواند جلوی کسی را که اراده قوی دارد بگیرد. حتی اگر آن مانع، تعصب و سنت‌های کهنه باشد. کاترین وود به ما یادآوری می‌کند که آینده متعلق به کسانی است که به تغییر ایمان دارند و حاضرند برای آن تلاش کنند؛ زن یا مرد، کوچک یا بزرگ.

داستان کاترین وود، داستان زنی است که مسیرش را خود ساخت؛ از دل چالش‌ها و موانع گذشته و با نگاه به آینده‌ای روشن و پیچیده. داستانی که به ما می‌گوید هرچقدر هم شرایط سخت باشد، با اراده و نگاهی نوآورانه می‌توان مسیر را باز کرد. این داستان هنوز به پایان نرسیده است. کاترین همچنان الهام‌بخش نسل‌هایی است که می‌خواهند جهان را بهتر کنند؛ نسلی که می‌خواهد از فناوری برای رفاه و عدالت استفاده کند.

گفت‌وگو با نبی رضایی قهرمان قایقرانی ایران و آسیا

با یک قایق شکسته شروع شد

- امکانات ما در حد یک استان چین هم نیست
- تبعیض زیادی بین ما و فوتبال وجود دارد

امید ذاکری‌نیا
دبیر سرویس ورزش

نبی رضایی، قهرمان پرافتخار قایقرانی ایران، از مسیری می‌گوید که با سختی و صبر طی شد؛ از مدالی که با وجود بیماری در مسابقات آسیایی چین گرفت، تا رؤیایی که با مربی همشهری‌اش و بدون تکیه بر امکانات حرفه‌ای، به واقعیت پیوست. این قایقران ۲۶ ساله در گفت‌وگو با «هفت‌صبح»، از معنای واقعی قهرمانی، چالش‌های قایقرانی در ایران و فداکاری‌هایی می‌گوید که پشت هر مدال درخشان پنهان مانده‌اند.

» این روزها مشغول چه تمریناتی هستید و چه رقابت‌هایی در تقویم امسال‌تان برجسته است؟

امسال مسابقه آسیایی چین را پشت سر گذاشتیم. علیرغم اینکه ویروسی شدم و امید چندانی به مدال نداشتم اما خوشحالم که دست خالی برنگشتم و نقره گرفتم. در مردادماه نیز مسابقات جهانی ایتالیا را پیش رو داریم.

» وضعیت فعلی تیم ملی قایقرانی را چطور می‌بینید؟

در رده بزرگسالان نتایج رو به رشدی داشتیم و در المپیک، بیشترین شرکت‌کننده را نسبت به دوره‌های قبل داشتیم اما در بخش نوجوانان و جوانان باید یک برنامه ویژه‌ای داشته باشیم، چون فاصله زمانی زیادی با نفرات برتر دارند و باید بیشتر روی آن کار شود.

» شرایط آماده‌سازی و اردوها چطور پیش می‌رود؟

اردوها از حالت متمرکز در تهران خارج شده و در باشگاه‌ها و استان‌ها دنبال می‌شود که این، از نظر فنی بسیار مثبت و رو به رشد بوده. با مربی‌های بادانش داخلی به نتایجی رسیدیم که حتی با مربی‌های خارجی هم به آن نرسیده بودیم. مشابه کشورهای اروپایی که در باشگاه‌ها تمرین می‌کنند، ایران هم خوشبختانه دارد به آن سمت می‌رود و روند خوبی دارد.

» از آخرین مسابقه مهم‌تان بگویید؛ چه تجربه یا درسی برای‌تان ماندگار شد؟

مسابقات آسیایی چین بود که با وجود مریضی شدید، با نقره برگشتم. از نظر ذهنی خیلی من را جلو برد، چون ذهن اجازه نداد جسم تسلیم شود. به‌نوعی جسمم تسلیم ذهنم شد و روز مسابقه این فرصت را به من داد که تا حدودی بجنگم.

» مسیر رسیدن به تیم ملی برای شما چطور بود؟ چه چالش‌هایی را پشت سر گذاشتید؟

مربی پایه و حال حاضر من، آقای ایمان‌پور عزیز که همشهری خودم هم هست، از ابتدا با هم وارد تیم ملی شدیم و تا امروز کنار هم هستیم. حدود ۱۱ سال می‌شود. ورود ما به تیم ملی خیلی آسان بود ولی در این مسیر ۱۱ ساله، می‌شود گفت هر روزش پر از چالش بود. درهای قفل بسیار زیادی را باز کردیم و مدال‌هایی را آوردیم که برای اولین بار در تاریخ ایران گرفته شد.

» در این سال‌ها، چه چیزهایی را فدا کردید برای ماندن در اوج؟

راحتی، خیال آسوده، زمان.

» قهرمانی چه چیزی به شما داد و چه چیزی از شما گرفت؟

اجازه بدهید جواب این سؤال را جور دیگری بدهم: راه قهرمانی، صبر را به من داد و عجله را ازم گرفت؛ ایمان را داد و سستی را گرفت؛ و خیلی چیزهای دیگر. به‌نظر من، کوچک‌ترین دستاورد قهرمانی آن مدال است. اسم‌های بی‌شماری را می‌بینید که مدال جهانی و المپیک دارند، اما فقط نام چند ورزشکار است که بر سر زبان‌ها مانده. در قایقرانی هم ورزشکارانی داشتیم که برای رسیدن به مدال، هر کار منفی‌ای را انجام می‌دادند. اما در نهایت، طبیعت کار خودش را می‌کند و آن چیزی که باقی می‌ماند، معنویت است.

» وضعیت نگاه حمایتی به قایقرانی را چطور می‌بینید؟ آیا امکانات و تجهیزات کافی در اختیارتان هست؟

نسبت به کشورهای صاحب سبک، حمایتی روی این رشته نیست. من چین را مثال می‌زنم. سه بار به چین سفر کرده‌ام و سه استان را دیده‌ام. با جرئت می‌گویم که امکانات ایران در مقابل یکی از استان‌های چین هم نیست. با این حال، ورزشکاران ما و فدراسیون با پشتکاری که دارند، در برخی از مسابقات چین را هم پشت سر گذاشته‌اند.

» آیا به خاطر کمبود بودجه یا شرایط سخت‌افزاری، موقعیت‌هایی را از دست داده‌اید؟

مسابقات زیادی در قایقرانی برگزار می‌شود؛ مثل آسیایی، کاپ‌های جهانی ۱ و ۲، ماراتن و جهانی سالانه. قایقرانی مانند رشته‌های هوازی دیگر مثل دوچرخه‌سواری، دو، و شنا، نیاز دارد به‌صورت پیوسته در مسابقات شرکت کند تا به شرایط مطلوب برسد. اما متأسفانه با وجود بودجه کم، مجبور هستیم مسابقات را گلچین کنیم.

» بعضی از ملی‌پوشان نسبت به تمرکز رسانه‌ای و مالی روی فوتبال ناراحت هستند. شما چه نظری دارید؟

تبعیض بسیار زیادی وجود دارد و فوتبال بیشتر حالت صنعتی پیدا کرده تا ورزشی و قهرمانی.

» اگر امروز با «نبی رضایی نوجوان» روبه‌رو شوید، به او چه می‌گویید؟

می‌گذارم همین راه را تجربه کند و از کنارش رد می‌شوم.

» قهرمان بودن در ایران یعنی چه؟ فقط مدال گرفتن، یا چیزهای دیگری هم هست؟

در بخش دیگری از سؤال‌های‌تان اشاره کردم؛ قسمت کوچکی از قهرمانی مدال است و بخش اعظم آن را معرفت، معنویت، بخشش و پاکی تشکیل می‌دهد. مدال‌های زیادی گرفته شده اما در آخر این پهلوانی است که باقی مانده.

» برای بچه‌هایی که با رؤیای قهرمانی وارد ورزش می‌شوند، چه پیامی دارید؟

نیازی نیست همه فاکتورهای ورزش قهرمانی‌تان را داشته باشید؛ با تلاش و کار مداوم به هر چیزی می‌توانید دست پیدا و کمبودهایتان را در آن ورزش جبران کنید.

» در خلوت خودتان، وقتی به همه این سال‌ها فکر می‌کنید، حس‌تان نسبت به راهی که آمده‌اید چیست؟ واقعا ارزشش را داشت؟

قطعا این راهی را که با مربی‌ام آمده‌ام، تغییر نمی‌دهم؛ چون این کوه از چالش‌ها، درس‌ها و قهرمانی‌ها با یک قایق شکسته و یک پارو شروع شد که برایم ارزشمندش کرده و خدایی که هر لحظه با ما بود.

بررسی تحلیلی و آماری عملکرد تیم ملی فوتبال ایران با هدایت امیر قلعه‌نویی در ۳۰ مسابقه اخیر

تیمی که می‌برد اما نمی‌درخشد

تیم ملی فوتبال ایران با هدایت امیرقلعه‌نویی با وجود صعود به جام‌جهانی ۲۰۲۶ با تمام قوا به مصاف تیم ملی قطر رفت اما این بازی نزدیک و پردرگیری را با نتیجه یک بر صفر به حریفش واگذار کرد.

در شبی که قطر برای زنده نگه داشتن امیدهایش برای صعود به جام جهانی نیاز به پیروزی برابر مهم‌ترین رقیبش در این مرحله داشت. لوپتگی که در ابتدای جام‌جهانی ۲۰۲۲ قطر به‌دلیل یک اتفاق عجیب حضور روی نیمکت اسپانیا و بازی برابر ایران را از دست داده بود، این‌بار به‌عنوان سرمربی تیم ملی قطر این تجربه را از سر گذراند؛ آن هم با یک برد ارزشمند برابر رقیبش امیر قلعه‌نویی که باید آرام آرام به فکر ساختن تیمی قدرتمند برای جام‌جهانی باشد.

۳۰ بازی با ایران

پنجشنبه شب امیر قلعه‌نویی در حالی تیم ملی را به مصاف تیم ملی قطر فرستاد که سی‌امین بازی‌اش را به‌عنوان سرمربی تیم ایران تجربه می‌کرد. او در این تعداد بازی با احتساب شکست برابر تیم ملی قطر، در ۳۰ مسابقه ۲۳ برد ۵ مساوی و تنها ۲ شکست را تجربه و میانگین امتیازی ۲,۴۷ در هر مسابقه را هم رقم زده است. تیم تحت هدایت او در بازی قبلی و دو هفته مانده به پایان رقابت‌های مقدماتی مجوز صعود به جام‌جهانی را گرفت تا با خیال راحت دو بازی باقیمانده را به چشم مسابقاتی تدارکاتی نگاه کند اما نگاهی به مسابقاتی که قلعه‌نویی روی نیمکت تیم‌ملی نشسته و نسبت سختی و آسانی مسابقاتش حاوی این نکته است که تیم ملی با او در اغلب بازی‌های مهم نتوانسته به پیروزی برسد و این می‌تواند یک هشدار در فاصله باقیمانده به جام جهانی باشد.

بردها، مساوی‌ها و باخت‌ها

تیم ملی تحت حمایت امیر قلعه‌نویی اغلب با تیم‌های آسیایی و در مسابقات جام ملت‌ها و مقدماتی جام‌جهانی مصاف داشته، هرچند در چند دیدار تدارکاتی به مصاف تیم‌هایی چون روسیه، بلغارستان ۸۵، کنیا ۱۱۱ و آنگولا ۸۷ هم رفته است. روسیه اولین حریف ایران بعد از حضور قلعه‌نویی روی نیمکت است که ایران با این تیم رتبه ۳۵جهان به تساوی یک - یک رسید. اما دیگر تیم‌های غیرآسیایی که تیم ایران با آنها مصاف داده، هیچکدام در رنکینگ جهانی رتبه خوبی ندارند. بلغارستان رتبه ۸۵، کنیا ۱۱۱ و آنگولا در رتبه ۸۷ رنکینگ بهترین تیم‌های ملی قرار دارند.

جدال‌های آسیایی

اما قلعه‌نویی با تیم‌ملی ایران با وجود صعود راحت به جام‌جهانی اما در بازی‌های مهم مرحله مقدماتی یا جام ملت‌های آسیا عملکرد موفقی نداشته است. قلعه‌نویی در سه جدال رودررو با تیم ملی ازبکستان موفق به رقم زدن هیچ بردی نشده و سه نتیجه مساوی به دست آورده است. در برابر قطر نیز تیم ملی ایران در چهار مسابقه اخیرش که قلعه‌نویی هدایت تیم ایران را به‌عهده داشته دو برد و دو شکست به‌دست آورده است. باخت برابر قطر در مرحله نیمه‌نهایی جام ملت‌های آسیا مهم‌ترین شکست قلعه‌نویی تا اینجاست چراکه تیم ملی با وجود ستاره‌های بزرگ و شکست دادند ژاپن خود را شانس اصلی حضور در فینال می‌دانست اما قطر برنده بازی شد.

با این حال ایران تحت هدایت امیر، در دیگر بازی‌هایش برنده بوده هرچند رقبایش به‌هیچ وجه حریفان سختی نبودند. افغانستان در رتبه ۱۶۰، قرقیزستان ۱۰۳، اردن ۶۲، هنگ‌کنگ ۱۵۳، امارات ۶۵، فلسطین ۱۰۱، سوریه ۹۳، ترکمنستان ۱۴۲، کره‌شمالی در رتبه ۱۱۸ رنکینگ بهترین تیم‌های فیفا قرار دارند. غیر از ژاپن تمام این تیم‌ها در رنکینگ از ایران که رتبه دوم آسیا و رتبه ۱۸ رنکینگ جهانی بهترین تیم‌های جهان پایین‌تر هستند.

بهترین کارنامه امیر

از نظر نتیجه‌گیری دوران دوم حضور قلعه‌نویی در تیم ملی ایران بهترین دوران مربیگری بوده است. او ۲,۴۷ امتیاز در هر بازی گرفته در حالی که بهترین عملکرد او پیش از این در اولین دوره حضورش در تیم ملی در سال ۸۶ با میانگین ۲,۲۸ امتیاز و در استقلال سال ۸۱ میانگین ۲ امتیاز در هر بازی بوده است.

نمایش ناامیدکننده برابر قطر

تیم ملی ایران نمایشی ناامیدکننده و ضعیف برابر تیم ملی قطر داشت. بازی ضعیف تیم ملی در مقابل با بازی زیرکانه قطری‌ها که به هروسیله ممکن به‌دنبال صعود به مرحله بعدی بودند، از همان ابتدا نشان می‌داد که با توجه به قضاوت داور عربستانی اتفاقات عجیبی برای تیم ملی بیفتد که اخراج میلاد محمدی رخ داد. قلعه‌نویی اما خیلی زود علی علیپور که در آن زمان یکی از بهترین‌های ایران بود و فشار نسبتا خوبی به دفاع قطر وارد می‌کرد را از زمین بیرون کشید و یک مدافع را به زمین فرستاد. با این وجود تیم ملی قطر چند دقیقه روی یک اشتباه دفاعی -دروازه‌بان دروازه ایران را باز کرد و سرانجام با همان نتیجه هم پیروز شد.

آمار و ارقام

اما آنچه بیش از همه موجب نگرانی شد، عملکرد تیم ملی و تعویض‌ها و برنامه‌های کادرفنی بود که نه منجر به نتیجه و نه منجر به نمایشی زیبا شد به‌طوری که اغلب مخاطبان ایرانی از این بازی حس نارضایتی داشتند. موضوع مهم دیگر این بود که در شبی که برخی از ستاره‌های قدیمی نبودند عملا مهره‌هایی که برای جانشینی رفته بودند عملکرد خیلی خوبی نداشتند. بیشترین نمره را از نظر سایت‌های تحلیلی در تیم ملی ایران عارف آقاسی مدافع وسط تیم به‌دست آورده است؛ ۷,۲.

میلاد محمدی با آن اخراج دقایق پایانی نیمه اول با ۵,۱ امتیاز بدترین عملکرد را داشته و در کنار او علی علیپور ۵,۷، شجاع خلیل‌زاده و امیرحسین حسین‌زاده با ۵,۸ امتیاز بدترین عملکرد را در تیم ملی ایران داشتند. تیم ایران هرچند ۱۰ نفره شد اما ۴۸درصد مالکیت را در برابر ۵۲ درصد مالکیت قطری‌ها به‌دست آورد و در حالی که هیچ شانس گلی به‌دست نیاورد، ۳ بار بازیکنان به سمت چارچوب شوت‌زنی کردند. این در شرایطی است که تیم قطر با ۲ شانس بزرگ گل شرایط بهتری در این بازی داشته. در تعداد پاس هم قطر با ۵۱۰ پاس نسبت ۴۷۵ پاس ایران عملکردش بهتر بوده است.

سرمربی پرسپولیس چطور مسوت اوزیل را اخراج کرد

فحاشی ستاره بزرگ به زبان آلمانی، به اسماعیل کارتال

یک ادعای عجیب و شگفت‌انگیز درباره مسوت اوزیل، فوتبالیست مشهور ترکیه‌ای الاصل تیم‌ملی آلمان و درگیری او با اسماعیل کارتال سرمربی ترکیه‌ای پرسپولیس منتشر شده که حاوی نکاتی است که احتمالا در فوتبال ترکیه سر و صدای زیادی به پا خواهد کرد. در یک برنامه در کشور ترکیه ادعایی مطرح شده که در دوران حضور اوزیل در تیم فنرباغچه، او با سرمربی تیم، اسماعیل کارتال، برسر ترک زودهنگام یک بازی مشاجره کرده و اوزیل به زبان آلمانی به اسماعیل کارتال فحش‌های سنگینی داده است.

تا الان هیچ‌کدام از طرفین این ادعا را تکذیب نکرده‌اند. همچنین مشخص است که در دوران حضور مسوت اوزیل در فنرباغچه، او همراه چند بازیکن دیگر از ترکیب تیم کنار گذاشته شده بود. دلیل این اقدام از سوی باشگاه «اختلاف نظر» اعلام شده بود.

حرف‌های مطرح شده در این ویدئو را در زیر می‌خوانید:

بگذارید دلیل کنار گذاشته شدن مسوت اوزیل از ترکیب تیم را هم بگویم. در یکی از مسابقات، اسماعیل کارتال او را از بازی بیرون می‌آورد. سپس او به مادر اسماعیل کارتال فحاشی می‌کند. آن هم به زبان آلمانی. یکی از دستیاران اسماعیل کارتال این را می‌شنود و به خود اسماعیل کارتال می‌گوید. اسماعیل کارتال هم موضوع را به علی کوچ رئیس باشگاه اطلاع می‌دهد. اوزیل هم یکی از بازیکنانی بود که همراه با اوزان توفان از تیم کنار گذاشته شد.

تست تعیین جنسیت علیه قهرمان المپیک پاریس

حذف بوکسور جنجالی از حضور در مسابقات

کمتر از یک هفته پس از اعلام الزامی شدن تست تشخیص جنسیت از سوی اتحادیه جهانی بوکس، قهرمان المپیک الجزایری «ایمان خلیف» از حضور در جام آیندهوون بوکس در هلند محروم شد.

نام خلیف، برنده مدال طلای المپیک تابستانی پاریس، در فهرست شرکت‌کنندگان در این رقابت‌ها ثبت نشده است، آن هم در حالی که روز پنجشنبه مهلت ثبت‌نام به پایان رسیده و همچنان ابهاماتی درباره صلاحیت او وجود دارد. دیرک ریندرز، مدیر رسانه‌ای این رقابت‌ها، به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفت: «تصمیم حذف ایمان، تصمیم ما نبود. از این بابت متأسفیم.» ایمان خلیف قصد داشت پس از مدتی دوری، با حضور در این رقابت‌ها که در هتلی در آیندهوون برگزار می‌شود، به صحنه بین‌المللی بازگردد؛ اما اعلام سیاست جدید اتحادیه جهانی بوکس درباره آزمون‌های تعیین جنسیت در روز جمعه گذشته، مانع این بازگشت شد. یروین دیسلبلوم، شهردار آیندهوون، تصمیم اتحادیه جهانی بوکس را مورد انتقاد قرار داد.

او در نامه‌ای خطاب به دو فدراسیون بین‌المللی و هلندی بوکس نوشت: «ما از همه ورزشکاران در آیندهوون استقبال می‌کنیم.

حذف ورزشکاران بر اساس آزمون‌های جنجالی تعیین جنسیت، با این رویکرد قطعا همخوانی ندارد.» او افزود: «ما از این تصمیم ابراز انزجار می‌کنیم و از هر دو فدراسیون می‌خواهیم که در نهایت، ایمان خلیف را بپذیرند.»

ایمان خلیف در حالی مدال طلای المپیک پاریس را به‌دست آورد که صلاحیت او و همچنین صلاحیت «لین یو تنگ» ورزشکار تایوانی دیگر که او هم مدال طلا کسب کرده بود، مورد بررسی مجدد بین‌المللی قرار گرفته است.

هفت صبح

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
سردبیر: افشین امیرشاهی
مدیر هنری: وحید غفاری، دبیر اقتصادی: مهدی خاکی فیروز
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذرپور، دبیر ورزش: امید ذاکری نیا

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده، دبیر جامعه: مهدی علیپور
دبیر صفحه آخر: بابک نبی، دبیر بین‌الملل: رامتین لطیفی،
ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کلیلی

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

کد پستی ۱۹۸۸۶۴۴۳۵۱
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم

اذان صبح: ۰۳:۰۳ | طلوع آفتاب: ۰۴:۴۸ | اذان ظهر: ۱۲:۰۳ | غروب آفتاب: ۱۹:۱۸ | اذان مغرب: ۱۹:۳۹

یک دقیقه زندگی

نیمکت‌هایی که هنوز نفس می‌کشند

محمد حاجی مومنی
هفت صبح

هوا، بوی عصرهای سالخورده را می‌دهد؛ بویی شبیه همان روزهایی که زندگی هنوز عجله‌ای نداشت، خیابان‌ها نفس می‌کشیدند و آدم‌ها برای هم وقت داشتند. اینجا، گوشه‌ای از پارک، پشت نیمکت‌های فرسوده و زیر درختانی که هر پاییز کمی بیشتر کمر خم می‌کنند، چند مرد و زن سالخورده آرام نشسته‌اند؛ با نگاهی که گویی دنیا را هزار بار ورق زده است.

صدای خنده‌های جوانان از دور می‌آید. تنی چند روی چمن‌ها فوتبال بازی می‌کنند اما اینجا، در حلقه کوچک پیرمردها، زمان معنایی دیگر دارد. یکی با صدایی بم و آرام می‌گوید: «یادت هست آن سال‌ها را؟» دیگری لبخند می‌زند. خاطره‌ای تعریف می‌شود، دستی لرزان میان هوا می‌چرخد و چیزی را از گذشته به اکنون می‌کشاند. خاطره‌ها مثل پرنده‌هایی که هیچگاه خانه‌شان را فراموش نمی‌کنند، دوباره به این نیمکت‌ها بازگشته‌اند.

پیرزن‌ها کمی آن‌طرف‌تر نشسته‌اند؛ به هم چای تعارف می‌کنند. دست‌های‌شان پینه بسته از زندگی. چشمان‌شان اما هنوز ستاره‌هایی دارد که خاموش نشده. زنی از بچگی‌هایش می‌گوید، از روزهایی که تاب‌های پارک همین‌قدر صدا می‌دادند و بچه‌ها بی‌دغدغه بزرگ می‌شدند. دیگری آه می‌کشد و جمله را در میان باد رها می‌کند. گویی برخی حرف‌ها فقط باید شنیده شوند، بی‌نیاز به پاسخ.

آدم‌ها در این شهر، هر روز از کنارشان عبور می‌کنند. شتاب‌زده، خیره به صفحه گوشی یا عقربه‌های ساعت اما کسی نمی‌داند روی این نیمکت‌ها، چه گنجینه‌ای نهفته است. این‌جا نه فقط مکان انتظار که کتابخانه‌ای بی‌نام و دیواری بی‌درو پیکر است؛ جایی که قصه‌ها هنوز زنده‌اند، حتی اگر کسی حوصله شنیدن نداشته باشد.

تنهایی، میهمان همیشگی این جمع کوچک است. اما آنها بلدند با همین گپ‌های طولانی، با همین خاطره‌بازی‌ها، تنهایی را رام کنند. پیرمردی از خاطره عشق اولش می‌گوید و ناگهان چشم‌هایش برق می‌زند؛ پیرزنی از رفتن پسرش به دیار غربت و امید بازگشتش حرف می‌زند و کلمه‌ها شبیه نخ‌هایی نامرئی، همه را به هم وصل می‌کند.

شهر هر روز شلوغ‌تر می‌شود. ساختمان‌ها بالاتر می‌روند و خیابان‌ها باریک‌تر. اما این نیمکت‌ها و چای‌نوشی عصرگاهی، جایی برای نفس کشیدن باقی می‌گذارند. گاهی رهگذری کند می‌شود، نگاه کوتاهی می‌اندازد و رد می‌شود. اما اگر کسی دل بدهد و دمی بنشیند، شاید بشنود هنوز داستان‌هایی هست که گفته نشده؛ هنوز دلی هست که گرم شود، هنوز زندگی، زیر همین آسمان غبارآلود، ادامه دارد.

پیرمردها و پیرزن‌های پارک، قصه‌گویانی‌اند که روزی روزگاری، شهر را ساخته‌اند؛ حالا، تنها سهم‌شان نیمکتی است و خاطره‌ای و نگاهی به عابری که شاید هیچ‌وقت نفهمد چه گنجی از کنارش گذشته است. شاید زندگی، چیزی جز همین نشست‌های ساده و حرف‌های بی‌تکلف نباشد. جایی که آدم‌ها، حتی اگر فراموش شوند، باز قصه‌ای برای گفتن دارند.

لگد به روزمرگی

جاودانگی با آثار باستانی

عبدالله مقدمی
شاعر و طنزپرداز

چند روزی بود خان‌عمو با دوستانش به مسافرت رفته بودند. مسافرتی که خود خان‌عمو آن را مسافرت فرهنگی صدا می‌کرد. اینطور که متوجه شدم، وقتی چند تا کلیپ تاریخی با صدای دالبی و فیلمبرداری دوربینک هوایی (این را به جای هلی‌شات از خودم ساختم، مگر من چه‌ام از فرهنگستان زبان کمتر است؟) از آثار تاریخی ایران در گروه مجازی «بازنشستگان باحال» به اشتراک گذاشته شده بود، تعدادی از موهای بدن‌شان سیخ شده بود و خیلی زود تصمیم گرفته بودند از نزدیک با این شاهکارها آشنا شوند. اما ای کاش همان چند موی باقی مانده‌شان سیخ نشده بود.

خان‌عمو زیرچشمی نگاهی به من کرد و گفت: «ولی واقعا جایت خالی بود. آدم از دیدن عظمت و شکوه تاریخ مملکتش به وجد می‌آمد.» گفتم: «اولا که دوستان به جای ما. ثانیا شما چقدر قشنگ صحبت می‌کنید. از توی روزنامه خواندید؟» گفت: «بله. توی جعبه میوه بود ولی خدایی این کلمه «وجد» ابتکار خودم بود!» گفتم: «از مسافرت‌تان تعریف کنید. کجاها رفتید؟» گفت: «همه جا. تخت جمشید، نقش رستم، پاسارگاد و کلی جاهای تاریخی دیگر. البته برادرزاده جان! من پا به هر جایی گذاشتم بعد از اینکه به «وجد» آمدم، نام خودم را هم در کنار بزرگان تاریخ ایران‌زمین جاودانه کردم.» گفتم: «جاودانه کردید؟ یعنی چکار کردید؟» گفت: «هیچی دیگر. آنجایی که مثلا داریوش اسم خودش را به میخی نوشته بود، من هم یک میخ برداشتم و اسم خودم را به فارسی امروز حک کردم. البته خطم خیلی خوب نبود و یک چیزی شبیه همان میخی آنها شد.» گفتم: «ای وای! یعنی به میراث فرهنگی کشور آسیب زدید؟» گفت: «چه آسیبی؟ آسیب را رفیقم زد که پایش گرفت به گلدان پنج هزار ساله و خرد و خمیرش کرد.» گفتم: «گلدان پنج هزار ساله؟!» گفت: «خود گلدان که فدای سرش. آسیب را آنجا زد که آن را انداخت روی سر هم‌سفرمان که می‌خواست با پایه گلدان عکس یادگاری بگیرد.» گفتم: «شما و دوستان‌تان قبل از مسافرت در مورد نگهداری از آثار باستانی و اشیای عتیقه چیزی نخواندید؟» گفت: «جزوه‌اش را دادند اما چون می‌دانستیم امتحان نمی‌گیرند، هیچکدام‌مان نخواندیم.»

گفتم: «ظاهرا شما و دوستان‌تان دیگر نباید به گردش تاریخی بروید.» گفت: «حالا همه‌مان هم که برنگشتیم. بعضی‌های‌مان را آنجا نگه داشتند.» گفتم: «برای گلدان؟» گفت: «نه آن را که کسی ندید. دو تا از همسفرهای‌مان خواستند روی گردن شیردال تخت‌جمشید بنشینند و عکس یادگاری بگیرند که...» گفتم: «دستگیر شدند؟» گفت: «نه از آن بالا افتادند و شست پای‌شان رفت توی چشم‌شان.»

از گوشه و کنار دنیا

آخرین امید برای یک گونه باستانی

شاخ را بِبُر، جان را نجات بده

در جنگ بی‌پایان با شکارچیان، شاید تنها امید باقی‌مانده بی‌شاخ شدن کرگدن‌ها باشد؛ زخمی که نجات دهنده است

آزاده ابوطالبی
هفت صبح

حتی اگر آن تصویر کلیشه‌ای از کرگدن آفریقایی با شاخی بزرگ و هلالی‌اش در ذهن‌مان جا خوش کرده باشد، امروز حقیقت می‌طلبد که دوباره این حیوان عظیم‌الجثه و ساکت را به چشم دیگری ببینیم، شاید بی‌شاخ، شاید زخمی اما زنده. دنیایی که برای تکه‌ای شاخ، این جانوران را به کام مرگ می‌کشاند، حالا شاهد یکی از عجیب‌ترین تدابیر حفاظتی است:

بریدن شاخ برای نجات جان کرگدن.

شاید در نگاه اول، اقدامی بی‌رحمانه به نظر برسد؛ اما یافته‌های یک پژوهش بزرگ، نقطه عطفی در تاریخ حفاظت از این حیوانات آفریده است. پژوهشگران دانشگاه‌های کیپ‌تاون، نلسون ماندلا، استلنبوش و آکسفورد، با همراهی متولیان محیط زیست و دولت آفریقای جنوبی، طی شش سال در پارک بزرگ کروگر راهی تازه را آزمودند. آنها دریافتند که بریدن شاخ کرگدن، شکار غیرقانونی را تا ۸۰ درصد کاهش داده، عددی تکان‌دهنده که سایه سنگین تردید را بر کارآمدی میلیون‌ها دلار هزینه‌های سنتی امنیتی انداخت.

بریدن شاخ کرگدن، شکار غیرقانونی را تا ۸۰ درصد کاهش داده، عددی تکان‌دهنده که سایه سنگین تردید را بر کارآمدی میلیون‌ها دلار هزینه‌های سنتی امنیتی انداخت

این پژوهش که نتایجش در نشریه علمی Science منتشر شده، به وضوح نشان می‌دهد: آنچه سال‌ها با پاسبانان، سگ‌های ردگیر، هلیکوپتر و دوربین‌های پیشرفته تلاش کردیم به دست بیاوریم، حالا با اقدامی ساده‌تر و البته بحث‌برانگیز ممکن شده است. تیم تحقیق، هیچ نشانه آماری معناداری نیافت که این تدابیر پرخرج، به اندازه بریدن شاخ، نرخ شکار را کاهش داده باشد. شاید صدها شکارچی بازداشت شوند اما ماشین بی‌رحم بازار سیاه همچنان روشن می‌ماند.

شاخ کرگدن که ترکیبی مشابه ناخن انسان دارد، در باور غلط طب سنتی شرق آسیا، داروی تمام دردهای بی‌درمان است: از تب و درد گرفته تا افزایش میل جنسی. همین اوهام، هزاران دلار ارزش کاذب به هر گرم این شاخ بخشیده و کارتل‌های بی‌رحم قاچاق، بدون هیچ ترحمی به جان کرگدن‌ها، به تعقیب‌شان ادامه می‌دهند.

اما چگونه شاخ را می‌بُرند؟ عملیات، با دقت و کمترین رنج برای حیوان انجام می‌شود: بیهوشی، چشم‌بند، گوش‌بند و یک اره برقی. شاخ را کوتاه می‌کنند اما پایه‌ای از آن باقی می‌ماند؛ و البته این هم کافی نیست تا همه شکارچیان را منصرف کند. با این حال، طبق یافته‌ها، کمتر از دو درصد بودجه حفاظت کرگدن صرف این روش شده در حالی که تاثیرش شگفت‌انگیز بود.

دکتر تیم کوپیر، یکی از محققان اصلی این حوزه، با لحنی واقع‌بینانه هشدار می‌دهد که این راه‌حل معجزه‌گر نیست: «آیا کرگدن بی‌شاخ، هنوز کرگدن است؟» این پرسشی‌ست که فراتر از علم، به فلسفه، اخلاق و احساسات انسان‌ها مربوط می‌شود. هرچند با بریدن شاخ، آمار شکار پایین می‌آید اما رفتار و قلمرو حیوان تغییر می‌کند، کرگدن‌های سیاه، پس از بریدن شاخ، منزوی‌تر و محتاط‌تر می‌شوند و گستره قلمروشان کوچک‌تر.

حقیقت این است که نمی‌توانیم تا ۱۰۰ سال آینده هر نسل کرگدن را همچنان بی‌شاخ کنیم. درمان واقعی این زخم، نه در بریدن شاخ که در درمان ریشه‌ای‌تر است: آموزش، فرهنگ‌سازی، خشکاندن تقاضای شاخ در بازار سیاه و بازگرداندن کرگدن به زیست‌بومش، بی‌دغدغه شکار و تهدید.

اما امروز، همین «بی‌شاخ کردن» شاید تنها امید برای بقای نسل‌شان باشد تا روزی که بتوانیم این حیوانات را، بی‌زخم اره و بی‌وحشت شکار، دوباره در دشت‌های آفریقا به چشم ببینیم. و شاید تا آن روز، این تصمیم دشوار، تلخ و عجیب، همان شجاعتی باشد که برای نجات یکی از کهن‌ترین ساکنان زمین لازم است.

ایلان ماسک و ربایش بزرگ

سرقت هنری در عصر هوش مصنوعی

داستان تلخ دیده نشدن هنرمند
روایت اعتراض چارلز بروکس به پست جنجالی ایلان ماسک

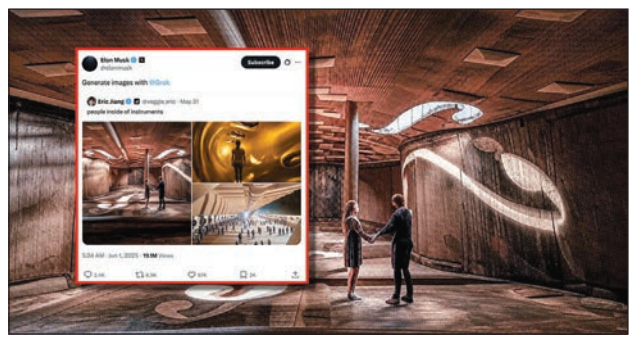

الهه کاکایی
هفت صبح

جهان امروز سرشار از مرزهای محو میان واقعیت و فناوری است؛ جایی که گاهی هویت هنری در سایه موج‌های پرسرعت شبکه‌های اجتماعی گم می‌شود. اخیراً رویدادی توجه هزاران علاقه‌مند به هنر و فناوری را به خود جلب کرد. ایلان ماسک، چهره همیشه خبرساز، عکسی در پلتفرم X منتشر کرد که مخاطبان را دعوت به تجربه هوش مصنوعی Grok کرد و نوشت: «تصاویر را با Grok بسازید». روایت اما وجه دیگری داشت.

راز تصاویر بی‌نظیر

چارلز بروکس عکاسی است که دریچه‌ای تازه به جهان موسیقی گشوده. او با ظرافت و پشتکاری کم‌نظیر، موفق به ثبت تصاویری از درون سازهای موسیقی شده است؛ ثبت صحنه‌هایی از داخل ویولن سالم، کاری که تنها یک بار در جهان به انجام رسیده و خالق آن کسی جز بروکس نیست. همین تصاویر توسط فردی دیگر و با کمک هوش مصنوعی ویرایش شدند و افراد انسانی را به درون این سازها وارد کردند. پس از آن، نسخه‌های ویرایش‌شده با نشان Grok و بدون نام صاحب اثر، به میلیون‌ها مخاطب معرفی شد.

حقیقت فراموش‌شده پشت امضای دیجیتال

واکنش بروکس به این رویداد، ناراحتی و تعجب بود. او در شبکه‌های اجتماعی خود توضیح داد: «تمامی این تصاویر واقعی‌اند و هیچ‌کدام با هوش مصنوعی تولید نشده‌اند.» بروکس استقبال از اشتراک‌گذاری آثارش را امری خوشایند می‌داند و حتی ویرایش عکس‌هایش برایش مسئله‌ای نیست؛ تنها انتظاری که دارد، ذکر نامش به عنوان خالق تصویر و لینکی به آثارش است. این انتظار ساده نیز محقق نشد. بروکس پس از توضیح حقیقت در بخش نظرات، با محدودیت حساب کاربری خود در X مواجه شد. در جهانی که سرعت انتقال خبر و تصویر از همیشه بیشتر است، همین سهل‌انگاری‌ها می‌تواند اعتبار و تلاش یک هنرمند را از نظرها پنهان کند.

هوش مصنوعی؛ مرز توانایی و محدودیت

نگاه بروکس به فناوری مثبت است. او اذعان دارد که هوش مصنوعی می‌تواند تنها آنچه را که پیش‌تر دیده بازتولید کند. تلاش کاربران Grok برای تولید تصاویری مشابه از داخل سازهای موسیقی، شکست خورد؛ چرا که چنین عکس‌هایی در دسترس هوش مصنوعی قرار نگرفته است. بروکس توضیح می‌دهد: «برای ثبت یک تصویر منحصر به فرد از درون ساز، همیشه به یک عکاس نیاز خواهید داشت.» اینجا همان جایی است که تفاوت خلاقیت انسانی با تولید ماشینی آشکار می‌شود؛ لمس، تخیل و کشف دنیای واقعی، همچنان در دستان انسان باقی مانده است.

اعتبار؛ سرمایه‌ای فراتر از فناوری

در عصر شبکه‌های اجتماعی و شتاب انتشار اخبار و تصاویر، اهمیت حمایت از هویت خالقان بیش از گذشته احساس می‌شود. روایت بروکس یادآور می‌شود که نباید اعتبار هنری و زحمت هنرمندان را به دست موج‌های فناوری سپرد. هنوز هم حقیقت، هرچند پنهان بماند، راه خود را به دل انسان‌ها پیدا می‌کند.

عکس روز

تنهایی شیرین

در میان جمعیتی که برای نماز عید قربان در سنت‌پترزبورگ روسیه سر به سجده برده‌اند، پسرکی کوچک ایستاده و با نگاهی متفکرانه به اطراف می‌نگرد؛ گویی به دنبال پاسخی در دریای ایمان و وحدت است. حضور کودک و صفوف منظم نمازگزاران، تصویری ماندگار از امید و تداوم نسل‌ها را به نمایش می‌گذارد.

عکس: دمیتری لووتسکی

یادداشت

شادیِ ربوده شده، امیدِ بازیافته

بابک نبی
دبیر صفحه آخر

در روزهایی که هوای ایران، آمیخته با غبار و ابهام است و خبرها یکی پس از دیگری از مقابل چشمان‌مان می‌گذرند (خبرهایی که گاه رنگ‌شان به روشنی آنچه آرزو داریم نیست) شهر همچنان در انتظار روزهای روشن‌تر است. دل‌ها، پس از روزهای پیاپی خبرهای تکراری، تشنه شنیدن خبری خوش‌اند؛ گویی هر خبر خوب، نسیم ملایمی است که می‌تواند برای دقایقی حال و هوای روزمرگی را تغییر دهد و دل‌ها را به فردایی بهتر امیدوار کند.

در همین فضای مبهم، زمانی نه‌چندان دور، خبر رسید جعفر پناهی، نخل طلای جشنواره کن را در دستانش فشرده است. خیابان‌های شهر همانند گذشته آرام بود؛ خبری از شادی عمومی نبود و کسی پرچمی را در دست نگرفت اما در پس این سکون ظاهری، موجی خاموش اما عمیق در جریان بود: صفحه‌های مجازی مردم پر شد از تبریک و شور. حتی کسانی که شاید هیچگاه فیلمی از پناهی ندیده‌اند یا تفاوت جشنواره کن و ونیز را نمی‌دانند، نام او را بر استوری‌ها و پست‌های خود نوشتند. این واکنش جمعی، رازی بزرگ در خود نهفته داشت؛ رازی که تنها در جامعه‌ای با خاطره‌های زخمی و عطش پیروزی، معنای واقعی‌اش آشکار می‌شود.

روزها گذشت و بار دیگر، موج خبرهای تلخ از راه رسید: از ماجرای تلخ ورزشکاران در کره تا فقدان یکی از الهه‌های سرزمین‌مان. هر کدام، زخمی تازه بر روح جمعی ما نشاندند و دل‌ها را به سایه‌های اندوه نزدیک‌تر کردند. اما درست در همین روزهای دشوار، ارزش آن شادی کوتاه جمعی و آن لحظه افتخار، بیش از پیش آشکار شد. انگار هر بار که خبری تلخ می‌آید، جامعه با خود زمزمه می‌کند: ما نیازمند امیدیم، نیازمند لحظاتی که نام ایران نه با تلخی، که با افتخار و موفقیت گره بخورد حتی اگر این شادی کوتاه و گذرا باشد.

در همان لحظاتی که گروهی در محافل جدی‌تر، ارزش هنری فیلم را به ترازوی نقد می‌گذارند و درباره سیاست و سینما با تیزبینی بحث می‌کنند، جماعتی وسیع‌تر بی‌آنکه به این داوری‌ها وقعی بنهند، از این موفقیت، دمی شاد می‌شوند. مگر مردم یک جامعه، چند بار در سال این فرصت را دارند که نام و هویت‌شان، گوشه‌ای از جغرافیای سرزمین‌شان در ویترین رسانه‌های جهانی بدرخشد؟ این شادمانی دسته‌جمعی، گرم و بی‌واسطه، یادآور یک حقیقت تلخ است: پیروزی و افتخار، آن‌سوی خط قرمزهای معمول، به کالایی کمیاب تبدیل شده است. شاید بسیاری، پناهی را نشناسند و شاید حتی ندانند سینمای هنری چیست یا جشنواره‌های بزرگ جهانی چه اهمیتی دارند؛ اما در دل این موج شور و شادی، چیزی عمیق‌تر از شناخت و آگاهی نهفته است. این شادی، صدای تشنگی دیرینه ماست؛ همان آرزوی قدیمی که ایران و ایرانی، نه با اخبار تلخ و فاجعه که با نام و هنر و توانایی بر صدر بنشیند. صدای شادی آن روزها، بیش از آنکه جشن یک جایزه باشد، آیینه خلأیی است که جامعه ما سال‌هاست با آن دست به گریبان است: نیاز به برنده شدن، نیاز به شنیده شدن، نیاز به اینکه بگوییم «ما هم می‌توانیم» حتی اگر در دل هزار توی تردیدها و اما و اگرها.

جامعه ما این روزها بیش از هر زمان دیگری به روایت‌های پیروزی نیاز دارد؛ حتی اگر این پیروزی، از نگاه برخی، سیاسی یا مشکوک یا حتی کوچک باشد. ما مردمی هستیم که سال‌هاست سایه‌های شکست را بر دوش کشیده‌ایم، اما هنوز دل‌مان با صدای شادی روشن می‌شود؛ حتی اگر این شادی کوتاه باشد، حتی اگر فقط در حد یک استوری یا یک توییت باشد. این نیاز به جشن گرفتن، حتی برای پیروزی‌های کوچک، ریشه در عطشی عمیق دارد؛ عطشی برای دیده شدن، برای سربلندی، برای شنیدن نام ایران در کنار واژه‌هایی چون موفقیت و هنر و افتخار.

نخل طلای جعفر پناهی، شاید بزرگ‌ترین دستاورد تاریخ سینمای ایران نباشد، شاید فیلمش شاهکاری بی‌بدیل در جهان هنر نباشد؛ اما بی‌تردید، این نخل، امروز به باغ جان مردم ما آب داده است. همین شادی کوتاه، نشانه‌ای است از عطش جامعه برای امید، برای افتخار، برای معنایی از «موفق بودن» در دنیایی که هر روزش با اضطراب آغاز می‌شود و با دلهره به پایان می‌رسد.

و شاید، ارزش راستین این جایزه، نه در طلا و نخل و نام‌ها که در لحظات کوتاه شادی باشد که به مردمی خسته، امیدی دوباره می‌بخشد؛ امیدی که اگرچه اندک اما می‌تواند شعله‌ای از زندگی و ایمان به فردا را در دل‌ها زنده نگه دارد.

کوچه کتاب

کافکا بدون نقاب

برادری که کمتر می‌شناختیم

حتما شما هم وقتی نام فرانتس کافکا به میان می‌آید، ناخودآگاه یاد جهان تاریک و کابوس‌وار آثارش می‌افتید؛ همان نویسنده مرموز و فروبسته‌ای که با «مسخ» و «محاکمه» خواننده را به دنیایی سرد و عبوس پرتاب می‌کند اما کافی است دست‌تان به کتاب تازه منتشرشده «فرانتس کافکا؛ نامه‌ها به اوتلا و خانواده» برسد تا ببینید پشت آن چهره مشهور و جدی، انسانی حضور داشته که علاوه بر دل‌نگرانی، شوخ‌طبع و بی‌پرده و حتی پشتیبان و همدل بوده است.

این کتاب که با ترجمه روان و وفادار ناصر غیاثی و به همت نشر نو منتشر شده، گزیده‌ای کم‌نظیر از صد و بیست نامه کافکا به اوتلا، خواهر کوچک‌ترش و عزیزترین عضو خانواده برای اوست؛ نامه‌هایی که از سال ۱۹۰۹ تا چند هفته پیش از مرگ نویسنده در ۱۹۲۴ نوشته شده‌اند و به قول گردآورندگان کتاب، هارتموت بیندر و کلاوس واگن‌باخ، سندی‌اند از عواطفی که پیش‌تر کمتر در آثار رسمی کافکا بروز یافته بود.

اوتلا برای کافکا، نه فقط خواهر، که همدم و محرم اسرار و گاه حتی «تنها دوست واقعی‌اش» بود. کافکا در این نامه‌ها چهره‌ای کاملا متفاوت از نویسنده آثار کلاسیک خود را نشان می‌دهد: برادری مهربان که مراقب احوال اوتلاست، او را تشویق به شورش علیه محدودیت‌های خانوادگی می‌کند و حتی با بذله‌گویی و شوخی‌هایی که کمتر از او سراغ داریم، به فضای این مکاتبات رنگ و زندگی می‌بخشد. همین‌جاست که با کافکایی روبه‌رو می‌شویم که در یک دروغ اول آوریل کل خانواده را سر کار می‌گذارد یا بی‌تعارف شوهر خواهرش را دست می‌اندازد.

از خلال این نامه‌ها علاوه بر اینکه روابط عمیق انسانی و خانوادگی کافکا بر ما روشن می‌شود، فرصت کمیاب دیدار با بخشی ناشناخته از روحیات و نگرش او را هم پیدا می‌کنیم؛ جایی که این نویسنده فروتن و شکننده، با طنز و مهربانی و حتی نوعی حمایت پنهان از عصیان اوتلا در برابر پدرشان، به یکی از صمیمی‌ترین و بی‌واسطه‌ترین شکل‌های رابطه انسانی معنا می‌بخشد. بی‌راه نیست اگر بگوییم «نامه‌ها به اوتلا و خانواده» پلی‌ست برای عبور از جهان پراضطراب و تاریک آثار کافکا به زندگی شخصی و صمیمانه او؛ جایی که همذات‌پنداری خواننده با شخصیت اصلی این بار نه بر بستر رمان که در متن خود زندگی اتفاق می‌افتد. این کتاب دریچه‌ای تازه است به دنیای کافکا؛ دنیایی انسانی‌تر، ملموس‌تر و شاید حتی امیدبخش‌تر. اگر به دنبال کشف چهره‌ای دیگر از نویسنده بزرگ قرن بیستم هستید، این مجموعه را از دست ندهید.